

بیکار قهرمانانه خلق ما علیه تجاوزگران، چشم انداز صلح را نزدیک می سازد

● فرجام پیروزمندانه جنگ به معنی استقرار صلحی منطبق بر مصالح انقلاب ایران و منافع مردم ایران و عراق است. تأکیدات شورای عالی دفاع مبنی بر تشکیل دادگاه و یا یک هیئت بین المللی دارای صداقت به منظور رسیدگی به امر تجاوز و نیز همزمانی آتش بس با خروج نیروهای ارتش تجاوزکار عراق که از جمله شرط های آغاز مذاکرات صلح عنوان شده است مورد تأیید ما نیز می باشد.

خواهان گسترش همبستگی برادرانه و انقلابی مردم ایران و عراق و سازمان های ترقی خواه ضد امپریالیست و انقلابی دو کشور در پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و نیز علیه رژیم صدام هستیم.

سازمان بویژه در شرایطی که چشم انداز پایان جنگ وجود دارد از همه نیروها و دولت های مترقی و ضد - امپریالیست منطقه اکیدا می خواهد که همه توان خود را در شناساندن ماهیت جنگ صدام علیه ایران و شکست مفتضحانه صدام بکار گیرند تا رژیم مرتجع عراق نتواند توده های عرب را بفریبد.

● ما معتقدیم وظیفه سرنگونی رژیم صدام، وظیفه مردم و نیروهای انقلابی و ترقی خواه عراق است. ما

● اکنون برای همه آشکار است که مقاومت یکپارچه و دلاورانه مردم ما، سربازان، درجه داران، افسران میهن پرست پاسداران، نیروهای بسیج و فدائیان خلق و دیگر رزمندگان راه استقلال و آزادی میهن، جنگ تحمیلی رژیم صدام را به شکست گشانده است.

در صفحه ۲

در صفحه ۱۹

سخنی پیرامون دادگاه امیر انتظام
معاون نخست وزیر دولت موقت

مردم رأی محکومیت
امیر انتظام را صادر کرده اند

کردستان در سالی که گذشت

خواسته های عادلانه مردم کردستان

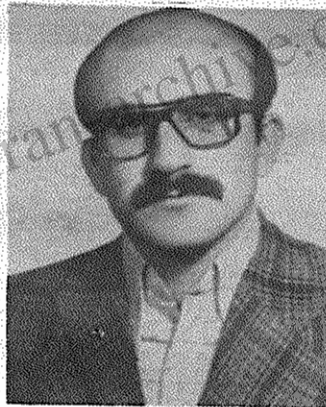
همچنان بی پاسخ مانده است

در صفحه ۱۶

سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است

۴ رفیق فدایی در جبهه جنوب به شهادت

رسیدند ★★★★★



★ فدائی خلق رفیق شهید
افراسیاب (ژوبین) سلیمانی

سنگرهای خونین جنوب و جنوب غربی کشورمان همچنان شاهد مقاومت شورانگیز و حماسه آفرینی مردان و زنانی است که با نثار جان و ابراز بزرگترین فداکاریها در راه استقلال و آزادی میهن مبارزه می کنند.

در این شماره یاد ۴ رفیق فدایی را گرامی می داریم که در جبهه مقدم نبرد و در پشت جبهه مقاومت در برابر تجاوزگران با ایثار و فداکاری قهرمانانه مبارزه کردند و در راه رمان طبقه کارگر و استقلال و آزادی میهن به شهادت رسیدند.

یاد رفقا ★ عباس دبه دار، ★ حسین دبه دار،
★ سید رضا طالب موسوی ★ افراسیاب (ژوبین) سلیمانی
را بزرگ می داریم و راهشان را پی می گیریم. در صفحه ۲۰

اول ماه مه، روز تجلی وحدت و همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان را

هرچه با شکوهرتر برگزار کنیم

به استقبال اول ماه مه برویم

روز کارگر (اول ماه مه) فرا می رسد. روزی که همبستگی و وحدت اراده کارگران و زحمتکشان سراسر جهان بنا به یک سنت صدساله کارگری در صفوفی یکپارچه و متحد به نمایش گذاشته می شود تا بیانگر عزم آهنین و استوار کارگران و زحمتکشان در بیکار درنگ ناپذیرشان علیه

بنیادهای ستم و استثمار و فقر و جهالت باشد. ۹۵ سال پیش در روز اول ماه مه راهپیمایی اعتراضی کارگران آمریکا با شعار "۸ ساعت کار" در میاندان "هایمارکت" شیکاگو به خون کشیده شد و سه سال بعد، رهبران آنتراناسیونال دوم به پیشنهاد انگلس در تجلیل از

بقیه در صفحه ۱۵

در این شماره در صفحه ۶

جنبش کارگری ایران

کارگران سیمان: برای راه اندازی کارخانه باید از امکانات کشورهای دوست استفاده کنیم

با وعده ریگان برای تشکیل دولت «میان رو»
اخلال مدیوان لیبرال
در کارخانجات تشدید شده است

در صفحه ۷ جنبش دهقانی ایران

اجرای بند (ج) قانون اصلاحات ارضی
خواست زحمتکشان سراسر ایران

اصلاحات ارضی و بند (ج) و (د)، هرچه سریع تر باید اجراء گردد

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم!

پیکار قهرمانانه خلق ما علیه تجاوزگران چشم انداز صلح را نزدیک می سازد

در حالیکه مقاومت قهرمانانه خلق ما چشم اندازهای تازه ای برای دستیابی به صلحی منطبق بر مصالح انقلاب ایران و منافع مردم عراق گشوده است، مردم غیرنظامی خوزستان بیشتر از هر زمانی هدف وحشیانه ترین و جنایتکارترین حملات نظامی رژیم صدام اند!

در دو هفته اخیر دنیا شاهد بوده است که چگونه مناطق مسکونی آبادان و اهواز توسط ارتش تجاوزکار صدام بارها به توپ بسته شد، موشکها و راکت های رژیم صدام بر خانه و مدرسه و مسجد و بیمارستان، کوچه و بازار که محل سکونت و کار و بار مردم عادی است فرو بارید و همچنان صدها تن کشته و زخمی شدند.

در مقابل پایداری و مقاومت شوراگیر خلق ما که در تاریخ مبارزات خلق های جهان برای کسب استقلال و آزادی از نمونه های درخشان است، رژیم عراق در آستانه شکست فزاینده قرار دارد. جنگ تجاوزکارانه و تحمیلی رژیم صدام که امپریالیسم آمریکا و متحدان آن، امیدهای فراوانی بدان بسته بودند و در افروختن ناعاره جنگ شکست انقلاب ایران و پایمال کردن همه دستاوردهای انقلاب خونبار مردم ما را می دیدند، با ناکامی مفتضحانه ای روبرو شده است. یک بار دیگر انقلاب و مردمی که پرچم انقلاب را در دست دارند، دشمنان خود را به زانو در آورده اند، اکنون برای همه آشکار است که مقاومت یکپارچه و دلاورانه مردم ما، سربازان، درجه داران و افسران میهن پرست، پاسداران، نیروهای بسیج فدائیان خلق و دیگر رزمندگان راه استقلال و آزادی میهن، جنگ تحمیلی رژیم صدام را به شکست کشانده است.

بدون تردید پیروزی مردم و انقلاب ایران در جنگی که رژیم صدام بر مردم ما تحمیل کرده است، برای رژیم عراق و حامیان ریز و درشت آن ناگوار و تلخ است. فرجام پیروزمندانه جنگ

که با استقرار صلحی منطبق بر مصالح انقلاب ایران و منافع مردم عراق امکان می پذیرد، فرصت های مناسبی برای تعمیق انقلاب فراهم می آورد. نیروهای مردمی و ترقیخواه عراق را تقویت می کند و افزون بر این تأثیر نمایان و چشم گیری در رشد و گسترش جنبش های استقلال طلبانه و ترقیخواهانه خلق های منطقه دارد.

پایداری و مقاومت حماسه آفرین مردم ما و نیروهای مسلح جمهوری و همسایه جریان های ضد امپریالیست و ترقیخواه میهن و نیستیایی و حمایت بی دریغ کشورهای سوسیالیستی و دولت های ترقیخواه و ضد امپریالیست و نیروهای انقلابی سراسر جهان از پیکار عادلانه ما و همچنین اقدامات صلح جویانه نیروهای صلح طلب جهان اکنون موقعیت های جدیدی برای فرجام پیروزمندانه جنگ و استقرار صلحی منطبق بر مصالح انقلاب ایران و منافع مردم ایران و عراق آفریده است.

یورش وحشیانه رژیم صدام در دو هفته اخیر، تلاش مذبوحانه ای است برای به دست آوردن موقعیت مناسب در مذاکرات صلح و نجات خود از مهلکه ای که در آن گرفتار آمده است. صدام برای دستیابی به چنین موقعیتی خانه ها و مدارس و مساجد بیشتری را ویران می کند و به کشتار بی رحمانه تر مردم عادی متوسل می شود. همه اینها برای مردم ایران و عراق و مردم سراسر جهان تنها نشانه های آشکار شکست و زبونی صدام و حامیانش در جنگ تجاوزکارانه و تحمیلی است.

ما قبلاً نیز یادآوری کرده ایم که رژیم صدام، رژیم های ارتجاعی و دست نشانده منطقه، امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، کوشش خواهند کرد که اکنون که طلوع پیروزی های مردم ایران نمایان شده است و این پیروزی ها نه تنها نقشه های آنان را در ارتباط با انقلاب ایران نقش بر آب ساخته بلکه پایه های حکومت صدام را

بیشتر از هر زمانی لرزان ساخته است، تا آنجا که امکان پذیر است، جنگ را با امتیازاتی به سود رژیم صدام و در جهت تحکیم موقعیت و منافع غارتگرانه خود پایان بخشند. امپریالیسم و ارتجاع منطقه تلاش برای استقرار صلح را نیز عرصه ای برای پیشبرد سیاست غارتگرانه خود می دانند. از جمله به این دلیل بود که سازمان ما به پیکار بی امان در این عرصه به مثابه جزئی از پیکار عادلانه خلق ما علیه تجاوزگران تاکید کرد و بر آن پای فشرد.

اکنون اثبات شده است که پیکار در این عرصه نیز زمانی که بر تقویت نیروهای مسلح خلق و تحکیم پایداری جبهه های مقدم نبرد استوار باشد، چگونه جزء جدائی ناپذیری از پیکار عادلانه ما برای دفع تجاوز بوده و فرجام پیروزمندانه جنگ را با سرعت بیشتری تدارک می بیند.

اکنون می بینیم وقتی که همه راه های مبارزه برای دفع تجاوز رژیم جنایتکار صدام به درستی به کار گرفته شود، رفته رفته به نیروی مقاومت و پایداری خلق و نیروهای مسلح آن پیروزی چون صبح خجسته بهاری آغوش می کشاید.

سازمان ما ضروری می داند همانگونه که در جبهه های مقدم نبرد با استواری و پایداری علیه تجاوزگران به نبرد ایستاده است، و نیروهای آن دوشادوش سربازان، درجه داران و افسران میهن پرست و پاسداران و نیروهای بسیج و دیگر رزمندگان استقلال و آزادی با ایثار و فداکارانه می رزمند، اکنون که در راه دستیابی به صلحی منطبق بر مصالح انقلاب ایران و منافع مردم ایران و عراق گام هایی به پیش برداشته شده است و افق های امیدوار کننده ای پدیدار گردیده، موارد زیر را قاطعانه مورد تاکید قرار دهد:

۱- اقدامات دیپلماتیک و تلاش های صلح آمیز دولت و شورای عالی دفاع برای دفع تجاوز باید با نکیه بر مصالح انقلاب، حفظ دستاوردهای

آن و تعمیق انقلاب خونبار مردم ایران و نیز تحکیم همستگی خلق های ایران و عراق در مبارزه علیه دشمن مشترک: امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع منطقه پیگیرانه ادامه یابد. این اقدامات و تلاش ها، جزئی از پیکار عادلانه مردم ما برای حفظ استقلال و آزادی در برابر تجاوزات رژیم صدام و امپریالیسم آمریکا است و برای آنکه پیروزمندانه به فرجام رسد، باید بر تقویت و تحکیم نیروهای مسلح خلق استوار باشد.

ما از جنین اقدامات و تلاش های صلح آمیزی استقبال می کنیم.

۲- ما از استقرار صلحی منطبق بر مصالح انقلاب و منافع مردم ایران و عراق قاطعانه حمایت می کنیم. تاکیدات شورای عالی دفاع مبنی بر تشکیل دادگاه و یا یک هیئت بین المللی دارای صلاحیت به منظور رسیدگی به امر تجاوز و نیز همزمانی آتش بس با خروج نیروهای ارتش تجاوزکار عراق که از جمله شرط های آغاز مذاکرات صلح عنوان شده است، مورد تأیید ما نیز می باشد.

تمامی نیروهای ارتش متجاوز رژیم صدام باید خاک میهن ما را ترک گویند. شرط مقدماتی برای استقرار یک صلح پایدار تحقق این امر است.

۳- رژیم جنایتکار صدام ارتجاع منطقه، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تلاش دارند جریان مذاکرات صلح و احیانا استقرار صلح را به گونه ای که متضمن بیشترین منافع ممکن برای آنان باشد، به پیش برند.

توجه هشیارانه به مانورهای هیئت صلح کنفرانس طائف که در کنار شخصیت های ملی و صلح طلبی همچون یاسر عرفات و سکوتوره با مزدوران و مهربه های آمریکائی همچون ضیاء الحق، ضیاء الرحمان تشکیل یافته است، مورد تاکید ماست.

انتخاب جده، به عنوان مرکز مشاوره های صلح جویانه و زمزمه های رژیم آمریکائی عربستان سعودی دایر بر دادن وام به دولت ایران

جهت ترمیم خرابی های جنگ، همگی نشانه هایی از تلاش های امپریالیسم و ارتجاع منطقه برای احیای سلطه غارتگرانه امپریالیسم آمریکا در میهن ما، پایمال ساختن دستاوردهای انقلاب و تحکیم منافع پلید و غارتگرانه شان است.

این تلاش ها در عین حال متوجه سرپوش گذاشتن بر هدف های تجاوزکارانه و مقاصد نظامی امپریالیسم جهانی به ویژه امپریالیسم آمریکا است. در پوشش چنین صلح طلبی های امپریالیسم آمریکا و متحدان آن می کوشند استقرار ناوگان های جنگی و نیروهای واکنش سریع و نیز گسترش پایگاه های نظامی در اقیانوس هند و منطقه را که به منظور سرکوب انقلاب ایران و جنبش های استقلال طلبانه صورت می گیرد، در اذهان مردم منطقه و جهان مخدوش کرده و از انظار جهانیان پنهان نمایند.

لازم است استقبال سرد دولت جمهوری اسلامی ایران و شورای عالی دفاع را از تلاش های صلح جویانه هیئت صلح کنفرانس جنبش غیر متعهدا که از شخصیت های ضد امپریالیست، انقلابی و صلح طلب جهان تشکیل یافته است، متذکر شویم. چنین برخوردی با هیئت صلحی که نمایندگان دولتهایی در آن مشارکت دارند که بارها انقلاب مردم ما اعلام داشته اند، نگرانی ما و تمام نیروهای ترقیخواه و انقلابی میهن را برانگیخته و جای سئوالی را در این باره از دولت و شورای عالی دفاع باز می گذارد.

۴- ما تبلیغات و اقدامات نابخردانه پاره ای از مقامات دولتی و رسمی جمهوری اسلامی ایران را که در کمال بی مسئولیتی با سرنوشت جنگ و صلح مواجه می گردند نکوهش کرده و تدابیر و رهنمودهای آیت الله خمینی را در این زمینه مورد پشتیبانی و تأیید قرار می دهیم.

ما قاطعانه اعتقاد داریم که سرنوشت مردم هر کشوری

از یادداشت های فدائیان خلق در جبهه های جنگ

خنده بچه ها باز بر سر شهر شکوفه خواهد زد

هر روز در شهر دیده می شوند همین چند روز پیش خمپاره های که در پیاده رو منفجر شد، دو تن از این کودکان را تکه تکه کرد. دست فروشها بساط خود را پای دیوارها و یا روی چرخ های دستی کوچولو پهن کرده اند.

بیشتر دست فروشان قبل از جنگ این شغل را نداشته اند آنها به خاطر گذران زندگی شان در همین روزهای جنگ به دستفروشی افتاده اند آنها در واقع چیزی هم برای فروش ندارند. یکی از آنها چند قوطی کبریت و یک فانوس و دیگری چند پیراهن دست دوم جلویش گذاشته است. پیرمردی هم مقداری بیسکویت و سیگار و آبنبات برای فروش به بازار آورده است. در چشم هایش مرارت های جنگ و تبسم به زندگی با می بینی.

سلام پدر، خسته نباشی! با خوشحالی جوابم را می دهد:

سلامت باشی سرباز! پدر، حال و روزت چگونه؟

همیشه چویدار بودم، حالا دستفروشم بمب افتاد تو دکانم و همه را از بین برد. حالا مانده ام که مقاومت کنم.

پیرمرد امید زیادی به پیروزی دارد.

کمی پائین تر مرد جوانی که انگار چشم هایش درست نمی بیند، کنار گاری کوچکی ایستاده و هر چند لحظه یکبار داد می زند:

آی ساموسه، ساموسه فروش قیافه شکسته و رنج کشیده ای دارد.

همراهش صحبت می کند. می گوید:

قبلا کارگر مس سرچشمه بودم. چشم هایم همانجا خراب شد. بعد آمدم اینجا کارگری، چاه کنی می کردم. یک مدت گذشت و دست و



خانه های کوچک کلی زندگی می کنند. حالا به علت جنگ در شمال رودخانه این منطقه دائمآ زیر بمباران توپخانه دشمن قرار دارد. اعراب ساکن این ناحیه بهمنشیر هر کدام یکی دو گاو و یا تعدادی نخل دارند. آنها از این راه زندگی شان را می گذرانند. حالا تقریباً همه آنها با بچه هایشان در محله خود مانده و شهر را ترک نکرده اند با یکی از زنان ماست فروش صحبت می کنم:

مادر، چرا اینجا ماندی و از شهر نرفتی؟

می گوید: کجا بروم گاوا؟ گاوم را چه کنم؟ نخل هایم را چه کنم؟ آنها را که نمی شود جایی برد!

بچه هایت را چی؟ آنها را جایی نفرستادی؟

نه، بچه هایم همین جا هستند. بگذار خمپاره هم می خواهند بخورند، پیش خودم بخورند.

تنها بچه هایی که در شهر مانده اند، عموما فرزندان همین زحمتکش هستند. بچه هایی که با پاهای برهنه

یک زن و یک کودک دیده می شوند. آنها جلوی در خانه شان نشسته و بیرون را تماشا می کنند. در مسجد فاطمیه حدود ۳۰ - ۴۰ نفر به صف ایستاده اند. آنها نیز همه شان از زحمتکشان محل هستند. در این مسجد با کارت، جیره خواربار ماهانه را توزیع می کنند. برنج، روغن، حبوبات، صابون، قند و اخیراً کمی پرتقال.

خیابان های محله هم خلوت هستند. زنان ماست - فروش عرب که همه لباس های بلند عربی به تن و دستارهای سیاه به سر دارند کنار خیابان ها به ردیف نشسته اند. آنها کاسه های بزرگ و رنگارنگ ماست و شیر را جلوی شان گذاشته و انتظار مشتری را می کشند. در کنار ماست و شیرفروشا، زن ها و مرد های عرب دیگر مشغول فروختن سبزی هستند. آنها سبزی ها را از نخلستان های بهمنشیر می آورند. جایی که یک لحظه هم از حملات دشمن در امان نیستند.

اغلب این عرب های زحمتکش در حاشیه بهمنشیر در می شود. در یکی از کوچه ها بر آوار خانه ای که بر اثر خسمه های دشمن به تلی از آجر و خاک تبدیل شده است زن جوان عربی در حالیکه بچهاش را به پشت بسته است دارد با دستهای خاکها را زیر و رو می کند. به عربی از او می پرسم:

دنبال چه می گردی؟ از روی خاکها بلند می شود:

اسباب و اثاثیه ام مانده زیر خاک.

به خانه اش نگاه می کنم. یک چهار دیواری کوچک و اتاقی محقر که حالا تبدیل به تلی از خاک شده است. اشک چشم های زن عرب را بر می کند. می گویم:

عصه نخور خواهر، درست می شود! زن در میان خاکها باز به جستجو ادامه می دهد. یکی دو کاسه و بشقاب از زیر خاک بیرون می کشد. سوش را بالا می آورد. کاسه ها را نشانم می دهد و با خوشحالی می گوید:

کاسه ها را در آوردم. در کوچه ای دیگر یک مرد،

دو سه روز است مرخصی گرفته ام، می خواهم دیوار خانه مان را درست کنم. تا حالا نیمنی از آن را بالا آورده ام. خانه ما هم مثل خیلی از خانه های دیگر خمپاره خورده است. خانه مان در کفیشه است، یکی از محله های پر جمعیت آبادان، محله ای که ساکنان آن را مردمی زحمتکش، کارگر و فقیر تشکیل می دهند. قبل از جنگ در کفیشه حدود ۵۰ هزار نفر زندگی می کردند. بیشتر جمعیت محله مان عرب هستند. عرب هایی که به دستفروشی، باربری و کارگری زندگی شان را می گذرانند.

امروز حال در خانه ماندن و کار کردن را ندارم. دلم می خواهد از خانه بیرون بیایم و در محله قدم بزنم. لباس هایم را می پوشم (همان لباس های سربازی ام را تن می کنم). دیگر به آنها عادت کرده ام. چهار ماه است که با آنها در جبهه بوده ام، جبهه بهمنشیر. کلاهم را دستم می گیرم و از خانه بیرون می آیم.

روز آفتابی خوبی است. یکی دو روز است که شهر آرام شده است. فقط گهگاه از دور صدای انفجار خمپاره ها شنیده می شود. قبل از جنگ خانه ها، کوچه ها و خیابان های کفیشه، شلوغ و پررفت و آمد بود. در کوچه ها بچه ها با پاهای برهنه در هم می لولیدند و با توپ های پلاستیکی بازی می کردند.

حالا از آن شلوغی و آن غوغائی که آنها برپا می کردند خبری نیست. سکوت همه جا را گرفته است. دلم را غمی سخت و سنگین می گیرد.

گاهی از خانه محقری صدای مرغ یا خروسی شنیده می شود. این صدا نشان زندگی است. کفیشه هم از بمباران میگها و خمپاره های عراقی در امان نمانده است. تعداد زیادی از خانه ها ویران شده و همه جا دیوارهای فروریخته و شیشه های خرد شده، دیده

می شود. در یکی از کوچه ها بر آوار خانه ای که بر اثر خسمه های دشمن به تلی از آجر و خاک تبدیل شده است زن جوان عربی در حالیکه بچهاش را به پشت بسته است دارد با دستهای خاکها را زیر و رو می کند. به عربی از او می پرسم:

دنبال چه می گردی؟ از روی خاکها بلند می شود:

اسباب و اثاثیه ام مانده زیر خاک.

به خانه اش نگاه می کنم. یک چهار دیواری کوچک و اتاقی محقر که حالا تبدیل به تلی از خاک شده است. اشک چشم های زن عرب را بر می کند. می گویم:

عصه نخور خواهر، درست می شود! زن در میان خاکها باز به جستجو ادامه می دهد. یکی دو کاسه و بشقاب از زیر خاک بیرون می کشد. سوش را بالا می آورد. کاسه ها را نشانم می دهد و با خوشحالی می گوید:

کاسه ها را در آوردم. در کوچه ای دیگر یک مرد،

مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

بقیه از صفحه ۲

بیکار قهرمانانه...

توسط خود آنان تعیین می‌گردد.

وظیفه سرنگونی رژیم صدام، وظیفه مردم و نیروهای انقلابی و ترقیخواه عراق است. مردم ما و مردم عراق در مبارزه با دشمن مشترک: امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع منطقه متحد یکدیگرند.

ما خواهان گسترش همبستگی‌های برادرانه و انقلابی مردم ایران و عراق و سازمان‌های ترقیخواه ضد امپریالیست و انقلابی دو کشور در پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و نیز علیه رژیم صدام هستیم. ۵- شورای عالی دفاع می‌باید و شورای عالی دفاع می‌باید مردم را بیش از پیش در جریان پیشرفت مسائل مربوط به جنگ و صلح قرار دهد.

ما دور نگهداشتن مردم را از حقایق مربوط به جنگ و صلح ساستی زیان‌بار می‌شناسیم. حقایق را باید با مردم در میان گذاشت و آنها را در تصمیماتی که به سرنوشت آنان و انقلابشان ارتباط می‌یابد، بیش از پیش سهیم گردانید.

۶- بدون تردید ترمیم خرابی‌های بی‌حساب جنگ، به‌ویژه ضایعاتی که بر صنایع ایران وارد آمده، اقتصاد ایران را به تکنولوژی پیشرفته صنعتی، به اسباب و وسایل و ماشین‌آلات پیچیده صنعتی که هیچ‌کدام در داخل ایران وجود ندارند، سخت نیازمند می‌سازد.

مسئله بسیار حیاتی برای انقلاب ایران آن است که دولت جمهوری برای تامین نیازهای مردم اقتصاد ایران در جهت تامین نیازهای اقتصادی کدام سیاست را اتخاذ خواهد کرد، سیاست گسترش روابط با دول سوسیالیستی و سایر دول ترقیخواه جهان یا سیاست گسترش روابط با دول امپریالیستی اروپا و ژاپن.

ما ضمن محکوم کردن همه تلاش‌هایی که از جانب برخی محافل جمهوری اسلامی برای گسترش رابطه با امپریالیست‌های اروپایی و ژاپنی مشاهده می‌گردد، اعلام می‌داریم که مردم ما و همه نیروهای انقلابی مبنیان که از اقدامات و سیاست‌های مثبت جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند، در

مقابل هرگونه گرایش جمهوری اسلامی که بخواهد ایران را همچنان در وابستگی اقتصادی نگاهدارد و سیاست نزدیکی به غرب را دنبال کند، قاطعانه خواهند ایستاد و علیه آنان مبارزه خواهند کرد.

۷- رژیم صدام مذبحخانه تلاش دارد شکست مفتضحانه خود را از خلق قهرمان ما، برای خلق‌های عراق و سایر مردم ممالک عربی پوشیده نگاهدارد. وقتی مردم عراق و سایر خلق‌های عرب دریابند که رژیم مرتجع صدام در تهاجم علیه مین ما آلت دست امپریالیست‌ها بوده و به منافع اعراب خیانت کرده است، وقتی مردم عراق و سایر ملل منطقه دریابند که تهاجم رژیم صدام با شکست مفتضحانه روبرو شده است

قطعا رژیم صدام بیش از پیش با تزلزل روبرو خواهد شد و همراه با این تحول سایر رژیم‌های مرتجع منطقه رسواتر و متزلزل‌تر خواهند شد که نتیجه طبیعی آن رشد مبارزات و جنبش‌های انقلابی خلق‌های عراق و سایر کشورهای منطقه است. از همین رو است که سازمان ما به‌ویژه در شرایطی که جسم‌انداز پایان جنگ وجود دارد، از همه نیروهای انقلابی عراق و از همه نیروها و دولت‌های مترقی و ضد امپریالیست منطقه اکیدا می‌خواهد که همه توان خود را در شناساندن ماهیت جنگ صدام علیه ایران و شکست مفتضحانه صدام به‌کار گیرند تا رژیم مرتجع عراق نتواند توده‌های عرب را بفریبد. ما از نیروهای ترقیخواه و صدام‌یرالیست مین و از دولت جمهوری اسلامی نیز می‌خواهیم که در این زمینه تبلیغات سیاسی وسیع و گسترده‌ای را سازمان دهند. چنین امری برای تحکیم انقلاب ایران نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

۸- ما هم در پیشبرد بیکار عادلانه خلق در جنبه‌های مقدم و هم در مذاکرات صلح و نیز در پشت جبهه، بر گسترش همکاری و همراهی تمامی نیروهای که خواهان ایرانی مستقل و آباد و دمکراتیک هستند، تاکید می‌ورزیم. تنها در صورتی که تمامی خلق متحد باشند، امپریالیسم و رژیم‌های مورد حمایت و دست‌نشانده آن هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

ترور ریگان بهانه‌ای برای احیای مک کارتیسم

اخبار مربوط به ترور رونالد ریگان رئیس جمهور منتخب انحصارات غارتگر آمریکائی، درجه‌بان بازناب‌های گوناگونی برجای گذاشت. خبرگزاری‌ها و شبکه‌های تبلیغاتی امپریالیسم بلافاصله تبلیغات گسترده‌ای را پیرامون آن آغاز کردند. ترجیح‌بند این تبلیغات را مسئله رشد "جنایت" در آمریکا و راه‌های مقابله با آن تشکیل می‌داد. اما واقعیت چیست؟ آیا امپریالیست‌ها و منابع خبری‌شان تازه چشم باز کرده‌اند و می‌خواهند با "جنایت در آمریکا" مبارزه کنند؟ یا داستان دیگری در پس پرده جریان دارد؟

مسئله مقابل‌و رویارویی شخصیت‌ها و گروه‌های حاکم در آمریکا و حتی ترور مخالفین، در جامعه آمریکا سابقه درازی دارد. جناح‌های رقیب در هیئت حاکمه آمریکا برای حفظ موقعیت خود و یا به‌دست آوردن موقعیت برتر بخصوص در شرایط بحران‌های حاد سیاسی و اجتماعی دست به همه‌گونه مقابله و درگیری می‌زنند. افتضاح واترگیت تنها یک نمونه است. مسئله ترور روسای جمهور نیز در آمریکا سابقه طولانی دارد. می‌توان موارد متعددی را در این زمینه مثال زد. این ترورها تا آنجا که سوابق نشان می‌دهد، گاهی به‌عنوان وسیله تصفیه و کنار زدن رقبای سیاسی بوده و یا برای جو سازی، که در این موارد ماهیت اصلی قضیه معمولا در پس پرده ضخیمی از ماجراهای سیاسی پوشانیده می‌شود.

اما ترور ریگان در اوضاع و احوال نسبتا متفاوتی با موارد قبلی صورت گرفت. در حال حاضر سومین بحران عمومی سرمایه‌داری، آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی را بیش از پیش در خود فرو می‌برد. امپریالیسم از هر سو وگرنه، پائین آمدن سطح زندگی کارگران و سایر زحمتکشان بطور دائم - التزایدی رو به گسترش است. سردمداران کاخ سفید بطور روزافزونی سیاست تشدید نظامی‌گرائی، دامن زدن به تشنجات منطقه‌ای و جهانی و بازگشت به دوران جنگ سرد

انقلابی و مخالف دولت اساس حرکت خود را استفاده از قوانین "خالص" جزائی قرار داده است و به‌جای استفاده از محاکم عالی برای سرکوب و به‌زدان کشیدن مخالفین از دادگاه‌های محلی که در آنها کمونیست‌ها و سایر انقلابیون را به بهانه نقض قوانین ایالتی و غیره به محاکمه می‌کشند استفاده می‌کند.

امپریالیسم آمریکا با استفاده از این شیوه سعی دارد اینطور وانمود کند که در آمریکا کسی به‌خاطر اعتقادات سیاسی محاکمه نمی‌شود و اگر فعالین سیاسی محاکمه و مجازات می‌شوند، به‌خاطر جرائم صرفا "جزائی" است. حامیان به‌اصطلاح "حقوق بشر" فعالیت جنبش ضد جنگ، جوانان، مبارزین سیاه‌پوست و سرخ‌پوست و... را بر این اساس قربانی می‌کنند. از جمله کمونیست معروف آمریکائی آنجلادیویس را می‌توان نام برد که با همین شیوه محاکمه و زندانی شده است.

همه اینها در شرایطی انجام می‌شود که دولت آمریکا رسماً گروه‌های نازی، نئونازی، کوکلس‌کلان و سایر گروه‌های فاشیستی و نژادپرست را تحت حمایت خود دارد. و از آنها به‌عنوان ابزار برای ترور و سرکوب مخالفین استفاده می‌کند.

ترور ریگان این نماینده انحصارات آمریکائی مستمسکی شده در دست امپریالیسم آمریکا تا با تشدید تبلیغات خود علیه "جنایت" زمینه را برای گسترش موج خفقان و سرکوب در داخل فراهم آورد. دولت آمریکا در شرایطی که مبارزات زحمتکشان در این کشور در حال گسترش است، به کوشش مذبحخانه‌ای دست می‌زند تا در زمینه سیاست داخلی نیز هر چه بیشتر دوران مک‌کارتیسم، تعقیب کمونیست‌ها و سرکوب مخالفین را زنده کند.

رسانه‌های امپریالیستی به‌منظور کسب "حیثیت" برای سیاست‌های میلیتاریستی و فاشیستی دولت ریگان برنامه‌ریزی‌های وسیعی کرده‌اند که یک نمونه آن را در جار و جنجال و نمایشان سیاسی گسترده پیرامون ترور ریگان شاهد بودیم.

با وعده ریگان برای تشکیل دولت «میان رو» اخلال مدیران لیبرال در کارخانجات تشدید شده است

فضای اختناق در کارخانه و فامیل بازی و تبعیض و قشری‌گری در امر استخدام، موجب نارضایتی کارگران و دل‌سردی آنان در امر افزایش تولید می‌گردند و با این‌گونه اعمال ناخواسته، مدیران لیبرال را در اجرای نقشه‌های شوم خویش که چیری جز به شکست کشاندن انقلاب نمی‌باشد، یاری می‌دهند. انجمن اسلامی اگر واقعاً خواهان تعقیق انقلاب است، ضرورتاً باید از اعمال تنگ‌نظرانه خویش دست بردارد و کارگران انقلابی را به سر کار بازگرداند و در تامین حقوق حقه کارگران اصرار و پافشاری کند و زمینه‌ساز نارضایتی نباشد تا کارگران در محیطی سالم و فضائی دور از تبعیض قادر باشند برای حفظ و تدوام انقلاب برای آینده‌ای بهتر تولید را افزایش دهند. تنها با پاسخ منطقی دادن به خواسته‌های عادلانه کارگران است که می‌توان توطئه مدیران لیبرال را خنثی کرد و سنگر کارخانه را هرچه مستحکم‌تر علیه امپریالیسم و دوستان و جاسوسانش برپا نگهداشت.

سال ۵۷، ۱۵ درصد و نسبت به سال ۵۸، ۱۳ درصد تا امروز کاهش یافته است. مدیران لیبرال کارخانه چیت سازی به‌شهر به پیروی از خط سازش بازرگان و شرکاء در این شرایط حساس به طرق گوناگون در تولید اخلال می‌کنند. یک روز با خارج کردن نخ و پنبه، که شدیداً مورد نیاز کارخانه است و روز دیگر با خواباندن ۵۰ ماشین در قسمت تمام‌تاب و ۹۰۰ ماشین در قسمت بافندگی در دو نقطه حساس کارخانه، تولید را به حداقل می‌رسانند از طرفی پاسخ ندادن دولت به حقوق حقه کارگران از قبیل سالی ۱۵ روز عیدی کامل و... و عملکردهای نادرست انجمن اسلامی و گروه تحقیق چون اخراج کارگران انقلابی و ایجاد

می‌بینیم که لیبرال‌ها با برگزاری میتینگ درامدیه و شرکت در مراسم بزرگداشت دکتر مصدق که توسط آقای رئیس جمهور در دانشگاه برگزار شد، به تصور خود می‌خواهند با پزوه‌های آزادیخواهی بر خیانت‌های دولت موقت سرپوش گذارند و اذهان مردم را از مبارزه ضد امپریالیستی و همچنین از سرنوشت جنگ تحمیلی منحرف گردانند. بی‌سبب نیست که مدیران کارخانجات کارشکنی و اخلال در تولید را شدت داده‌اند تا کارخانه این سنگر همیشه استوار انقلاب را تضعیف کنند و دامنه نارضایتی‌ها را بازهم بیشتر گسترش دهند. سپس کارخانه چیت را مثال زده و اضافه می‌کنند: "تولید کارخانه نسبت به

بی‌اثر خواهند نمود. آنچه که در زیر می‌آید، نمونه بارزی از درک‌هشیارانه کارگران انقلابی میهنان از وضعیت کنونی انقلاب و ضد انقلاب بوده و بیانگر درک روشن کارگران پیش‌رو و انقلابی از اهمیت و ضرورت مبارزه آگاه‌گرانه و افشاگرانه شکل‌های کارگری است. کارگران مبارز و پیش‌رو چیت‌سازی به‌شهر در افشای توطئه‌های جدید لیبرال‌ها در رابطه با تولید و در انتقاد از تنگ‌نظری‌های انجمن اسلامی چیت طی اعلامیه‌ای تحت عنوان "با افزایش تولید، توطئه مدیران لیبرال را خنثی کنیم" چینی-ن نوشته‌اند: "درست در چنین شرایطی (یعنی بعد از طرح شعار دولت میان‌رو توسط ریگان)

سرمایه‌دازان و مدیران لیبرال به اعتبار اختیارات و نفوذشان در بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی کشور، پابپای تشدید تحریکات و توطئه‌های دوستان امپریالیست‌شان علیه انقلاب ایران، تاکنون یک لحظه از اعمال دسیسه و اخلال غافل نبوده‌اند. اکنون که "نوید" محتضراته ریگان را دایر بر تشکیل یک دولت "میان‌رو" (لیبرال) در ایران شنیده‌اند، بار دیگر امید موهوم‌شان را جلاداده و مذبحخانه در صدد بازگرداندن وضع منجط و ورشکسته پیشین برآمده‌اند. این امید کاذب، آنان را بیش از پیش در عرصه توطئه‌گری و اخلال فعال نموده است چنانکه بیش از پیش واحدهای تولیدی و خدماتی را عرصه تحریکات ضد انقلابی‌شان قرار داده‌اند. غافل از آنکه کارگران انقلابی و مبارز به اعتبار رهنمودهای آگاه‌گرانه پیش‌روان خود و به اتکای شکل‌های مبارزاتی‌شان (شوراها و سندیکاها) این تحریکات و دسائس را علیرغم همه اشکال متنوع و جدیدش با هشیاری و قاطعیت انقلابی افشاء و

کارگران سیمان: برای راه اندازی کارخانه باید از امکانات کشورهای دوست استفاده کنیم

★ تا کی باید دور خودمان دیوار بکشیم و دوست و دشمن را به یک چوب برانیم. ما تاکنون ضربات زیادی از این سیاست خورده‌ایم.

است برساند، راهی که با تدوام تولید آن، پشتوانه محکمی برای انقلاب و مبارزه علیه امپریالیسم باشد. آیا این راه می‌تواند همان راه پیشنهادی لیبرال‌ها باشد که منتظر کمک دشمن غدارمان امپریالیسم آلمان است؟ همه می‌دانیم که این راهی نیست که ما برایش هزاران شهید و صدها هزار مجروح داده‌ایم. امپریالیست‌ها در صورتی به ما "کمک" خواهند کرد که دولتی موافق آنها یعنی دولت لیبرال‌ها بر سر کار آید و یا امید داشته باشند که با از سر گرفتن رابطه اقتصادی دوباره ما را به دامان خود بکشانند. در صورتی که ما تصمیم گرفته‌ایم برخلاف آرزوی امپریالیست‌ها و دوستان لیبرال داخلی‌شان که می‌گویند: ما وابسته بوده‌ایم و باید وابسته باشیم می‌خواهیم از وابستگی به‌در آئیم. آیا ما

کرده‌ایم اما. آیا مشکل کارخانه‌مان تمام شده است؟ ما تازه قدم اول را برداشته‌ایم. ما دشمن را شناخته‌ایم اما دوستان ما چه کسانی هستند؟ راه درست کدام است؟ راه درستی که بتواند کارخانه را به تولید برساند، راهی که زحمتکشان منطقه را از خریدن سیمان پاکتی ۹۰ الی ۱۲۰ تومان نجات دهد. راهی که ما را به خواسته‌های صنفی برحق‌مان که به خاطر به کار نیفتادن کارخانه مدت‌هاست به عقب افتاده

زحمتکشان ما به پیش می‌رود، تیر زهرآگین سرمایه‌داران لیبرال نیر به سنگ می‌خورد و سیاست‌های ضدانقلابی‌شان بیش از پیش برای مردم افشاء می‌شود. کارخانه ما که جزئی از این میدان مبارزه با این سیاست‌بازان کهنه‌کار است، تاکنون از این میدان سربلند بیرون آمده و هر روز توطئه‌های رنگارنگشان را شناخته و طرد می‌کند. مدت طولانی‌ای نیست که ما کارگران به کمک نهادهای انقلابی، مدیران لیبرالی چون عزیزیان‌ها را اخراج

می‌آید، نمونه دیگری از دهها نمونه تلاش روزمره کارگران مبارز و پیش‌رو است که برای پیشبرد این مبارزه انقلابی و اصل جریان دارد: کارگران پیش‌رو سیمان در پاسخ به این مشکل اساسی کارکنان یعنی چگونگی راه - اندازی و تدوام تولید کارخانه، این‌چنین بر ضرورت پیشبرد این مبارزه به عنوان راه حل اصلی مشکل فوق تاکید کرده‌اند: "همچنانکه مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و

کارگران مبارز و انقلابی میهن در مبارزات خستگی - ناپذیرشان برای افشاء و طرد ضدانقلابیون و سرمایه‌داران لیبرال از صفوف شوراها و همچنین کوتاه کردن دست آنها از عرصه تولید، همواره پیگیر و پیشقدم بوده‌اند. آنچنانکه باید این مبارزه انقلابی را محرکه اولیه و اساسی در پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی زحمتکشان علیه وابستگی اقتصادی ایران و گام نهادن در راه پی‌ریزی و تامین استقلال اقتصادی دانست. مبارزه افشاگرانه علیه دشمنان انقلاب و تلاش پیگیرانه برای شناختن دوستان و متحدان آن به منظور تحکیم دستاوردهای انقلابی و تقویت امکانات انقلاب، دو وجه از مبارزه ضد امپریالیستی واحدی است که طبقه کارگر قهرمان ایران بیش از هر نیروی انقلابی دیگری مصمم به پیشبرد آن بوده و هست. آنچه که ذیلاً

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

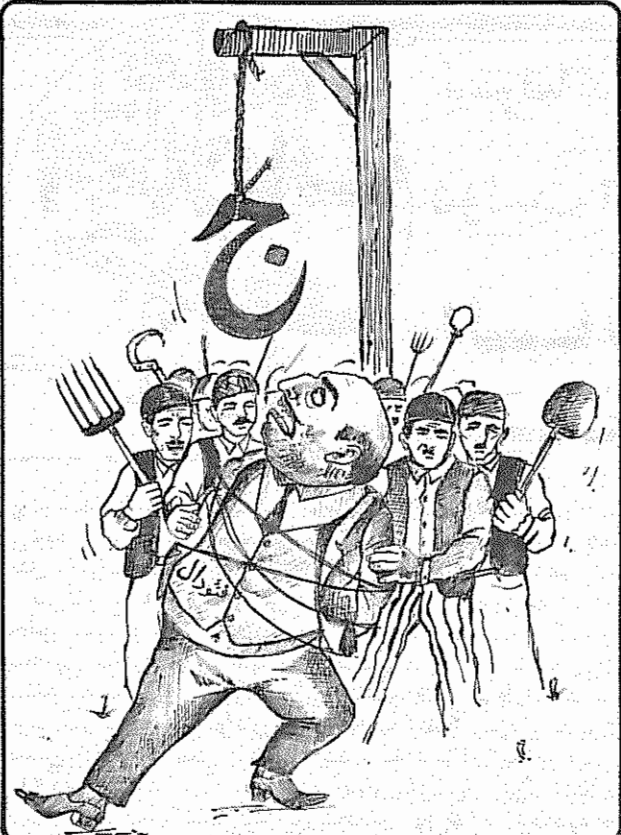
اصلاحات ارضی و بند (ج) و (د) هرچه سریع تر باید اجراء گردد

در سومین سالگرد استقرار جمهوری اسلامی ایران هنوز مسئله کشاورزی و دهقانی ایران علیرغم اعتراضات و حرکات گسترده زحمتکشان کم زمین و بی زمین روستا، لاینحل باقی مانده است. بلا تکلیفی روستائیان و مشخص نشدن و قطعیت پیدا نکردن مالکیت آنها بر زمین و عدم پیشبرد سریع و همه جانبه اصلاحات ارضی در دو سال گذشته عامل اساسی نقصانها و کمبودها در امر تولید در این بخش بوده و استقلال اقتصادی کشور را بنویسه خود به مخاطره افکنده است.

کوشش پیگیر و خستگی ناپذیر کشاورزان برای افزایش تولید و برداشتن گامهایی در جهت خودکفائی کشاورزی چیزی نیست که بسدود مسأعدت همه جانبه مسئولین امور، طرحها و برنامههای اصولی و همه جانبه و در واقع پیشبرد قاطع اصلاحات ارضی، کوتاه کردن دست زمینداران بزرگ و فئودالها از حیات اقتصادی و سیاسی روستاها و جایگزین کردن سازمان تولید مناسب عملی گردد ولی متأسفانه با اینکه ضرورت افزایش تولیدات کشاورزی به عنوان یکی از

بخشهای مهم اقتصاد کشور همچنین رسیدگی و پاسخ گوئی به وضع کشاورزان زحمتکش و اعتراضات بحق و انقلابی آنها در شرایطی که میهن ما در نبرد روبرویی با امپریالیسم و ایادی داخلی و خارجی آن است، و توسط مسئولین جمهوری اسلامی تاکید شده ولی دولت هنوز در جهت تحقق این امر مهم در اول راه است و مماشات و تزلزلهای حکومت به گواهی همه اعضای هیئت های هفت نفره و روستائیان زحمتکش مجدداً می رود تا زمینداران بزرگ را بروستاها برگرداند و هم اکنون مزاحمتها و توطئه آفرینیهای آنهاست که امر کشت و کار را مختل ساخته است.

نباید چنین تصور شود که افزایش تولید بدون حل مسئله زمین و پیشبرد سریع اصلاحات ارضی و بند "ج" و "د" آن و پاسخگوئی به نیازها و خواستهای روستائیان از قبیل کود، بذر، وام، سوخت، تعیین قیمت محصولات کشاورزی و غیره امکان تحقق خواهد یافت. اعتراضات گسترده و متشکل روستائیان و سمنارهای هیئت های هفت نفره و شوراهای روستائی که همگی بر



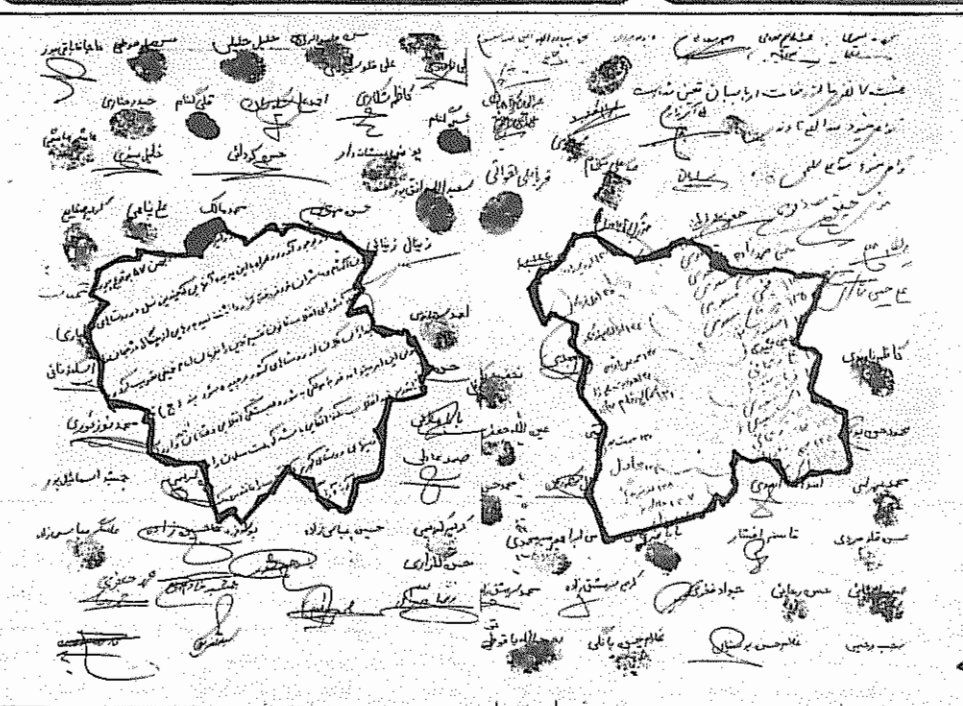
● از آنجا که حداکثر میزان استفاده از سم در کشاورزی در سه ماهه ای تابستان بخصوص در خرداد ماه است. لذا دولت باید با برنامه ریزی به موقع و حساب شده، سموم مورد نیاز بخش کشاورزی جهت استفاده در مزارع برنج، چندرقد، پنبه و همچنین برای ضد عفونی کردن بذرهای اصلاح شده گندم را در فرصت باقی مانده، تدارک ببیند و ضایعات ناشی از جنگ تحمیلی آمریکا - صدام بر کشاورزی کشور را به حداقل کاهش دهد.

اجرای بند (ج) قانون اصلاحات ارضی

خواست زحمتکشان سراسر ایران

سیل نامهها و طومارهای زحمتکشان روستاهای کشور برای مقامات جمهوری اسلامی در اعتراض به توقف بند "ج" قانون اصلاحات ارضی همچنان ادامه دارد. اهالی شهرستان عجبشیر آذربایجان طی طوماری که به حضور امام خمینی ارسال داشتند، ضمن اعلام حمایت خویش از ارگانهای انقلابی، خواستار به اجرا درآوردن هرچه سریع تر بند "ج" قانون اصلاحات ارضی گردیدند. همچنین زحمتکشان روستای

کهریز واقع در ۴۵ کیلومتری ارومیه طی نامه ای برای مقامات جمهوری اسلامی که به امضاء ۱۴۶ نفر رسیده است، خواهان آن شدند که با اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی، اعمال ظلم و ستم فئودالها بر آنان خاتمه یافته و جلوی توطئه های شوم ضد انقلاب منطقه که با تکیه بر ایمن نارسائیها به پیشبرد اهداف ضد انقلابی خود امیدوار گشته است، گرفته شود.



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



برنامه دولت انقلابی دمکراتیک السالوادور

ریشه بیابند. اینک جنبش انقلابی به خاطر پایگاه نیرومند مردمی به عنوان قدرتی شکست ناپذیر و تنها آلترناتیو برای مردم السالوادور مطرح می‌باشد مردمی که در مبارزه برای آزادی سرزمین خود و بدین‌وسیله تحقق عالی‌ترین آرزوهای قلبی خود بی‌وقفه و تزلزل‌ناپذیر پیش می‌روند.

بحران اقتصادی و سیاسی طبقات حاکمه از یک طرف و نیرومندی جنبش توده‌ای (که قدرت سیاسی تعیین‌کننده‌ای را در میهن ما تشکیل می‌دهد) از طرف دیگر، روندی انقلابی و شرایطی را ایجاد کرده است که تحت آن خلق می‌تواند قدرت را در دست بگیرد.

تحول انقلابی جامعه ما که تاکنون تحت سیطره بی‌عدالتی، تسلیم و غارت قرار داشته اینک به یک واقعیت نزدیک و ممکن بدل شده است. مردم ما تنها از طریق چنین تحوولی است که قادر به کسب پیروزی و تضمین حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سلب‌شده‌شان می‌شوند. تنها انقلاب مسئله ارضی را حل خواهد کرد و شرایط مادی و معنوی مناسبی را برای روستائیان و کارگران کشاورزی و در نتیجه برای اکثریت مردم السالوادور که امروزه در فقر، عقب‌ماندگی فرهنگی و به صورت حاشیه‌ای نگهداشته شده‌اند، ایجاد می‌کند. انقلاب، استقلال سیاسی واقعی کشور ما را تأمین کرده و به مردم السالوادور حق آزادانه تعیین آینده خود و حق به دست آوردن استقلال اقتصادی واقعی را اعطاء می‌کند.

این انقلاب به همین دلیل خلقی، دمکراتیک و ضدالیگارش است و برای کسب استقلال ملی موثر و واقعی می‌کوشد. تنها پیروزی انقلابی، سرکوب جنایتکارانه را متوقف می‌کند و مردم ما را قادر می‌سازد که صلحی را که اکنون از آن برخوردار نیستند، به دست آورند. صلحی واقعی که برپایه آزادی، عدالت اجتماعی و استقلال ملی بنا شده است.

انقلابی که هم‌اینک جریان دارد کار یک گروه توطئه‌گر نبوده و هرگز نخواهد بود - برعکس این انقلاب نتیجه مبارزه تمامی خلق یعنی کارگران، دهقانان، طبقه متوسط بطور عموم و تمامی اقشار و افراد واقعا دمکراتیک و میهن - پرست می‌باشد.

آگاه‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین صفوف مردم السالوادور که امروزه بسیاریند، اکنون در اشکال هرچه وسیع‌تر و متحدتری مبارزه می‌کنند. اتحاد کارگران و دهقانان بخاطر قابلیت‌های رزمی، آگاهی عمیق، سازمان‌یافتگی و هماهنگی و روحیه فداکاری برای پیروزی خلق ثابت کرده است که رهبری پر قدرتی برای تضمین پیروزی جنبش آزادیبخش می‌باشد. جنبش مغرور و بی‌تزلزلی که در آن - به عنوان تجلی اتحاد خلق - نیروهای انقلابی و دمکراتیک بمانند دو رود خروشان برخاسته از مبارزه طولانی مردم ما با یکدیگر متحد شده‌اند.

وظیفه اصلی انقلاب که به پایان رسانیدن اهداف و مقاصد انقلاب به آن وابسته است، عبارتست از: کسب قدرت و برقراری یک دولت

انقلابی دمکراتیک که در پیشاپیش توده‌ها وظیفه

ساختن جامعه‌ای نوین را به انجام می‌رساند.

اهداف و مقاصد انقلاب

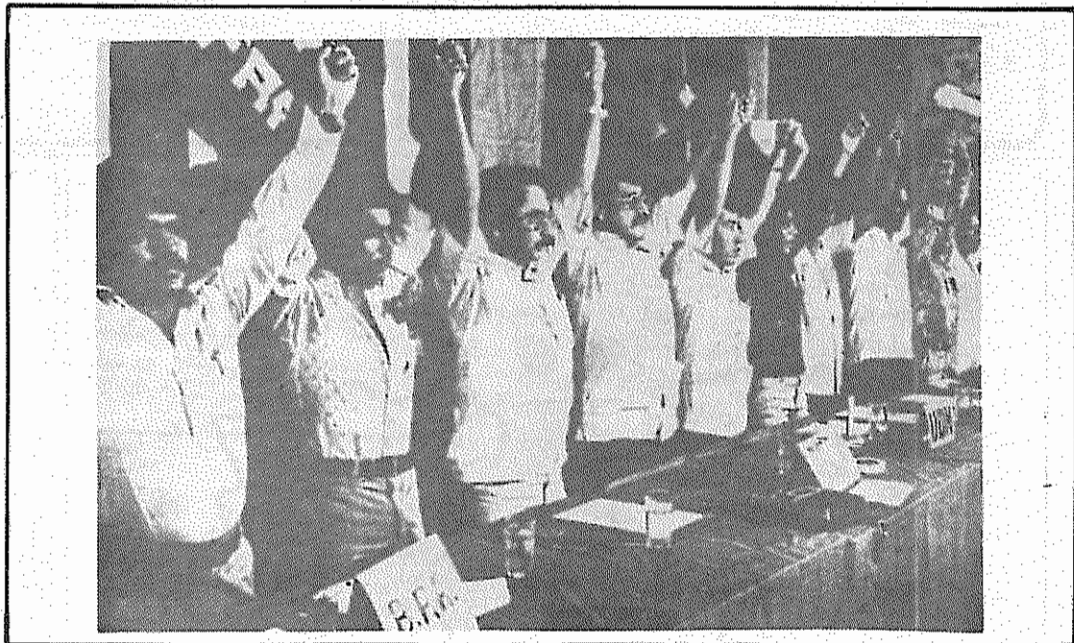
● اهداف و مقاصد انقلاب در السالوادور عبارتند از:

۱- سرنگونی دیکتاتوری نظامی ارتجاعی که به وسیله الیگارشی و امپریالیسم ایالات متحده به

بقیه در صفحه ۱۸

● برنامه (پلاتفرم) دولت انقلابی دمکراتیک السالوادور که بخش‌هایی از آن تقدیم خوانندگان کار می‌شود، سند بسیار مهمی است که عزم راسخ، اتحاد، همبستگی و برنامه انقلابی نیروهای متحد خلق السالوادور را که برای تحقق آرزوهای دیرینه خود می‌رزمند، متبلور می‌سازد.

در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۸۰ (۲۰ دی ۱۳۵۸) به دنبال گوشه‌های پیگیر نیروهای انقلابی در تحقق ضرورت مبرم انقلاب یعنی وحدت و به دنبال یک دوره مبارزه خونین با رژیم نظامی حاکم و همچنین مبارزه برای غلبه بر خطاها، ضعف‌ها و نارسائی‌های نیروهای سیاسی، بیانیه وحدتی به وسیله سه سازمان: نیروهای آزادیبخش خلق - فارابوندومارتی (FPL)، مقاومت ملی (RN) و حزب کمونیست السالوادور (PCS) به امضاء رسید و بدین ترتیب گام عظیمی در جهت ارتقاء کیفی جنبش خلق به پیش برداشته شد. به دنبال امضای این سند، سند حاضر در تاریخ ۲۳ فوریه ۱۹۸۰ (۴ اسفند ۵۸) به وسیله چهار سازمان: بلوک انقلابی خلق (سازمان توده‌ای FPL)، جبهه متحد عمل خلقی (سازمان توده‌ای RN)، اتحادیه خلقی ۲۸ فوریه (سازمان توده‌ای حزب انقلابی السالوادور P-R-S) و اتحادیه دمکراتیک ملی (سازمان توده‌ای حزب کمونیست) به امضاء رسید و "شورای هماهنگی انقلابی" (CRM) به وسیله این چهار سازمان پا به عرصه وجود گذاشت و سپس از درون این اتحاد "جبهه آزادیبخش ملی - فارابوندومارتی" متولد گردید. در ادامه این روند در حالیکه جبهه آزادیبخش هدایت انقلابی را در دست گرفته و به ارگان شکل و وحدت نیروهای معتقد به مارکسیسم - لنینیسم تبدیل شده بود، از اتحاد این جبهه با جبهه دمکراتیک (دربرگیرنده اقشار متوسط) خلق السالوادور در یک جبهه وسیع تر بنام "جبهه انقلابی دمکراتیک" (FDR) متحد گردیده و ضربات هرچه قاطع‌تری بر پیگر رژیم نظامی و امپریالیست‌های حامی آن وارد می‌سازد. باشد تا درج این نوشته گام دیگری باشد در جهت معرفی هرچه بیشتر انقلاب السالوادور شناخت اهداف این انقلاب و تحکیم اتحاد خلق‌های دو کشورمان و دو انقلاب.



شده و به وسیله عملیات قهرمانانه و قاطعانه جنبش توده‌ای درهم کوبیده می‌شود، فروریخته و گوشه‌های فاشیستی و فرمیسیتی برای غلبه بر بحران با شکست مواجه شده‌اند. شکست طبقات حاکمه حتی با وجود بی‌شرمانه‌ترین مداخله امریکای شمالی در حمایت از این برنامه‌های ضد توده‌ای حتمی است.

وفاداری سازمان‌های انقلابی به منافع و آمال خلق السالوادور آنها را قادر ساخته که در میان اکثریت عظیم کارگران و طبقات متوسط عمیقاً

● ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور ما که استثمار خلق ما به وسیله امپریالیسم امریکا و ثروتمندی بی‌حد و مرز اقلیت الیگارشی را تضمین کرده است، امروزه در بحران عمیق و لاینحلی قرار گرفته است. دیکتاتوری نظامی، تمامی سیستم قضائی و جهان‌بینی مدافع منافع الیگارشی و امپریالیست‌های امریکای شمالی که مردم السالوادور را تحت ستم و بردگی قرار داده‌اند، نیز دچار بحران است. صفوف طبقات حاکمه که قربانی تضادهای درونی خود

چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟ (قسمت هشتم)

سیاست قطع وابستگی صنعت اتومبیل

۳ - همانطور که نشان دادیم سیاست قطع وابستگی در صنعت اتومبیل باید با تغییر ترکیب این صنعت با تاکید بر تولید وسایل حمل و نقل عمومی، در جهت تسریع رشد بخشهای دیگر اقتصادی و رشد هماهنگ و موزون صنایع جنبی اتومبیل سازی همراه باشد. اما اینها همه درگروی قطع پیوندهای وابستگی صنعت اتومبیل سازی است. در بحثهای گذشته دیدیم که پیوند صنعت وابسته اتومبیل سازی با انحصارات امپریالیستی، از یکسوی امکان انتقال بخش عظیمی از ارزش ایجاد شده در این صنعت را به انحصارات "چندملیتی" فراهم می آورد، و از سوی دیگر امکان هرگونه رشد مستقل این صنعت را از آن سلب می کند و بدین ترتیب با تشدید وابستگی این صنعت همچون دیگر صنایع وابسته در پروسه رشد وابسته آن وابستگی اقتصادی تشدید شده و امکان غارتگری بیشتر برای امپریالیسم فراهم می آید. این، بی تردید پروسه ای است که انحصارات امپریالیستی برای گسترده کردن شبکه جهانی خود و کسب سود هرچه بیشتر دنبال می کنند.

نکته بسیار حساس و مهم در سیاست قطع وابستگی صنعت اتومبیل سازی، و نیز دیگر صنایع وابسته، قطع پیوندهای میان آن و انحصارات امپریالیستی است. ممکن است گفته شود که صنعت اتومبیل سازی هم اکنون ملی شده از سرمایه داران خلع ید شده و در اختیار دولت قرار گرفته است. این درست است، اما این به خودی خود به معنای قطع پیوندهای وابستگی این صنعت به انحصارات امپریالیستی نیست. در شماره های پیشین نشان دادیم که انحصارات امپریالیستی نه تنها از طریق سهامی که در برخی شرکت های وابسته در اختیار دارند، بلکه از طریق پیوندهای گسترده و عمیقی که با صنعت وابسته دارند، آن را تحت تابعیت خود نگه می دارند. اگر این پیوندها قطع نشود، خواه مالکیت این صنایع از آن دولت باشد، خواه نباشد، صنعت وابسته همچنان وابسته خواهد ماند. قراردادهای کرایه تکنولوژی، اجازه ساخت (لیسانس)، خرید قطعات منفصل، خرید ماشین آلات و لوازم یدکی همه این امکان را در اختیار شرکت انحصاری امپریالیستی قرار می دهد تا بر چگونگی تولید محصول، ترکیب صنعت و رشد آن اعمال نظارت و کنترل کند. قرار گرفتن دولتی ملی به جای سرمایه داران وابسته در این صنایع، در حالی که پیوندهای وابستگی برجای مانده است، می تواند، حداکثر، تغییراتی اندک در نرخ و میزان بهره کشی

تعطیل گردند، نباید تکنولوژی پیشرفته تولید که دستاورد قرن ها تلاش انسان ها است نادیده گرفته شود، نباید کارگران بیکار شوند و نباید اقتصاد میهن را که به این صنایع اتکا دارد به حالت فلج درآورد. در واقع به تعطیل کشاندن یا ایجاد اختلال در صنایع وابسته، تاکتیکی است که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، با همدستی سرمایه داران وابسته، از آغاز اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم میهن ما و سقوط رژیم وابسته شاه در پیش گرفته است.

از آنجا که "بند ناف" این صنایع به انحصارات امپریالیستی متصل است، امپریالیسم جهانی برای دامن زدن به بحران اقتصادی میهن ما، برای افزودن به بیکاری، گرانی، کمیابی کالاها، با تحریم اقتصادی با خرابکاری و اختلال سرمایه داران وابسته، کوشیده است این صنایع را متوقف سازد. این کوشش امپریالیسم با این هدف دنبال می شود که این طور وانمود کند که تنها با تجدید و تحکیم روابط سلطه آمیز امپریالیستی است که می توان صنایع را بکار انداخت، اقتصاد را از بحران به درآورد، با گرانی مقابله کرد و... امپریالیسم جهانی، سرمایه داران وابسته و نمایندگان و مبلغان آنها می کوشند این طور قلمداد کنند که مبارزه با امپریالیسم یعنی گرانی یعنی بیکاری، یعنی کمبود کالاها، یعنی وقفه در تولید صنایع.

از این روایت که ما می گوئیم قطع پیوندهای اقتصادی با امپریالیسم، قطع پیوندهای صنایع وابسته با انحصارات امپریالیستی نه تنها برای ایجاد اقتصاد و صنعتی مستقل امری ضروری است، بلکه در موقعیت کنونی امری حیاتی برای مقابله با بحران اقتصادی و برای پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم میهن است. قطع وابستگی اقتصادی مستلزم خارج شدن از تقسیم کار جهانی امپریالیستی است. قطع وابستگی اقتصادی مستلزم نفی تابعیت از انحصارات امپریالیستی است. وابستگی، نمی تواند با وجود پیوندهای وابستگی به امپریالیسم و تابعیت از انحصارات امپریالیستی تحقق پذیرد.

اما چگونه می توان بدون به تعطیل کشاندن صنایع وابسته، بدون بیکار کردن کارگرانی که در این صنایع زحمت کشیده و جان کنده اند و به وسیله انحصارات امپریالیستی استثمار شده اند، بدون فلج کردن اقتصاد میهن، این صنایع را متحول ساخت و در جهت قطع پیوندهای امپریالیستی و برپایی صنعتی مستقل به پیش رفت؟ چگونه می توان علیرغم فشارهای همه جانبه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و اخلاگری ها و خرابکاری های سرمایه داران وابسته برای مقابله با بحران اقتصادی کنونی، بیکاری، گرانی و کمبود کالا اقدام کرد؟

این امری بدیهی است که قطع وابستگی به امپریالیسم، قطع پیوندهای وابستگی به انحصارات امپریالیستی به معنای قطع همه گونه رابطه با اقتصاد جهانی نیست، هرچند برخی می کوشند مساله را چنین قلمداد کنند. مردم میهن ما در دو سال اخیر به وضوح دریافته اند که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و تمامی دولت های مرتجع وابسته به امپریالیسم

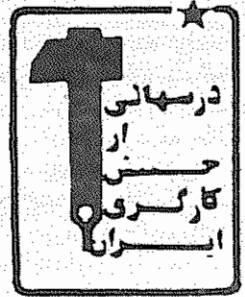
انحصارات امپریالیستی از صنایع وابسته ببار آورد، اما رابطه اساسا همان است که بوده: رابطه تابعیت صنعت وابسته از انحصار امپریالیستی و ارائه مشارکت در تقسیم کار جهانی امپریالیستی. همان طور که در زیر نشان خواهیم داد نفی تابعیت از انحصارات امپریالیستی و احتراز از مشارکت در تقسیم کار جهانی امپریالیستی نمی تواند بدون قطع این پیوندها باشد.

علاوه بر این در مورد صنعت اتومبیل سازی ایران و همچنین در مورد بسیاری از صنایع وابسته ایران، هنوز تکلیف سهام سهامداران خارجی این شرکت ها (یعنی سهام انحصارات امپریالیستی) معلوم نشده است. هنوز، برای مثال معلوم نیست آیا دولت از انحصار فرانسوی رژی ناسیونال - رنو در شرکت ایران سایبا (سازنده اتومبیل های رنو) سلب مالکیت کرده است یا خیر. و این پس از گذشت متجاوز از دو سال از قیام بهمن ۵۷ جای سؤال جدی باقی می گذارد.

اما، همانطور که گفتیم، حتی در مواردی که سهام خارجی در صنعت وابسته وجود نداشته باشد (مانند مورد شرکت ایران ناسیونال)، یا پس از سلب مالکیت از سهامداران خارجی، مساله اساسی قطع پیوندهای صنعت وابسته با انحصار امپریالیستی است. برای مثال، هم اکنون تولید اتومبیل های سواری و وانت و پیکان در کارخانه ملی شده ایران ناسیونال صورت می گیرد که تمامی سهام آن در اختیار دولت است اما هنوز قراردادهای خرید قطعات "نیمه منفصل" و "کاملا منفصل" با شبکه انحصاری هیلمن - کرایسلر انگلستان برجای خود باقی است. تکنولوژی تولید نیز در اختیار همین انحصار امپریالیستی است. همانطور که در مثال ساده، اما بارز و برجسته چراغ های پیکان ۵۹ نشان دادیم، هنوز هم انحصار هیلمن - کرایسلر است که بر چگونگی تولید محصول کارخانه ایران ناسیونال نظارت می کند. و هنوز هم همین انحصار است که از فروش قطعات منفصل به ایران ناسیونال سود سرشار می برد. و باز هم، هنوز، هیچ طرحی در جهت قطع این قراردادها به اجرا در نیامده است.

در اینجا این سؤال پیش می آید که چه باید کرد آیا باید صنعت اتومبیل سازی راکه وابسته است تعطیل کرد؟ آیا باید تکنولوژی پیشرفته تولید را که اکنون به علت سال ها وابستگی اقتصادی سیاسی، علمی و فرهنگی در میهن ما مهیا نیست کنار گذاشت؟ آیا باید چند صد هزار کارگری را که در این صنعت و در دیگر صنایع وابسته به کار مشغولند از کار بیکار کرد؟ و آیا باید اقتصاد میهن را که به گونه های مختلف به این صنعت و دیگر صنایع وابسته اتکا دارند فلج کرد؟ بدیهی است پاسخ ما به همه این سئوال ها این است که مسلما خیر. نباید این صنایع

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی،
و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا



شورا، سندیکا و اتحادیه های کارگری

(قسمت آخر)

خدماتی (مبارزه شورائی)

۱- با گذشت دو سال از پیروزی انقلاب بهمین که سرشار از نبردهای حاد طبقاتی بوده است، بخش مهمی از طبقه کارگر ایران به آن اندازه از غنای تجارب مبارزاتی دست یافته است که به تدریج دریابد که چه برای دستیابی به مطالبات صنفی - سیاسی عاجل خود و چه برای ایفای نقش شایسته اش در تثبیت دستاوردهای انقلاب و تعمیق روند آن باید در شکل های طبقاتی، توده ای و دمکراتیک خود متشکل شود. بدون آنکه هنوز تمایل و مجال آشتی با شعار "سندیکا" را یافته باشد. مضمون مبارزه صنفی - طبقاتی کارگران روز به روز غنی تر می شود و مختصات مبارزه سندیکائی صراحت و وضوح بیشتری می یابد بدون آنکه قالب و ظرف مناسب خود را که سندیکائی انقلابی است پیدا کند. آنچه که قابل توجه و تاکید است، تمایل عینی وحدت و سازمان یابی صنفی - طبقاتی در کارگران ایران است. تمایل عینی نیرومندی که نه تنها اساسی ترین پایگاه برای تحقق شعار سندیکا و اتحادیه های کارگری است، نه تنها پایه ضروری تقویت شوراهای ضدامپریالیستی است بلکه مهم ترین زمینه عینی و پایگاه مادی تشکیل حزب طرازنویین طبقه کارگر ایران نیز می باشد. واقعیت این است که اتحاد و تشکل کارگران در سازمان های صنفی - طبقاتی شان بیش از پیش ضرورت و اهمیت می یابد و اصولیت شعار سندیکاهای انقلابی نیز حاکی از آن است که:

اولا تشکیلات صنفی - طبقاتی موثرترین حربه در مبارزه به خاطر بهبود شرایط کار و زندگی و تحقق مطالبات صنفی - رفاهی است. کارگران میهن ما بدون تجهیز به این تشکل آنچنانکه باید قادر به ارتقاء سطح زندگی و احقاق حقوق صنفی - سیاسی خود نیستند.

ثانیا تشکیلات صنفی - طبقاتی سلاح ضرور در مبارزه به خاطر حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تامین آزادی های دمکراتیک و ضامن تعمیق و گسترش این دستاوردهاست. کارگران ما بدون اتکاء به این تشکیلات قادر به حفظ و تثبیت آزادی های دمکراتیک نخواهند بود.

ثالثا تشکیلات صنفی - طبقاتی وثیقه مطمئن برخوردار کردن انقلاب از نیروی حمایت متشکل طبقه کارگر بوده و عاملی ضرور در تحکیم دستاوردهای ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب و نیل به پیروزی های قطعی انقلاب است. نفاق، پراکندگی و اغتشاش سازمانی در صفوف طبقه کارگر نه تنها از نیروی مبارزه کارگران به خاطر منافع خاص شان می کاهد بلکه وحدت همه نیروهای خلق را نیز با خطر مواجه ساخته و راه را بر توطئه های امپریالیسم و ارتجاع داخلی برای بازپس گرفتن مواضعشان می گشاید. طبقه کارگر عمده ترین نیروی محرکه انقلاب است و صفوف متحد و متشکل آن در تشکل های طبقاتی اش (سندیکا و حزب) هسته مرکزی جبهه واحد نیروهای ضدامپریالیستی است. میزان آگاهی کارگران ایران اکنون به اتکای تجارب دو ساله و آموزه های سازمانگرانه پیشروانشان نسبت به ضرورت تشکل صنفی

طبقاتی خود در هر سه زمینه ای که برشمردیم، بیش از پیش افزایش یافته است هم روند با تعمیق انقلاب و به موازات بسط و تکامل مبارزه طبقاتی، کارگران بطور عینی در می یابند که برای تحقق خواسته های صنفی - رفاهی روزمره خود برای برخورداری از آزادی های سیاسی و دمکراتیک و گسترش دستاوردهای انقلابی دیگر باید به سازمان های صنفی - طبقاتی شان مجهز شوند. ما هم اکنون شاهدیم که در رشته ها و شاخه های مختلف صنعتی نیز زمینه های وحدت و سازمان یابی توده ای کارگران در حال تکوین است همچنین علاوه بر تکوین تدریجی کانون های رشته ای، شاهد تحکیم پایه های کانون های منطقه ای از قبیل کانون شوراهای اسلامی (پلی تکنیک تهران، قزوین، شیراز و...) هستیم. این کانون ها بنوبه خود می توانند روند تحکیم پایه های تشکل در واحدهای مختلف را تسهیل و تسریع کنند.

آشکارتر شدن صف بندی های طبقات که خود نتیجه تداوم مبارزه طبقاتی و تعمیق انقلاب است بطور عینی تمایز میان صفوف پرولتاریا و اقشار و طبقات غیرپرولتری را مشخص تر کرده و بیش از پیش موجبات عینی غلبه بریراکندگی و اغتشاش سازمانی پرولتاریا را هموار می نماید. در نتیجه این وضع، نطفه های اتحاد و تشکل سندیکائی در داخل شوراها نضج یافته و می روند تا به سندیکاهای انقلابی تحول یابند. این نطفه های سندیکائی می توانند "کمیته های صنفی" کنونی و یا کمیته های فابریک باشند. تحول و ارتقاء وظایف صنفی - طبقاتی کارگران در شوراهای موجود و تشکیل سندیکاهای انقلابی، امری اجتناب ناپذیر است زیرا به دنبال مطالبات صنفی - طبقاتی فزاینده، وظایف صنفی - طبقاتی و به تبع آن هسته ها، کمیته ها و بطور کلی تشکل های صنفی - طبقاتی الزاما شکل می گیرند و ایجاد سندیکاها و اتحادیه های انقلابی نتیجه منطقی تحول این مبارزه صنفی - سیاسی است. پیرو عینی رشد و تکامل هسته ها و کمیته های صنفی - طبقاتی در شوراهای موجود و تحول آن به تشکل سندیکائی به ویژه می تواند با سمت گیری سندیکائی کمیته های فابریک کنونی تسریع گردد چه "کمیته های فابریک طبیعی ترین نطفه های سندیکاها به شمار می آیند" (اسناد کمینترن).

در چنین صورتی این کمیته ها به تدریج با روشن تر کردن تمایز مضمون وظایف صنفی - طبقاتی شان از مضمون شورائی می توانند از شورا متمایز شده و ایجاد سازمان های سندیکائی را تدارک ببینند. تدارک و پی ریزی تشکل های صنفی - طبقاتی پرولتاریا، زدودن توهمات و گرایشات غیرپرولتری در خصوص تشکل های کارگری و تبلیغ مواضع اصولی در زمین ه تشکیلات مستقل کارگری (سندیکا و اتحادیه) از زمره مهم ترین و میرم ترین وظایف پیشروان پرولتاریا است.

باید در نظر داشت که اگر چه کارگران در جریان بسط و تعمیق مبارزه صنفی - طبقاتی خود تدریجا بطور خودبخودی به ضرورت تشکل اتحادیه ای بمثابة عاملی برای پیشبرد این مبارزه پی خواهند برد لیکن پیشروان پرولتاریا نیز باید با بهره گیری از همه اشکال تبلیغ و سازمانگری، به اتکای تجارب مستقیم و مشخص توده کارگران، ایده وحدت و تشکل صنفی - طبقاتی را به میان آنان برده و آموزش های مربوط بدان را پیگیرانه تبلیغ و ترویج نمایند. اهمیت این وظیفه زمانی به روشنی بر ما معلوم می گردد که در نظر آوریم چگونه غلبه نگرش های التقاطی در مورد شورا

گفتیم که تشکل های شورائی موجود در مضمون خود دارای ترکیبی متناقض و دوگانه اند و نیز گفتیم که چنین ترکیبی نتیجه تداخل عینی دو مضمون سندیکائی و شورائی بوده و این تداخل مضامین نیز به نوبه خود محصول شرایط ویژه حاکم بر جنبش کارگری میهنمان بوده است. همچنین در تحلیل این شرایط گفتیم که ضعف سنن مبارزاتی متشکل و گسیختگی و رکود در جنبش کارگری و سندیکائی در سالهای قبل از انقلاب موجب شد تا کمیته های اعتصاب که خود محصول درجه معینی از رشد و برآمد مبارزه انقلابی کارگران بود، نتوانند شالوده سندیکاهای انقلابی را برآوارهای سندیکاهای زرد آریامهری پی ریزند در مقابل، این تشکل ها در جریان رشد خود در جهت پاسخگویی به مطالبه میرم انقلاب مبنی بر راه اندازی واحدهای تولیدی و مبارزه با اخلاگری های ضدانقلاب از یک سو و دفاع از منافع صنفی - طبقاتی کارگران و احقاق حقوق اقتصادی آنان از سوی دیگر به تشکل ها تشکیلی فراروئیدند که بتوانند هم به این مطالبه و هم به آن وظیفه پاسخ گویند و به همین دلیل نیز مضمونی دوگانه یافتند. اینک که دو سال از حیات این شوراها می گذرد، ما شاهد آن هستیم که چگونه از یک سو پیرو عینی وحدت و سازمان یابی در صفوف طبقه کارگر میهنمان در حال تبلور و تعمیق است و بر این زمینه نطفه های تشکل صنفی - طبقاتی کارگران در واحدهای تولیدی در حال رشد است و از سوی دیگر بر زمینه نیاز جامعه به اداره انقلابی واحدهای تولیدی و ضعف حاکمیت در مدیریت انقلابی این واحدها گرایش عینی طبقه کارگر به شرکت در اداره امور واحدهای تولیدی بیش از پیش فزونی می گیرد و به تبع آن، مضمون مبارزه شورائی (به اعتبار ضرورت افزایش سهم پرولتاریا در اداره انقلابی واحدها) غنای بیشتری می یابد. و این در شرایطی است که شوراهای موجود با مضمون و خصلت دوگانه شان و با ترکیب وظایف متناقض خویش قادر به پاسخگویی به این مطالبات عینی فزاینده نبوده و تمایز اصولی میان این دو مضمون (صنفی - طبقاتی و شورائی) و در عین حال هماهنگی کلی این دو مضمون در چهارچوب وظایف عمومی انقلاب امری اجتناب ناپذیر است. ما در شماره های گذشته به اصولیت تئوریک تمایز میان شورا و سندیکا و در عین حال چهارچوب و ضوابط هماهنگی این دو اشاره کردیم. در اینجا به شرایط عینی و چشم انداز سازماندهی اصولی شورا و سندیکا می پردازیم:

ابتدا ضروری است به زمینه های عینی و دورنمای سازماندهی مبارزات کارگری در چهارچوب تشکل سندیکائی و شورائی بپردازیم. و سپس به ضرورت سازماندهی این دو تشکل متمایز و در عین حال مکمل را (در شرایط کنونی) مورد بررسی قرار دهیم:

۱- شرایط عینی و چشم انداز وحدت و سازمان یابی کارگران ایران در تشکل های صنفی - طبقاتی (سندیکائی و اتحادیه ای)
۲- زمینه های عینی و چشم انداز مشارکت انقلابی طبقه کارگر در اداره واحدهای تولیدی و

اخبار شهرستانها

خوانین فارس باز هم فاجعه می آفرینند

خوانین ضدانقلابی قشقایی، شش بلوکی، کردشولی و... که در چند ماه گذشته در تدارک توطئهها و اقدامات براندازی بودهاند، در نخستین روزهای سال جدید با به شهادت رساندن یک پاسدار و یکی از اعضای بسیج و مجروح کردن سه نفر و دستگیری ۱۸ تن از پاسداران، فاجعه تازه‌ای آفریدند. این واقعه زمانی اتفاق افتاد که خوانین ضدانقلابی به بهانه کوچ به مناطق سردسیر، قصد قدرت‌نمایی و بستن راهها و گردنه‌ها را داشتند. آنها می‌خواستند با این عمل نشان دهند که بر منطقه حاکمیت دارند و مراجع مسئول دولتی را به رسمیت نمی‌شناسند تا از این طریق هم نفوذ و قدرت خود را به نمایش گذارند و هم راه را برای اجرای توطئه‌های تازه هموار سازند.

جریان بدین‌قرار است که روز سه‌شنبه چهارم فروردین، اردوی خان (به سرکردگی ناصر و خسرو خان قشقایی) به بهانه کوچ به سرحد سردسیر از "روستای هنگام" فیروزآباد عازم منطقه فراسیند می‌شود. خوانین از چند روز قبل پیک‌هایی به ایلات مختلف می‌فرستند تا ضمن جمع‌آوری نیروی کافی، راه‌های مشرف به مسیر حرکت را کنترل نمایند. طوایف کوه‌ر، شش بلوکی و فارسیمدان راه‌ها و گردنه‌ها را می‌بندند و اردو با نزدیک به ۱۵۰ اتوموبیل (که تعدادی از اتومبیل از افراد محلی کرایه شده بودند) حرکت می‌کند. هنگام عبور اردوی خان از اطراف فراسیند بخشدار و دو پاسدار برای بررسی وضع و حرکت مشکوک خوانین به طرف افراد اردو حرکت می‌کنند. اما ناگهان به سمت آنها تیراندازی می‌شود که بلافاصله به آنها جواب داده می‌شود. پس از مدتی تیراندازی قطع می‌گردد و بخشدار و همراهان به حرکت خود ادامه می‌دهند و پس از تماس با یکی از خوانین، دلیل حرکت و مسیر آنان سؤال می‌شود که خوانین جواب قانع‌کننده‌ای نمی‌دهند. در این میان سپاه پاسداران فراسیند و فیروزآباد برای پیگیری موضوع و ممانعت از اطراق اردوی خان در اطراف فراسیند، دو ماشین لندروور به همراه ۱۲ سرنشین به محل اردو اعزام می‌کنند. تفنگچی‌های خوانین که به منطقه مسلط بوده‌اند افراد سپاه را محاصره و به سمت آنان تیراندازی می‌کنند. در این درگیری یکی از پاسداران به نام آقائی شهید و دو نفر به شدت مجروح می‌شوند که یکی از آنان که از افراد بسیج بوده است، پس از انتقال به بیمارستان فیروز - آباد به شهادت می‌رسد. بقیه افراد اعزامی سپاه نیز به وسیله خوانین و عواملشان دستگیر می‌شوند. پس از این ماجرا از سپاه کازرون، جهرم و

فیروزآباد مجدداً نیرو به منطقه درگیری (۳۵ کیلومتری غرب فراسیند) اعزام می‌شود که از آنها نیز تعدادی دستگیر می‌شوند.

یک روز پس از درگیری، عده‌ای از خوانین از جمله ایرج شش بلوکی، امیر تیمور شش بلوکی (از خوانین قشقایی) و مسعود عطاپور (فرزند یکی از خوانین کردشولی) و سودابه شش بلوکی (همسر کلانتر پیشین طایفه شش بلوکی) در فیروزآباد شیراز دستگیر می‌شوند. با اعزام هیئتی از استانداری فارس تا روز ۹ فروردین، خوانین دستگیر شده آزاد می‌شوند. خوانین نیز چند تن از پاسداران را که به شدت مضروب شده بودند، آزاد می‌کنند و قول می‌دهند که بقیه پاسداران اسیر را نیز آزاد کنند.

در ضمن پس از ایجاد درگیری در روز ششم فروردین به قسمتی از ارتش (مستقر در شیراز) دستور داده می‌شود که برای جلوگیری از حرکت ایل قشقایی به منطقه کازرون حرکت کنند که این دستور اجرا نمی‌شود.

در پایان باید افزود علیرغم پیگیری و اقدامات مسئولان پاسداران، ناپیگیری و سیاست سازشکارانه بعضی از مسئولان فارس که گاه به صورت دفاع علنی از خوانین و فتوئال‌ها بروز می‌کند، زمینه را برای رشد خوانین و انجام عملیات ضدانقلابی آنان فراهم آورده است.

گزارشی از بمباران شهر قهرمان پرور ایلام

۱۵ اسفند ۵۹: سکوت شبانه سراسر شهر را فرا گرفته، عقربه‌های ساعت از یازده گذشته است. اکثر مردم در خواب فرورفته‌اند. ناگهان انفجار مهیبی سراسر شهر را به لرزه در می‌آورد. صدای شکستن شیشه‌ها، درها و ریزش ساختمان‌ها وحشت را صدچندان می‌کند. فریاد و ناله از همه‌جای شهر بلند می‌شود. سایه شوم مرگ بر شهر خاموش سایه افکنده است. از جا بلند می‌شوم. همدیگر را صدا می‌زنیم همه بودند. در کوچه صداهائی به گوش می‌رسد: "شهر را بمباران کردند... نباید ایستاد." شتابان به کوچه می‌دوم. مشت‌هایم را گره می‌کنم و باخشمی عمیق نسبت به امپریالیسم فریاد می‌زنم:

مرگ بر امریکا...

هرجا پناهگاهی است، مردم پناه گرفته‌اند. دود غلیظی قسمتی از شهر را فرا گرفته است. شتابان به آن نقطه می‌روم.

اینجا دنیای دیگری است. دنیائی از آتش و خون. سراسر خیابان مالا مال از جمعیت است. ماشین‌آتش‌نشانی، آمبولانس‌ها همه‌همه در حرکتند. مردم مات و مبهوت به صحنه خیره شده‌اند.

تعداد زیادی خانه و مغازه ویران شده است. در یک خانه گلی و محقر سقف اتافی به روی سه نفر که در خواب بوده‌اند، فروریخته است. همه بی‌اختیار می‌گویند:

اینجا قربانی جنایات امپریالیستند.

توهم آنان که باور داشتند شهر را نمی‌توانند بمباران کنند، فروریخته است. میعادگاه خونین شهیدان صحنه دیگری است از جنایات صدام و امپریالیسم امریکا و همبستگی و اتحاد پرشور مردم نشانی از شکست دشمن، نشانی از ماندن و پیکار کردن و پیروز شدن است.

۱۹ اسفند ۵۹: هنوز خاطره شوم حمله گذشته در ذهن‌ها مانده است. هنوز گرد و غبار خستگی بر چهره‌ها نمایان است که شهر دوباره مورد هجوم شبانه هواپیماهای متجاوز عراقی قرار می‌گیرد. سیل خروشان مردم با فریادهای رعد - آسایشان در شهر به حرکت در می‌آید. بمب‌ها در اطراف شهر بر زمین افتاده‌اند. برق پیروزی در چشمان مردم می‌درخشد. هرجا که نشانی از مردم است، فریادی است. فریادهای مرگ بر امریکا در شهر طنین‌انداز است.

روز جمعه هواداران سازمان با حضور فعال در صفوف مردم در دسته‌های متشکل از مقر سپاه تا میعادگاه شهیدان راهپیمایی می‌کنند و در دل شب سیاه در زیر غرش رگبار پدافند نیروهای خودی شور ضدامپریالیستی مردم را فروزان‌تر می‌سازند و آنگاه در ویرانه‌های شهرمان سرودمان را راس‌تر سر می‌دهیم:

این سند جنایت امریکاست، پس مرگ بر امریکا

اجرای تئاتر خیابانی

«مرگ بر امریکا» در زاهدان و گنبد



هواداران سازمان در زاهدان به مناسبت سال جدید، تئاتر خیابانی "مرگ بر امریکا" را در یکی از محلات زحمتکش‌نشین به نمایش گذاشتند. در این نمایش دوستان و دشمنان جهانی انقلاب و عوامل و دوستان داخلی امپریالیسم (سرمایه‌داران، زمینداران، لیبرال‌ها) معرفی شدند.

در جریان تئاتر، همکاری صمیمانه‌ای توسط مردم صورت می‌گرفت. رهگذران برای دیدن تئاتر "مرگ بر امریکا" کار خود را رها می‌کردند و به دیدن تئاتر می‌آمدند.

در پایان نمایش که یک ساعت به طول انجامید، آدمک و پرچم امریکا، در حالی که مردم فریاد "مرگ بر امریکا" سر داده بودند، به آتش کشیده شد.

* همچنین دانش‌آموزان پیشگام در گنبد در شب چهارشنبه سوری نمایش پرشور ضدامپریالیستی به اجرا درآوردند که با استقبال مردم روبرو شد. این نمایشنامه با زبان محلی و با استفاده از سنت‌های خلق ترکمن به اجرا درآمد. گروه تئاتر پس از اجرا به طرف "خیابان کمینه" و "محلته‌کله" حرکت کرد و جوانان این محلات که بیش از ۲۵۰ نفر بودند در حالی که سرودهای جدید سازمان و شعر چهارشنبه سوری (رنگ امریکا چه زرده...) را می‌خواندند، از گروه استقبال کردند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

از میان اعلامیه‌ها و نشریات
شاخه‌ها و هواداران سازمان

یک سؤال از آقای رئیس جمهور

شاخه‌خوزستان سازمان تراکتی منتشر کردند و در آن خطاب به رئیس جمهور سؤال شده است:

... دهقانان زحمتکش می‌پرسند: آقای بنی‌صدر اگر برآستی طرفدار مردم هستید، پس چگونه است که فرخ‌خان سنجابی به همراه ۴۰۰ تن از سران خائن عشایر و خان‌ها و فئودال‌های غرب کشور، از دست هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین به شما پناه می‌آورند، حکم نمایندگی ریاست جمهوری از دست شما می‌گیرند و ۳۰ میلیون تومان بودجه از شما دریافت می‌کنند؟! ...

فعالیت هواداران سازمان خارج از کشور

کمک‌دانشجویان هوادار در آلمان غربی به جنگ‌زدگان

هواداران سازمان در شهر "کیل" آلمان غربی اعلامیه‌ای منتشر کردند و اعلام داشته‌اند: "... دانشجویان مترقی و ضدامپریالیستی ایرانی در شهر کیل آلمان غربی مثل دیگر شهرهای اروپا اقدام به تشکیل کمیته‌ای به نام "کمیته کمک به جنگ‌زدگان ایرانی" نمودند و مقدار زیادی دارو و لباس و پتو تهیه کرده و به کنسولگری ایران در هامبورگ جهت فرستادن به مناطق جنگ‌زده تحویل دادند.

باید دوستان و دشمنان انقلاب را بشناسیم

هواداران سازمان در پاکستان (گروه دانشجویی پویان) تراکتی منتشر کردند و در آن یادآور شده‌اند: "... با تمام توان، قاطعانه به مبارزه با لیبرال‌های سازشکار برخاسته، آنان را افشاء و طرد نمائیم و به توده‌ها خطرات ناشی از انحصار-طلبی‌های سیاسی را که موجب تضعیف صفوف متحد خلق می‌گردد، توضیح دهیم."

از خواسته‌های عادلانه

نفتگران جنگ‌زده دفاع کنیم

نفتگران پیشرو جنگ‌زده در شیراز اعلامیه‌ای منتشر کرده و در آن ضمن اشاره به سیاست‌های برخی از مدیران لیبرال وزارت نفت و محکوم نمودن آن، خطاب به همکاران مبارز و آگاه خود اعلام داشته‌اند: "... با ترمیم تشکلهای خود و

انتخاب افراد آگاه و انقلابی، تشکلهای سراسری کارکنان جنگ‌زده را استحکام بخشیم و با ترغیب تشکلهای کارکنان شاغل (نفت و ...) و جلب حمایت توده‌های شهری، خواسته‌های خود را پیگیری نمائیم و در جهت تعمیق آن کوشا باشیم."

حرکات ضد مکرراتی

به سود لیبرال‌ها تمام میشود

هواداران سازمان در ممسنی طی اعلامیه‌ای با عنوان "حرکات ضد مکرراتیک سپاه پاسداران به سود چه کسانی جز لیبرال‌ها و دیگر دشمنان انقلاب تمام می‌شود" درگیری‌ها و تشنجاتی را که اخیراً در شهرستان ممسنی صورت گرفته است محکوم کرده‌اند.

"راه زحمتکشان" ویژه نوروژ

بیست و چهارمین شماره "راه زحمتکشان" ویژه نوروژ منتشر شد. در قسمتی از سرمقاله این شماره نشریه چنین می‌خوانیم: "... واقعیت این است که دولت در پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی زحمتکشان ضعیف بوده‌است. عدم پاسخ‌گویی به خواسته‌های مردم، آینده انقلاب را تهدید می‌کند دولت باید هرچه زودتر به این خواسته‌ها یعنی از بین بردن گرانی، بیکاری، تورم و ... پاسخ گوید."

کودکان در محلات فقیرنشین چگونه می‌میرند

تهران

مرگ فجیع علی کوثری پسر بچه ۵ ساله‌ای که در اثر سقوط به کانال فاضلاب روی داد، تاثر اهالی خیابان آذربایجان و محله وصفنار را برانگیخت این حادثه که به علت بازگذاشتن درهای کانال فاضلاب و سهل‌انگاری مسئولین شهرداری در کنار خط راه‌آهن تهران - اهواز روی داد، بار دیگر هشدار است به مسئولین شهرداری مناطق زحمتکش نشین که باید با اقدامات مسئولانه از بروز و تکرار فجایع بعدی جلوگیری نمایند. هواداران سازمان در این منطقه با انتشار اعلامیه‌ای ضمن هشدار به مقامات شهرداری با خانواده زحمتکشی که کودک خود را در این حادثه از دست داده‌اند، ابراز هم‌دردی نموده‌اند.

محتکران و سرمایه‌داران

عامل اصلی ناراضی‌تی زحمتکشاند

کارگران و کارمندان پیشرو صنعت برق اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کردند. در قسمتی از اعلامیه چنین آمده است: "... راه برداشتن گرانی و کمبود از دوش زحمتکشان و جلوگیری از تبلیغ فرصت‌طلبانه لیبرال‌ها برخورد قاطع با محتکرین و سرمایه‌داران بزرگ و تسریع در دولتی کردن تجارت خارجی یعنی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی است."

از میان نامه‌ها
حرف‌های زحمتکشان

ما رحمت می‌کشیم،

سرمایه‌دارها بهره می‌برند

رفقا، سلام!

چون می‌دانم حرف‌زحمتکشان را شما گوش می‌کنید، لازم دانستم شما را از زندگی خودم که در یکی از محلات جنوب شهر زندگی می‌کنم، مطلع سازم. من یک کارگر هوادار ۲۱ ساله هستم که ۱۲ سال از عمرم را در خیاطی گذرانده‌ام. در یکی از خانواده‌های فقیر به دنیا آمدم. در سن ۵ و ۶ سالگی بود که بر اثر سرماخوردگی به سینهدرد و سرانجام به یک مرض استخوانی مبتلا شدم که باعث شد تا ستون فقراتم به حالت خمیده درآید و به علت فقر مالی، خانواده‌ام نتوانست مرا معالجه کنند.

چاره‌ای نداشتیم جز تحمل درد و ساختن با آن تا اینکه بزرگ‌شدم، ولی قدم همانطور کوتاه ماند دارای چهار برادر و یک خواهر هستم که دوتا از برادرهایم خیاط هستند و یکی شان قصاب است. خواهرم هم شوهر کرده، پدرم که یک کارگر ساده بود، بر اثر بیماری زمین‌گیر شده‌است و مادرم نیز بر اثر فشار زندگی و سختی، پیر و فرسوده شده است. هر کدام از ما تا کلاس چهار و پنج درس خوانده‌ایم. اما در اثر فقر مالی مجبور شدیم مدرسه را رها کنیم و به دنبال کار برویم. زمانی که هنوز سن کمی داشتم، در بازار به کار پادوئی خیاطی مشغول شدم و فهمیدم که رنج و سختی زندگی چیست. وقتی می‌دیدم که بچه‌های سرمایه‌داران بازاری که با من همسن و سال بودند، چگونه زندگی می‌کنند و بچه‌های امثال من چطور، به تضاد طبقاتی بین خودم و آنها پی بردم و فاصله زیادی را که بین ما بود، دیدم.

باور کنید که همیشه در این فکر بودم که آخر چرا باید بین ما و آنها اینقدر فرق باشد، همیشه می‌خواستم بدانم که چرا ما کارگران باید رنج بکشیم و دیگران استفاده کنند. همیشه می‌خواستم بدانم که چرا یک مشت سرمایه‌دار، با توده عظیم کارگران که تمام رنج‌ها و سختی‌ها بر دوششان است، آنقدر تفاوت دارند. خلاصه پس از مدتی کارکردن و زحمت کشیدن فهمیدم که تمام گرفتاری‌ها و رنج‌های ما زیر سر سرمایه‌داران است. این بود که کینه‌ام نسبت به سرمایه‌دارها چندبرابر شد.

پس از انقلاب بود که در یکی از میتینگ‌های سازمان با رفیقی آشنا شدم و کم‌کم رابطه ما به یک دوستی عمیق کشیده شد و با راهنمایی او با مکتب انسان‌ساز مارکسیسم - لنینیسم آشنا شدم. مکتبی که راه‌حل‌های مبارزات طبقاتی را برایم روشن می‌کرد و نشانم داد که تنها اتحاد طبقه کارگر و زحمتکشان است که می‌تواند پندهای اسارت را از پای آنها جدا کند و زندگی پرسعدتی را برایشان فراهم سازد.

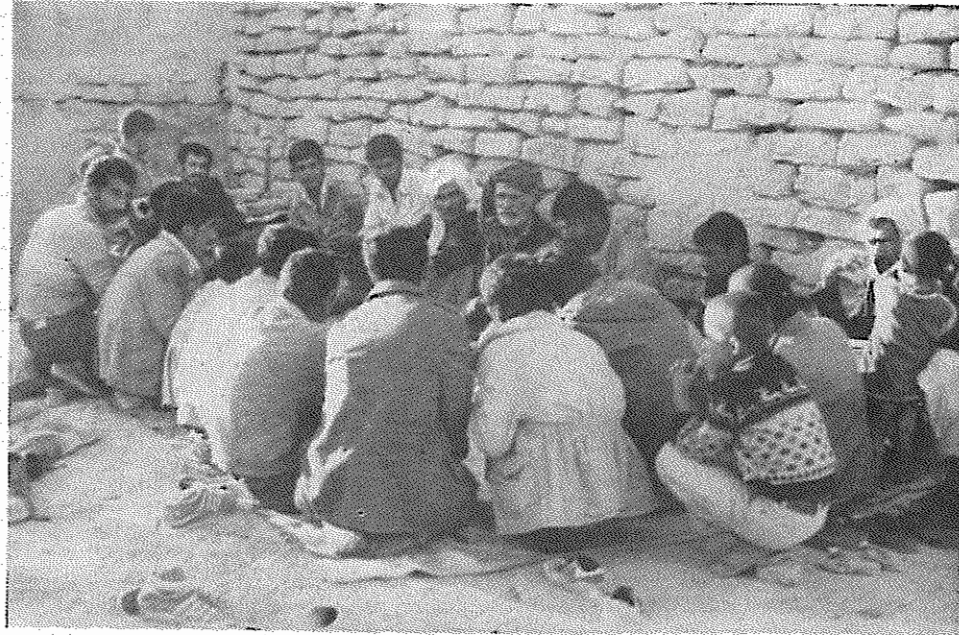
با امید و ایمان به پیروزی زحمتکشان

۵۹/۱۲/۶

امضاء کارگر خیاط

به یاری آوارگان جنگ بشتابیم

گزارشی کوتاه از فعالیت هواداران سازمان



طبق آمار رسمی دولت در شهر بوشهر حدود ۴۰ هزار آواره بی سرپناه زندگی می کنند. بیشتر این جنگ زدگان از آخرین دسته آوارگان مهاجری هستند که از روستاهای جنگ زده خوزستان به بوشهر آمده اند. بیش از نیمی از این جنگ زدگان از عربهای زحمتکش خوزستانی هستند. عربهایی که در تمام مدت زندگی شان حتی از کمترین امکانات زندگی بی بهره بوده اند. آنها هم اکنون در بوشهر در بدترین شرایط زیستی بسر می برند و همراه جنگ زدگان دیگر در خیابان ها و پارک ها و محله های فقیر نشین شهر زندگی می کنند.

با مهاجرت ناخواسته این زحمتکشان به شهر بوشهر، رفقای هوادار سازمان ما به یاری آنان شتافته و تاکنون نیز فعالیت های چشم گیری در این زمینه داشته اند. رفقای هوادار علاوه بر جمع آوری پول، پوشاک، غذا دارو و... و تحویل دادن آن از طریق شوراهای محلی به جنگ زدگان، تاکنون چندین ساختمان متروکه را نیز تعمیر کرده و در اختیار جنگ زدگان قرار داده اند.

در جریان تعمیر ساختمان های متروکه، با مراجعه مکرر رفقا به جهاد سازندگی برای کمک و درخواست یک سری امکانات امکان پذیر از طرف جهاد در اختیار رفق گذاشته می شود:

- ۱- ۱۲ شاخه آهن ۴/۷ متری
 - ۲- ۸ تن گچ
 - ۳- ۲ بشکه قیر
 - ۴- مقدار زیادی گونی
 - ۵- ۴۰ کیسه سیمان
 - ۶- مقداری لوازم برقی جهت سیم کشی ساختمان
- همچنین قول می دهند که یک آبگرم کن جهت نصب در یکی از ساختمان ها در اختیار رفقا قرار دهند.
- مهم ترین کارهای ساختمانی که رفقای هوادار به یاری خود جنگ زدگان انجام داده اند، عبارتند از:

- ۱- تعمیر خانه سرهنگ گیلانی (روبروی سپاه پاسداران محله بی سیم)
- ۲- تعمیر ساختمان دریا بیگی (سنگی، کوچه بغل

زندگی می کنند. در تعمیر این ساختمان ها، جوانان جنگ زده در تمام طول کار با رفقای هوادار همکاری صمیمانه ای داشته اند. همچنین علاقه، پیگیری و شور رفا برای یاری رساندن به زحمتکشان جنگ زده، باعث شد که مسئولین نهادهای انقلابی شهر بوشهر به صداقت رفقا باور کنند و خانه های دیگری را جهت تعمیر به آنها پیشنهاد کنند. کوشش رفقای هوادار در بوشهر تنها به تعمیر ساختمان و جمع آوری پول خلاصه نمی شود. آنها در تمام موارد بطور پیگیر به وضع دارو و درمان جنگ زدگانی که با آنها ارتباط دارند رسیدگی می کنند.

چندی پیش به دعوت چند نفر از رفقا، خانواده های جنگ زده ساختمان دریابگی در ایوان ساختمان دور هم گرد آمدند. رفقا در آنجا در مورد ضرورت تشکیل شورا برای آنها صحبت کردند. جنگ زدگان که صداقت آنها را قبلا در عمل دیده بودند به دنبال پیشنهاد رفقا میان خود رای گیری کرده و چهار نفر (دومرد و دوزن) را به عنوان نماینده شورا انتخاب کردند. قرار بر این شد که از این به بعد نمایندگان منتخب، واسط بین خانواده های جنگ زده ساختمان دریابگی و مقامات مسئول شهر باشند و از این طریق راحت تر و با سرعت بیشتری برای حل مشکلات اقدام کنند.

ما ضمن ارج نهادن بر تلاش رفقای هوادار، از مسئولین شهر بوشهر، بخصوص نهادهای انقلابی می خواهیم که با بهره گیری هرچه بیشتر از نیروهای مترقی و مردمی به یاری آوارگان جنگ زده شتافته، با سازماندهی لازم و استفاده از تمام امکانات موجود، در حل مشکلات زندگی این زحمتکشان بکوشند.

ما امیدواریم که در شهرهای دیگری نیز که آوارگان در آنجا اسکان یافته اند، مسئولین این شهرها با کمک نیروهای مردمی و مترقی به یاری آوارگان جنگ بشتابند.

۱۱- حفر تعداد ۵ حلقه چاه برای فاضلاب.
۱۲ برق کشی کلیه اتاق ها، گذشته از کمک های مردم و جهاد سازندگی، از طرف رفقای هوادار جمعا مبلغ ۱۳۹۷۴۱ ریال برای تعمیر این ساختمان پرداخته شد.
بعد از تعمیرات کلی و اساسی ساختمان کم کم خانواده های جنگ زده در آنجا اسکان داده شدند. هم اکنون ۲۲ خانوار با جمعیت ۱۶۶ نفر در آنجا زندگی می کنند.

ج: ساختمان قدیمی مدرسه بوذرجمهری:
این خانه ساختمان بزرگ دو طبقه ای است که قابل سکونت نبود. ولی چون جنگ زدگان جا و مکانی نداشتند، به این ساختمان هم پناه آورده بودند. رفقا وقتی فهمیدند در این ساختمان مخروبه هم تعدادی خانواده جنگ زده زندگی می کنند، به آنجا هم سرزده و تصمیم به تعمیر آن گرفتند. هم اکنون (۲۰ اسفند) رفقا مشغول تعمیر آن هستند و تاکنون علاوه بر تعمیر چند اتاق، دو حمام و دو توالیت هم برای آن درست کرده اند. در این خانه ۲۴ خانوار

می خوابیدند، خانه تهیه کنند بعد از به پایان رساندن خانه سرهنگ گیلانی، دست به تعمیر این ساختمان زدند. رفقا در طی دو ماه کار مداوم و پیگیر جهت آماده سازی ساختمان، کارهای زیر را انجام دادند:

- ۱- ساختن سه توالیت
- ۲- ساختن سقف یکی از اتاق ها و قیراندود کردن آن
- ۳- رنگ آمیزی کلیه اتاق ها و ایوان جلوی ساختمان.
- ۴- نصب ۸ عدد شیر آب در دو محل و ۳ عدد شیر آب جداگانه.

۵- ساختن دو سکو برای شستشوی ظرف و لباس و نصب دو دستشویی.
۶- گذاشتن ستون آهنی در زیر سقف یکی از اتاق ها، جهت جلوگیری از ریزش سقف.
۷- کشیدن دیوار بین دو اتاق.

۸- تعمیر اساسی کلیه در و پنجره های ساختمان و ساختن ۵ در برای اتاق ها و توالیت ها.
۱۰- سیمان کردن ایوان پشت ساختمان و ساختن دو دستگاه حمام.

ژاندارم (مری)
۳- تعمیر یک مدرسه (واقع در پشت اداره پست قدیم)

الف: خانه سرهنگ گیلانی رفقای هوادار در سراسر آذربایجان مشغول تعمیر این خانه بودند. در این مدت آنها کارهای زیر را انجام داده اند:

- ۱- ساختن یک توالیت در حیاط خانه.
- ۲- گذاشتن چند شیر آب در حیاط.
- ۳- نصب ۷ در و ۱۵ پنجره اتاق.
- ۴- دیوارکشی درون اتاق ها و هال های بزرگ و ایجاد ۵ اتاق کوچک تر.
- ۶- ضد عفونی کردن تمام ساختمان.

به غیر از این تعمیرات، دو چراغ خوراکی پزی، مقداری شیرخشک و پوشاک از طرف رفقا بین خانواده ها تقسیم شد. اکنون در این ساختمان ۱۳ خانوار با جمعیتی برابر ۷۵ نفر زندگی می کنند.

ب: ساختمان مدرسه دریابگی:

این ساختمان تعمیرات زیادی لازم داشت. ولی از آنجا که رفقا می خواستند هر طور شده برای جنگ زدگان آواره ای که در خیابان ها

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

باندهای سیاه را افشاء کنیم اعمال جنایتکارانه باندهای سیاه در لرستان

در حال حاضر باندهای سیاه در استان لرستان به یک خطر جدی و یک ابزار مهم در دست ضدانقلاب مبدل شده است اکثر شهرهای لرستان هر روز و هر ساعت آستان حوادث ناگوار، آشوب و جنجال است. مردم شهرهای لرستان بویژه خرم آباد هر روز شاهد یک رشته حرکات و عملیاتی هستند که از جانب ارادل و اوباش سازمان یافته بوقوع می پیوندد. اعمال این دسته های تبهکار و ضدانقلابی، حرکاتی نظیر ضرب و شتم و تعقیب هواداران سازمان های سیاسی مترقی، هجوم به اجتماعات و نمایشگاه های ضدامپریالیستی و کتابفروشی ها، ربودن افراد، ترور و سایر جنایات هولناک را دربر می گیرد.

اهالی زحمتکش شهرهای لرستان بارها و بارها خود شاهد وقوع عملیات ضدانقلابی آنها بوده اند. روزی نیست که در انظار عمومی هواداران سازمان های مترقی و ضدامپریالیست از جانب ارادل وابسته به باندهای سیاه مورد ضرب و شتم قرار نگیرند. و یا تعقیب و ربوده نشوند. این امر دیگر به وظایف روزانه جنایتکاران مبدل شده و بیشرمانه این اعمال خود را "دفاع از جمهوری اسلامی"، "انقلابی" و "دفاع از اسلام" و... می نامند.

وضعیت فوق در شهر خرم آباد بطور برجسته و انکارناپذیری بچشم می خورد. بطوری که برخی نقاط شهر در قرق اوباش و ارادل باندهای سیاه است و این محلات به منطقه نفوذ و یکه تازی آنها تبدیل شده است. وقاحت آنان بحدی است که روز روشن عناصر ترقی خواه و مبارز را ربوده و پس از انتقال به اماکن مخفی خود، آنان را مورد شکنجه و بازجویی قرار می دهند. حتی در شبها با صورت بسته و با سلاح های گرم به خانه های مردم وارد شده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. تا بحال چندین فقره قتل عمد به دست این جنایتکاران صورت گرفته است مدارس، خیابان ها، کوچه ها، گذرگاه ها، به جولانگاه آنها مبدل شده و اهالی مردم نسبت به این اعمال ددمشانه و نفرت انگیز سخت خشمگین و نگرانند.

گروه های وابسته به باندهای سیاه تاکنون توانسته اند بخش های وسیعی از مردم را ناراضی و از جمهوری اسلامی دور سازند و بدین ترتیب در جهت اجرای عملی اهداف شوم دشمنان انقلاب خدمات ارزنده ای به اربابان خود نمایند. نکاتی که حائز اهمیت بوده و باید در بررسی وضعیت و عملکرد این باندهای ضدانقلابی مورد توجه قرار داد، اولاً ماهیت اجتماعی رهبری این گروه ها و افشای آن، ثانیاً کشف روابط سردمداران باندهای سیاه و افشای حامیان آنان در ارگان های دولتی است.

ماهیت اجتماعی باندهای سیاه در لرستان

برای پی بردن به ماهیت اجتماعی "باندهای سیاه" کافی است عناصر متشکله رهبری آن را بشناسیم و عملکردهای آنان را در طول دو سال گذشته مورد بررسی قرار دهیم. آن وقت حتی برای افراد عادی هم روشن خواهد بود که این

گروه های ترور، فشار و اختناق آیا از انقلاب دفاع می کنند یا ضدانقلاب؟ مدافع اسلام انقلابی هستند یا اسلام آمریکایی؟ طرفدار سرمایه داران و ثروت اندوزانند یا هوادار زحمتکشان؟

در لرستان و بخصوص خرم آباد، عناصر شناخته شده و سردسته باندهای سیاه عبارتند از "غلام زریان"، "عبدالرضا قیاسی"، "پسران حاج نبی"، "ناصر ملوکی"، "مصطفی ساکی"، "ناصر امیدزاده" و... اکثر مردم شهرهای لرستان نسبت به سوابق ننگین و پر از فساد و رذالت آنان آشنایی کافی دارند. چرا که هر یک از آنها در سال های قبل از جمله چاقو کشان و عناصر قاسد شهر بوده اند.

پس از انقلاب این اوباش با کمک سرمایه داران و زمینداران منطقه توانستند در ارگان های دولتی و نهادها نفوذ کنند و با جلب نظر برخی روحانیون و با سوء استفاده از احساسات مذهبی عده ای جوانان متعصب، مقاصد خود را عطفی سازند. در شهر خرم آباد، از همان روزهای آغاز پس از انقلاب عده ای از سرمایه داران و زمینداران و در راس آنها خانواده تاجر و زمینخوار معروف "قاضی" در نهادهای انقلابی نظیر سیاه و کمیته ها نفوذ کردند و پست هایی را در اشغال خود درآوردند. متعاقب آن در سیاه و کمیته ها، جناحی از اوباش و عناصر ناآگاه به دور "شیخ مهدی قاضی" سازمان داده شدند و همین دار و دسته متشکل هسته های اصلی باندهای سیاه را بوجود آوردند.

خانواده "قاضی" از همان آغاز دوران جمهوری اسلامی با کمک دار و دسته خود فعالیت های ضدانقلابی و تبلیغات مسموم خود را در میان مردم شروع کردند. در دوران انتخابات ریاست جمهوری، "قاضی" به همراه همدستانش با صرف مبالغی از بیت المال و به کار گرفتن امکانات دولتی به نفع "تیمسار آریامهری مدنی" به تبلیغ برخاستند. (ناگفته نماند که "هادی قاضی" یکی از پسران قاضی سمت معاونت "تیمسار مدنی" را در دوران استانداریش در خوزستان به عهده داشت) همین فرد دستور خروج دکل های حفاری شرکت امپریالیستی سانتافه را امضاء کرد و به کمک تیمسار امکان خروج میلیون ها تومان دسترنج کارگران و زحمتکشان میهنمان را فراهم آورد. اسناد مربوط به این عمل جنایتکارانه قبلاً از طرف سازمان منتشر شده است. دارو دسته قاضی با سلطه بر سیاه پاسداران بیشترین عملیات آن را در جهت حرکات ضد مردمی منحرف ساختند و سیاه را به اهرمی مدافع منافع خود مبدل کردند دادگاه انقلاب اسلامی خرم آباد مدت ها تحت نفوذ این خانواده و مدافعت سرمایه داران، تاجر و زمینداران قرار داشت بطوری که محمدی حاکم شرع خرم آباد از وابستگان دارو دسته قاضی و مجری سیاست های آنان بود.

نفوذ خانواده "قاضی" و طرفداران او به حدی رسید که حتی در چندین مورد مزدوران دستگیر شده ساواک را از زندان مرخص کرده و آنها را برای آموزش باندهای سیاه وابسته به خود، بکار گرفتند. در این مورد می توان از آزاد شدن ساواکی معروف "افتخاری" نام برد

که پس از افشای آن و دستگیری مجدد وی، ماجرا بالا گرفت و برای رسیدگی و خاتمه دادن به این موضوع نمایندگانی از تهران عازم خرم آباد شدند نیروهای انقلابی و زحمتکش لرستان با افشای این جنایات پرده از چهره ظاهر فریب قاضی و همدستانش برداشتند و طی اعتراضات مردم و فشار جناح های سالم سیاه و نهادهای انقلابی، مواضع قاضی و دارو دسته اش تضعیف شد، خود "شیخ مهدی قاضی" به قم رفت و "محمدی" حاکم شرع مجبور به استعفا گردید.

با این حال "قاضی" از همان راه دور به تحریک و رهبری دارو دسته خود مشغول بوده و فعالیت هایی را برای بازگشت مجدد به لرستان آغاز کرده است. در این رابطه عده ای از طرفداران "قاضی" برای ملاقات وی و دستور گرفتن به قم رفتند و از آیت اله منتظری تقاضای بازگشت او را نمودند. به دنبال آن، دامنه عملیات جنایتکارانه باندهای سیاه در لرستان گسترش یافت تا با ایجاد اغتشاش و برهم زدن امنیت، ثابت شود مسئولین جدید که به جای طرفداران "قاضی" منصوب شده اند، کفایت اندازه امور را ندارند و تنها "قاضی" و دارو دسته او می توانند امنیت را در لرستان تأمین کنند!

اعمال گذشته و وضعیت کنونی باندهای سیاه لرستان

طی دو سال اخیر باندهای سیاه لرستان عملیات ضدانقلابی و جنایات بیشماری را مرتکب شده اند مروری بر عمده ترین اعمال آنان سند انکارناپذیری است که ماهیت اجتماعی آنان را آشکارتر خواهد ساخت:

- ۱- حمله به اجتماع هواداران و مردم در مراسمی که به مناسبت بزرگداشت سیهکل در بروجرد برگزار شده بود. در این روز یعنی ۱۹ بهمن ۵۸ به سرپرستی جنایتکار حرفه ای "غلام زریان" و جیره خوار قاضی سرمایه دار، دارو دسته اوباش از خرم آباد عازم بروجرد شدند، و در تهاجم وحشیانه خود دانش آموز پیشگام "محمود جنتی" را به شهادت رساندند. در این تهاجم یکی از اعضای این باند دستگیر شد و اوازچگونگی اعزام اوباش به بروجرد به رهبری "زریان" پرده برداشت و معلوم گردید که عده ای از پاسداران و مسئولین حکومتی نیز در تدارک این تهاجم وحشیانه نقش داشته اند. نوار سخنان فرد دستگیر شده در سطح استان لرستان پخش گردید.
- ۲- عملیات متعدد تروریستی و از جمله ترور ناجوانمردانه دانش آموز "مهرداد حیدری" که او را از داخل یک اتوموبیل شخصی مورد اصابت گلوله قرار دادند.
- ۳- سازماندهی حمله به کارگران درود که منجر به شهادت ۲ نفر گردید.
- ۴- حمله به کتابفروشی ها و نمایشگاه های ضدامپریالیستی و ایجاد خرابی و آتش سوزی.
- ۵- حمله به اجتماع دبیران و معلمان اخراجی.
- ۶- آدم ربایی آنان با امکاناتی که تدارک دیده اند (از قبیل اتوموبیل و محل های مخفی) افراد متعددی را "شکار" کرده و مورد شکنجه و بازجویی قرار داده اند. بطور مثال چندین نمونه از این جنایات در باغ "حاج حبیب" (اطراف خرم آباد) حوالی روستای کمالوند، بخش چفلوندی و جاده رباط انجام شده است.

فئودال ها خاطره رژیم پیشین را برای دهقانان زنده می کنند

۵ برای انجام " کمک های بیش از پیش به کشاورزی و کشاورزان " باید هیئت های هفت نفره بطور همه جانبه مورد حمایت و پشتیبانی مسئولین قرار گیرند و اصلاحات ارضی و بند "ج" و "د" آن هرچه سریع تر اجرا گردد .

فئودال « ده نمک » بعد از انقلاب هم از دهقانان بهره مالکانه می خواهد

عباس آباد - سمنان :

با توقف اجرای بند "ج" زمین های زمینداران بزرگ از هرگونه "تعرض" مصون گردید، این ضدانقلابیون مجدداً روستاها را به عرصه تاخت و تاز خود بدل نموده اند و بی شرمی را به جدی رسانده اند که در پاره ای مناطق حتی درصدد غصب مجدد زمین های دهقانان برآمده اند. به نمونه زیر توجه کنید :

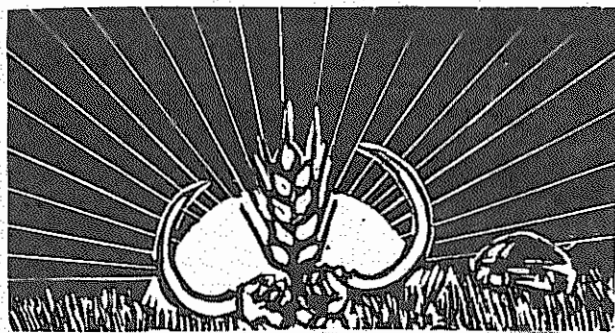
بعد از انقلاب در منطقه عباس آباد "ده نمک" از استان سمنان هیئت هفت نفره و سپاه پاسداران گرمسار ۵۰۰ هکتار از زمین های فئودالی به نام نسرانی را بین دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم کردند و دهقانان روی این زمین ها مشغول به کار شدند لیکن پس از توقف موقت بند "ج" و امکان انحلال هیئت هفت نفره و سپاه پاسداران گرمسار، فئودال مزبور اقدام به بازپس گرفتن زمین های تقسیم شده می کند و می گوید حاضر است زمین ها را در اختیار دهقانان قرار دهد تنها به یک شرط کوچک " و آن اینکه زمین ها به صورت ارباب و رعیتی کشت شوند و بهره مالکانه پرداخت شود! دهقانان که حاضر به قبول چنین "شرطی" نمی شوند مصممانه در جهت حفظ زمین های خویش برمی آیند و چندین بار هم به مسئولین امور مراجعه می کنند ولی نتیجه ای نمی گیرند .

روستائیان "ده نمک" می گویند :
"سپاه پاسداران و هیئت هفت نفره به ما گفته بودند که شما زمین ها را بکارید، نسرانی هیچ غلطی نمی تواند بکند."
روستائیان می گویند :
"نهادهای انقلابی اکنون هم باید از ما پشتیبانی کنند."

روستای آبسرد در نزدیکی دماوند واقع است و از نظر کشاورزی دارای اهمیت فراوانی است. نزدیک به ۵۰۰ هکتار از زمین های این روستا متعلق به فئودالی است به نام قدوسی که در زمان رژیم منفور پهلوی به کمک داماد خود قره چلو نماینده مجلس فرمایشی شاه و دیگر وابستگان به رژیم گذشته به زور از دهقانان زحمتکش غصب کرده و بین داماد و فرزندان خود تقسیم نموده است. این شخص که زمین های زیادی هم در کیاکلا بایل دارد در گذشته با همکاری فردی به نام سرهنگ ظاهری عامل شهادت عده ای از روستائیان آبسرد و آینه ورزان نیز بوده اند. پس از انقلاب اهالی روستا و نهادهای انقلابی به مصادره زمین های این فئودال جنایتکار دست زدند و بخشی از زمین ها را به خانه سازی برای اهالی اختصاص داده و بخشی دیگر را به زیر کشت بردند و باغ های او هم توسط جهاد سازندگی مصادره گردید. بعد از توقف موقت بند "ج" لایحه اصلاحات ارضی این فئودال و دار و دسته او نیز همانند دیگر فئودال های کشور که از سوراخ ها بیرون خزیده و بار دیگر به جان دهقانان زحمتکش افتادند، با کمک حاکم شرع دماوند در صدد پس گرفتن زمین ها برآمدند این امر با مقاومت روستائیان و نمایندگان آنان مواجه شد اما حاکم شرع به تهدید، فحاشی و ارباب با اسلحه است.

دهقانان زحمتکش اطراف ارومیه خواستار رسیدگی فوری به وضع خرید خشکبار خود هستند

تابستان سال گذشته مسئولین دولتی در منطقه اعلام نمودند که خشکبار باغداران اطراف ارومیه را با قیمتی بالاتر و مناسب تر از سال های گذشته خریداری خواهند کرد . اما در فصل پائیز شرکت های تعاونی سبزه دهقانان را درجه بندی کرده و قیمت سبزه های درجه یک و دو و سه را به ترتیب کیلوئی ۸۰، ۷۳ و ۶۸ ریال اعلام نمودند و تصریح کردند که فقط سبزه های درجه یک را خریداری خواهند نمود. این سبک برخورد با زحمتکشان کشاورز با توجه به اینکه قیمت ها در سال گذشته بین ۱۱۰ تا ۱۲۰ ریال بوده است باعث اعتراض آنان گردید و مسئولین نیز مجدداً اعلام نمودند که به سبزه درجه یک ۲۵ ریال هم جایزه تعلق خواهد گرفت. این شیوه تعیین قیمت با توجه به اینکه دلال ها و واسطه ها در بازار دست اندرکار انواع و اقسام دسائس برای پائین آمدن قیمت دسترنج زحمتکشان بوده و آنان را مجبور می سازند که به قیمتی ناچیز



از اقدامات مترقیانه هیئت های هفت نفره پشتیبانی نمائیم

○ برای افزایش تولیدات کشاورزی کشور، با توجه به بنیه ضعیف اقتصادی و مالی زحمتکشان و دهقانان روستاها دولت باید با برنامه ریزی صحیح و به موقع، بذر اصلاح شده مورد نیاز کشاورزان در کشت بهاره و تابستان را تهیه کرده و از طریق شوراهای روستائی در اختیار آنان قرار دهد .

کردستان در سالی که گذشت

خواسته‌های عادلانه مردم کردستان همچنان بی پاسخ مانده است

بهار میهن، امسال نیز از خون هزاران رزمنده انقلابی لاله‌گون است جبهه بزرگی که برای دفاع از استقلال و آزادی میهن در برابر تهاجم امپریالیسم و مزدورانش گشوده شده سراسر میهن انقلابی را دربر می‌گیرد. انقلاب در کوران مشکلات پیش می‌رود و همزمان با آن امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بر توطئه‌هایش برای نابودی دستاوردهای انقلاب می‌افزاید.

دفاع از انقلاب در مقابل توطئه‌های امپریالیسم، مستلزم تامین حقوق اجتماعی و آزادی‌های دموکراتیک تصریح شده در قانون اساسی ایران است. علیرغم دستاوردهای ارزشمندی که انقلاب ایران با خردکردن دستگاه سلطنت و پیروزی‌هایی که در زمینه تامین حقوق اجتماعی مردم بدست آورده است مشکلات فراوانی بر سر راه انقلاب قرار دارد یکی از این مشکلات مسأله تامین حقوق خلق کرد است که در سومین سال انقلاب همچنان لاینحل مانده است.

نگاهی به وقایع کردستان در سال گذشته بخصوص بررسی مواضع نیروهای درگیر در منطقه می‌تواند نیروهای مومن به انقلاب را در جهت حل اصولی مشکل کردستان یاری رساند.

الف - موضع دولت جمهوری اسلامی در مسئله کردستان

آغاز سال ۵۹ همزمان بود با تشدید درگیری‌ها در کردستان، دولت جمهوری اسلامی که بر تعداد زیادی از شهرهای کردستان کنترلی نداشت، با اعزام واحدهای نظامی سعی در بدست گرفتن کنترل این شهرها نمود. درگیری واحدهای ارتش و سپاه پاسداران با گروه‌های مسلح از گامیاران آغاز شد، در سنج و بانه به اوج خود رسید و سپس به سراسر منطقه گسترش یافت.

درگیری‌های سنج و بانه بسیار خونین و سخت بود. گروه‌های مسلح در سنج تصمیم داشتند حاکمیت خود را حفظ کنند. جنگی در شهر آغاز گردید که نتیجه آن خرابی وسیع اماکن عمومی و شهادت صدها تن از مردم بیگناه بود. پس از تصرف سنج و بانه توسط ارتش و سپاه، جو بسیار خشونت‌آمیزی بر شهر حاکم شد. تعداد زیادی از مردم بی‌مورد دستگیر شدند و برخی افراد که در هیچ درگیری شرکت نداشتند توسط دادگاه انقلاب محکوم به اعدام شدند و یا به زندان‌های سنگین محکوم گردیدند. وجود پیشمرگان مسلمان کرد که عناصر لومپن و عناصر مزدور رژیم سابق در میان آنها به فراوانی یافت می‌شود در دامن زدن به خشونت‌ها و انتقام‌جویی نقش بزرگی داشت. در ماه‌های

بعد تشکیلات پیشمرگان مسلمان در سنج که عناصر طرفدار "احمد مفتی‌زاده" در آن دست به تشکیل جریانی تروریستی زده بودند توسط سپاه پاسداران منحل اعلام شد و باقیمانده آن تحت فرماندهی سپاه قرار گرفت. همچنین بسیاری از احکام صادر شده از جانب دادگاه انقلاب ملغی اعلام شد! سیاست استفاده از عناصر مشکوک و ضدانقلابی که اغلب به دنبال انتقام‌جویی و تامین منافع فردی خود می‌باشند، مردم سنج و سایر شهرهای جنگ‌زده کردستان را که از گروه‌های مسلح ناراضی بودند، نسبت به سیاست دولت جمهوری اسلامی همچنان در بدبینی باقی گذاشت و از این طریق راه را برای عوام‌فریبی و تشدید تهاجمات توسط گروه‌های مسلح باز گذاشت. سیاست مسلح کردن فتوادل‌ها از جانب حاکمیت در گذشته که البته عمدتاً توسط دولت موقت صورت گرفته بود و سپردن مسئولیت به عناصر مشکوک و وابسته به رژیم سابق در منطقه و فجایی که این عناصر با دست‌زدن به قتل عام مردم ببار آوردند نظیر فاجعه قتل‌عام مردم بیگناه روستاهای "ایندرقاش" "سروگانی" و "صوفیان" و... که توسط باند "معبودی" و "قطاری" و با پشتیبانی "ملاحسنی" صورت گرفت، هیچگاه فراموش نخواهد شد. متأسفانه دولت جمهوری اسلامی تاکنون سیاست قاطعی جهت جلوگیری از اینگونه فجایع اتخاذ نکرده است و علیرغم انجام اقداماتی در این زمینه و از جمله افشاکاری در مورد افرادی نظیر "معبودی" و "قطاری" و "محرر" همچنان "ملاحسنی" را که در طی دو سال گذشته پشتیبان اعمال این افراد بوده و خود نیز در آنها شرکت داشته از تعقیب و مجازات مصون نگاه داشته است. به دستور "ملاحسنی" در سال گذشته تعدادی از افراد دستگیر شده در ارومیه اعدام شدند. در بیان آنها افرادی بودند که حتی در هیچ‌گونه درگیری مسلحانه شرکت نداشتند. رفقای "ملاحسنی" در سال "فیروز صدیقی"، "منصور خسروی" و "فخری شیدایی" که بدون محاکمه به دستور "ملاحسنی" تیرباران شدند از آن جمله‌اند. دو نفر دیگر از رفقای ما، رفقا "علیرضا شگری افشار" و "نامجو برنجی" نیز در تبریز به‌نحو ناجوانمردانه‌ای تیرباران شدند. پرونده این قبیل جنایات هیچگاه بسته نخواهد شد. هنوز هم "ملاحسنی" همچنان به صورت یکی از عوامل ایجاد تشنج و تفرقه در آذربایجان غربی باقی مانده است. منطقه‌ای که برای مبارزه با گسترش فعالیت باندهای ضدانقلابی بیش از هر زمان نیاز به مسئولین انقلابی و واقع‌بین دارد.

علاوه بر این در جریان تصرف شهرهای کردستان توسط ارتش و سپاه و یا درگیری‌های ماه‌های اخیر همواره شاهد بوده‌ایم که نیروهای دولتی برای بیرون راندن افراد مسلح از شهرها و روستاها سیاست خمپاره‌اندازی به شهرها،

بمباران روستاها و قطع خواروبار مردم را دنبال کرده‌اند. اعمال فشار بر مردم به خاطر کسب پیروزی نظامی، اغلب باعث سلب اعتماد بیشتر مردم نسبت به دولت در کردستان گردیده است اینگونه برخورد ناشی از انحصارطلبی‌های سیاسی و تنگ‌نظری‌های دولت جمهوری اسلامی، ناشی از سیاستی است که ابعاد تاریخی مسئله ملی در کردستان را نشان داده و بدین خاطر عوض اتخاذ سیاستی ناظر بر جلب حمایت مردم و جلب اعتماد آنها که باید اساس سیاست دولت باشد حل مشکل کردستان را تنها در میادین جنگ جستجو می‌کند. بدون تجدیدنظر در این سیاست یعنی انتقال صحنه اصلی نبرد به تامین حقوق ملی خلق کرد، انزوا و نابودی ضدانقلاب به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در تعقیب همین سیاست در سال گذشته دولت، کردستان را در محاصره اقتصادی قرار داد و راه ورود مایحتاج زندگی مردم را به بهانه‌ای که گروه‌ها از این امکانات استفاده می‌کنند، بست. طبیعی است که با این سیاست قربانی اصلی، توده‌های زحمتکش مردم کردستان می‌باشند. این سیاست به‌ویژه در مناطق مرزی موجب شده است که مردم برای تامین احتیاجات خود به شهرها و روستاهای عراق روی آورند باندهای ضدانقلابی نیز از این مسأله برای موجه جلوه دادن وابستگی خود به رژیم عراق و دیگر رژیم‌های ارتجاعی استفاده می‌کنند. محاصره اقتصادی تعدادی از شهرها و بیشتر روستاهای کردستان هنوز هم ادامه دارد و مردم این مناطق در وضع فلاکت‌باری بسر می‌برند. انحلال آموزش و پرورش در شهرهای جنوبی کردستان، اخراج صدها معلم و کارمند و قطع حقوق کارکنان دولت در بعضی شهرها نیز آشکارا گرایش‌ها ضد جمهوری اسلامی را در سال گذشته دامن زد.

در طول سال گذشته فشارهایی که بر مردم کردستان وارد آمد که متأسفانه هنوز هم کم و بیش اعمال می‌گردد غیر قابل وصف بود. مردم کردستان قربانیان جنگی شدند که هرگز نه خواستار آن بودند و نه موافق ادامه آن.

در سال گذشته علیرغم انشعاب پیروان کنگره چهارم از باند قاسملو و تغییر سیاست سازمان ما در کردستان نسبت به دولت جمهوری اسلامی و خارج شدن از درگیری‌های منطقه دولت همچنان سیاست تحت فشار گذاشتن و بی‌اعتمادی به آنها را ادامه داد. و این در حالی است که با توجه به فعالیت گسترده ضدانقلاب در کردستان دولت باید از تمام نیروهایی که مدافع انقلاب بوده و از حل صلح‌آمیز مسأله کردستان دفاع می‌کنند، مجدانه حمایت نماید. برخورد قسری و انحصارطلبانه در قبال معضلاتی که حل آنها مستلزم بیشترین اتحاد عمل و همکاری میان نیروهای مدافع انقلاب است تاکنون لطمات شدیدی به انقلاب

بقیه در صفحه ۱۷

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

بقیه از صفحه ۱۶

خواست‌های...

وارد ساخته است .

رئیس جمهور بنی‌صدر در طول یک سال گذشته همواره به گونه‌ای با مساله کردستان برخورد کرده که هرگاه نیروهای دولتی در کردستان به پیروزی نظامی برسند آن را به حساب خود و اگر شکست بخورند آن را به گردن جناح‌های مخالف خود در حکومت بیاندازد . طبیعی است این سیاست به جای اینکه سعی در حل مشکل کردستان و پایان دادن به درگیری‌ها در این منطقه به نفع انقلاب ایران داشته باشد ، مینتی بر استفاده از آن برای تصفیه حساب‌های شخصی و گروهی است . در خارج از حکومت نیز مجاهدین خلق با انتشار مصاحبه قاسملو و تکذیب‌نامه وابستگی وی به رژیم صدام ! متاسفانه به دفاع از سیاست روزنامه انقلاب اسلامی برخاستند .

ماه‌های آخر سال ۵۹ مضادف بود با ایجاد چشم‌اندازی جدید در موضع خط‌امام نسبت به مساله کردستان ، هیات‌های هفت نفره در منطقه دیواندره و سنندج با مصادره اراضی تعدادی از بزرگ‌مالکان و خلع سلاح و دستگیری آنها توسط سپاه پاسداران ، گام مثبتی در تامین حقوق زحمتکشان برداشتند . در سنندج تشکیلات پیشمرگان مسلمان کرد تا حدودی از وجود عناصر مشکوک و مزدوران که یکی از عوامل تشدید ناراضی‌ت مردم بودند ، تصفیه شد . نسبت به احکام بی‌رویه دادگاه‌ها تجدید نظر به عمل آمد و تعدادی از زندانیان در شهرهای سنندج ، بانه و مریوان آزاد شدند . همچنین دبستان‌ها در مناطقی که از آرامش نسبی برخوردار بودند گشوده شد . و جریان دستگیری و محاکمه بی‌رویه افراد تا حدود زیادی متوقف گردید . روزنامه جمهوری اسلامی اقدام به درج مقالاتی در مورد فعالیت باندهای ضدانقلابی در آذربایجان غربی نمود . در این مقالات ضمن انتقاد به سیاست مسلح کردن فتوادل‌ها و خوانین از ماهیت ضدانقلابی افرادی چون " معبودی " " قطاری " و " محرر " و حمایت " ملاحسنی " امام جمعه ارومیه از آنها صحبت شده بود . که متاسفانه در شماره‌های بعد به واسطه اقدامات " ملاحسنی " و هواداران ذی‌نفوذ وی در حکومت ، روزنامه جمهوری اسلامی " ملاحسنی " را به نحوی تیرئه نمود و اعمال صورت گرفته از جانب وی را حمل به ندانم‌کاری و اشتباه همراه با حسن نیت نمود .

اول بهمن ۵۹ پیام عفو آیت‌الله‌خمينی خطاب به گروه‌های درگیر در کردستان صادر شد در این پیام آیت‌الله‌خمينی همه نیروها را دعوت به آشتی و برادری علیه دشمن مشترک نمود . این پیام گامی مهم و مثبت جهت پایان بخشیدن به مخاصمات موجود بشمار می‌رفت در همان زمان سازمان و شاخه کردستان طی اطلاعیه‌هایی پشتیبانی کامل خود را از مضمون پیام امام " امام " اعلام کردند . پس از این پیام در شهرهای مختلف کردستان تعداد زیادی از افراد وابسته به گروه‌های مسلح به زندگی عادی خود بازگشتند ، و بسیاری از افراد بازداشت شده نیز آزاد شدند . اواخر اسفند ۵۹ هیئتی از جانب دولت به سرپرستی آیت‌اله اشراقی برای بررسی مسایل کردستان عازم ارومیه شد . ما از گرایش‌های اخیر دولت‌دایر بر توجه به

مسئله کردستان حمایت می‌کنیم و امیدواریم که اقدامات آغاز شده با تامین حقوق عادلانه مردم کردستان در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران به جنگ و خونریزی در منطقه پایان بخشد .

ب - حزب دموکرات کردستان ایران

بررسی موضع حزب دموکرات درقبال مسائل کردستان بدون توجه به تحولات صورت گرفته در درون حزب طی سال گذشته قابل طرح نیست کنگره چهارم حزب دموکرات در اوایل اسفند ۵۸ تشکیل شد . برگزاری این کنگره که در آن موضعی ترقی‌خواهانه در مقابل انقلاب ایران اتخاذ گردید و بر حل مسالمت‌آمیز مساله کردستان در چهارچوب تمامیت ارضی و استقلال ایران تاکید شد رویدادی مهم در حیات ۳۵ ساله حزب دموکرات بشمار می‌رفت .

کنگره چهارم نقطه تظاهر دوشمی ، دو برخورد کاملاً متفاوت نسبت به انقلاب ایران و تمام صحنه‌سازی‌ها و پشت هم اندازی‌های قاسملو و همفکرانش برای کاملاً غالب گردانیدن خط خود یا در اقلیت محض قرار دادن پیروان خط دیگر بود ، خطی که کاملاً جدا از موضع قاسملو و همفکرانش در برابر انقلاب ایران ، مرحله مبارزه ، بافت سازمانی و ایدئولوژیکی حزب و وظایف ما به عنوان بخشی از نیروهای دموکراتیک ایران شکل گرفته بود . . . در کنگره با حضور صداهای تن شرکت‌کننده برای اولین بار از ماهیت انحرافی خط مشی قاسملو و همفکرانش و از خطرات آینده پیروی از چنین مشی نادرستی بحث جدی به میان آمد و در میان چار و جنجال و عربده طرفداران سینه چاک وی اعلام گردید که این مشی انحرافی نه تنها مطابق با برنامه حزب و سنن مترقی آن ، نه تنها در جهت تحکیم انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران نیست بلکه درست در جهت عکس آن سیر می‌کند و سر از آستان‌پوسی امپریالیسم و دستیاران منطقه‌ایش در می‌آورد . کنگره با همه کمبودهایش برنامه و اساسنامه‌ای را تصویب کرد که تا حدود زیادی جوابگوی مرحله فعلی مبارزه است . *

پس از کنگره روشن شد که تایید ظاهری این برنامه از جانب گروه قاسملو چیزی جز عوام‌فریبی نبوده و آنها در عمل به برنامه مصوبه کنگره چهارم وفادار نیستند . این امر اختلاف در رهبری حزب را دامن زد و سرانجام بخشی از رهبری حزب که قاسملو و همفکرانش را به پشت پا زدن و خیانت به مصوبات کنگره چهارم و آرمان حزب دموکرات کردستان ایران ، به عنوان جریان ترقی‌خواه و ضدامپریالیست و مدافع انقلاب ایران متهم می‌کرد در ۲۵ خرداد ۵۹ تحت عنوان حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) اعلام موجودیت کرد . باند قاسملو با استفاده از جو ناسیونالیستی

تلاش نمود
پیروان کنگره چهارم را در انظار مردم بی‌اعتبار ساخته و آنها را منزوی نماید . آنها در این منظور خود موقتاً پیروز شدند . ولی سیر حوادث طی سال گذشته در جهت اثبات حقایق تاریخی نظرات حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) در مقابل باند قاسملو بوده است این امر تا حدودی به افراد باند قاسملو در میان مردم کردستان کمک کرده است ، تا جایی که آنها برای اعمال اراده و نیات خود به مردم بیش از گذشته از حربه زور و سرکوب استفاده می‌نمایند پس از اعلام موجودیت حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) باند قاسملو که ظاهراً موانع اعمال سیاست‌های

ارتجاعی خود را برطرف شده یافته بود ، هرچه بیشتر عناصر مخالف خود را تصفیه نمود و به جای آنها افراد طرفدار خود را از میان فتوادل‌ها و افراد ضدانقلابی و عناصر وابسته به رژیم صدام در مسئولیت‌های حساس قرار داد و همزمان با آن روابط باند قاسملو با رژیم ارتجاعی عراق و محافل ضدانقلابی در داخل و خارج از کشور و بویژه با آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام به ایران دیگر به صورت یک امر عادی و پیش‌پا افتاده درآمد در هنگام جنگ اول کردستان با صدام تکرینی ملاقاتی صورت گرفت و طی این ملاقات و ملاقات‌های بعدی ، قاسملو قول همکاری‌های موثر را به رژیم بعث عراق داده بود از جمله اینکه :

" ۱ - جنگ با رژیم خمینی را ادامه دهد .
۲ - در داخل سازمان سیاسی و تشکیلات باند قاسملو نمایندگانی از جانب رژیم صدام وجود داشته باشند .
۳ - نگهداری از مرزها به وسیله باند قاسملو صورت گیرد .

۴ - باند قاسملو متعهد شود که در مقابل گروه‌های سیاسی مخالف رژیم صدام موضع قاطع اعلام نماید .

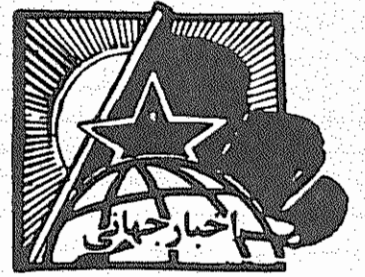
با آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام به ایران باند قاسملو به‌همنوایی ، هم‌پایی و همکاری هرچه بیشتر با این رژیم پرداخت و عملیات نظامی علیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مستقر در کردستان را تشدید نمود ، قاسملو که همچون اربابانش تصور می‌کرد مردم ایران ظرف مدت کوتاهی به زانو در خواهند آمد و رژیم جمهوری اسلامی ایران سقوط خواهد کرد ، طی سیاهی‌های مزورانه اعلام کرد که اگر دولت ایران خودمختاری کردستان را به رسمیت بشناسد حاضر است عملیات علیه جمهوری اسلامی را متوقف کرده و با دولت عراق درگیر شود ! مسلماً باند قاسملو با اطمینان از این مساله که رژیم ایران مدت زیادی نخواهد توانست در برابر حملات ارتش صدام مقاومت کند چنین بیانه‌ای را صادر کرده است . وگرنه چگونه ممکن است باند قاسملو که خود کارگزار صدام و هماهنگ کننده حرکات ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی در کردستان است با دولت عراق وارد نبرد شود ؟ !

در اواخر اسفند ۵۹ بخش دیگری از رهبری و مسئولین که در ماه‌های گذشته به ماهیت واقعی باند قاسملو پی برده بودند تصمیم به انشعاب گرفتند . آنها با سرکوب خشن از جانب باند قاسملو مواجه گردیدند که در نتیجه توطئه‌های علیه آنها ترتیب داده شده بود تعداد زیادی از آنها دستگیر و زندانی شدند و تعدادی دیگر که از مهلکه جان به سلامت برده بودند جدایی کامل خود را از باند قاسملو اعلام کردند . آنها اعلام کرده‌اند که به حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) می‌پیوندند .

بدون شک سیاست ارتجاعی باند قاسملو که در مقابل انقلاب ایران و علیه مصالح خلق کرد سمت‌گیری نموده ، هر روز با شکست‌های بیشتری مواجه خواهد گردید . و آرمان مترقی و انسانی قاضی محمد و سایر شهدای حزب دموکرات کردستان ایران درمبارزه با خیانتکاران پیروز خواهد شد .

ادامه دارد

* - نقل از کوردستان - ارگان کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) شماره ۲۰ چهارم اسفند ماه ۵۹



بقیه از صفحه ۸

برنامه دولت انقلابی دمکراتیک

السالوادور

قدرت رسیده و برخلاف خواست مردم السالوادور به مدت پنجاه سال بر آنان تحمیل شده است. نابود ساختن ماشین سیاسی - نظامی جنایتکار آن و برقراری یک دولت انقلابی دمکراتیک بر پایه وحدت نیروهای انقلابی و دمکراتیک در ارتش توده‌ای و در میان خلق السالوادور.

۲- پایان دادن به قدرت و سلطه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ.

۳- نابودی کامل وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورمان به امپریالیسم ایالات متحده.

۴- تضمین آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک برای تمام خلق بخصوص توده‌های کارگر که کمتر از همه از آن برخوردار بوده‌اند.

۵- بازگرداندن ابزار اساسی تولید و توزیع که امروزه در تملک و کنترل الیگارش‌ها و انحصارات ایالات متحده قرار دارند. زمین زمینداران بزرگ شرکت‌های تولید و توزیع برق، پالایشگاه‌های نفت، انحصارات صنعتی، بارزگانی و خدمات، تجارت خارجی، بانک‌ها و مجتمع‌های عظیم حمل و نقل به مردم از طریق ملی‌کردن و ایجاد بنگاه‌های اجتماعی و جمعی. این برنامه شامل صاحبان صنایع کوچک و متوسط نبوده و به همه اشکال از طرف بخش‌های مختلف اقتصادی مورد حمایت قرار خواهند گرفت.

۶- بالابردن سطح مادی و فرهنگی در زندگی توده‌ها.

۷- ایجاد یک ارتش جدید در کشورمان که از درون ارتش توده‌ای که در روند انقلابی ساخته می‌شود و عناصر پاک، میهن پرست و با ارزش ارتش فعلی می‌توانند به آن بپیوندند، شکل می‌گیرد.

۸- تشویق سازمان‌های خلقی در همه سطوح، بخش‌ها و به همه اشکال برای تضمین شرکت فعال خلاق و دمکراتیک آنها در روند انقلابی و ایجاد نزدیک‌ترین روابط بین خلق و دولت.

۹- پایه‌گذاری سیاست خارجی و روابط بین - المللی کشورمان بر اصول استقلال و حق حاکمیت، همبستگی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، برابری حقوق و احترام متقابل در میان دولت‌ها.

۱۰- همراه با این، تأمین صلح، آزادی، رفاه اجتماعی مردم و ترقی اجتماعی در کشور ما به وجود خواهد آمد.

دولت انقلابی دمکراتیک

ترکیب آن و برنامه تحولات سیاسی، ساختاری و اجتماعی

دولت انقلابی دمکراتیک از نمایندگان جنبش‌های انقلابی و خلقی، احزاب دمکراتیک، سازمان‌ها، گروه‌ها و افرادی که تمایل به شرکت در اجرای برنامه‌های مصرح در کارپایه کنونی را دارند، تشکیل خواهد شد.

این دولت عمدتاً برپایه اجتماعی، سیاسی و وسیعی که از طبقه کارگر، دهقانان و اقشار میانی پیشرو تشکیل می‌شود، استوار خواهد بود. تمام اقشاری که با پیشبرد برنامه کنونی موافق‌اند، با این طبقات پیوند نزدیکی دارند که شامل:

سرمایه‌داران کوچک و متوسط صنعتی، تجار، صنعتگران و مزرعه‌داران کوچک می‌باشد. این دولت همچنین آن دسته از متخصصین، روحانیون مترقی و احزاب دمکراتیک صادق همانند جنبش انقلابی ملی، بخش‌های پیشرو دمکرات مسیحی‌ها و افسران صادق و با ارزش ارتش را که حاضر به خدمت در جهت منافع مردم باشند و تمام جناح‌ها، گروه‌ها و عناصری که در انتظار دمکراسی واقعی برای مردم، رشد مستقل و رهایی مردم می‌باشند، در برخواهد گرفت.

تمامی این نیروها در حال حاضر در اتحادی دمکراتیک و انقلابی که در آن ایدئولوژی‌های سیاسی و مذهبی هرکس مورد احترام می‌باشد گرد هم می‌آیند. شکل ارگانیک این اتحاد داوطلبانه در خدمت مردم السالوادور، نتیجه توافق تمام کسانی است که آن را تشکیل می‌دهند.

برنامه سپس برنامه‌های دولت انقلابی در سه زمینه "اقدامات فوری سیاسی"، "تحولات ساختاری" و "اقدامات اجتماعی" را برشمرده و چنین ادامه می‌دهد:

نیروهای خلقی و دمکراتیک متفقا بر این نظرند که فقط با تحقق اقدامات مصرح در این کارپایه است که بحران عمیق سیاسی و ساختاری کشور ما می‌تواند در جهت منافع مردم السالوادور حل شود.

تنها الیگارش‌ها، امپریالیسم امریکای شمالی و کسانی که به منافع ضدمیهنی خدمت می‌کنند مخالف این تغییرات بوده و علیه این تحولات توطئه‌چینی می‌کنند. از ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ احزاب و گروه‌های گوناگون موجود در حکومت تلاش بیهوده‌ای را برای انجام بخش اعظمی از اقداماتی که ما مطرح کرده‌ایم، به عمل می‌آورند بدون آنکه ابتدا حکومت کهن ارتجاعی و قدرت سرکوبگر سرنگون گردد و قدرت خلقی و انقلابی واقعی برقرار شود. این تجربه به روشنی نمایانگر آن است که این تحول تنها به وسیله جنبش متحد انقلابی در اتحاد با تمام نیروهای دمکراتیک می‌تواند انجام پذیرد.

لحظه این پیروزی رهایی بخش که مردم السالوادور برای آن پیکار کرده‌اند و قهرمانانه خون‌های زیادی را در راه آن نثار کرده‌اند، فرا می‌رسد. هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند از فرا رسیدن آن جلوگیری کند.

برای اتحاد نیروهای انقلابی و دمکراتیک پیش به سوی دولت انقلابی دمکراتیک

شورای هماهنگی انقلابی توده‌ای
خوان چاکون، جولیس فلورس
بلوک انقلابی خلق (BPR)

هکتور سینوس، خوزه ناپلئون، رودریگز روبیز
جبهه متحد عمل خلقی (FAPU)

لئونوس ویویشتنه
اتحادیه خلقی (LP-28)

مانوئل فرانکو
اتحادیه دمکراتیک ملی (UDN)

سان سالوادور، السالوادور، امریکای مرکزی
۲۳ فوریه ۱۹۸۰

سخنی پیرامون دادگاه امیرانتظام معاون نخست وزیر دولت موقت :

مردم رأی محکومیت امیرانتظام را صادر کرده اند

های و هوی لیبرالها، سر و صدای تهوع آور روزنامه میزان ارگان رسمی این آقایان و اعلام پذیرش وکالت این جاسوس از سوی برخی "حقوقدانان" لیبرال و یا به سازش رسیده با سازشکاران لیبرال، هیچکدام نمی تواند بر قانونیت و اعتبار این اسناد کوچکترین لطمه ای وارد آورد. رای دادگاه که اکنون به دلایل ناموجهی به تعویق افتاده هرچه باشد رای خلق ما را در مورد سیاست گام به گام و مجریان آن، من جمله امیرانتظام تغییر نخواهد داد. خلق ما با استقبال زایدالوصف از افشاکری های دانشجویان خط امام با طرد و نفی سازشها و سازشکاران رای خود را دیری است اعلام کرده است و اکنون این دادگاه امیر انتظام است که در مقابل محکمه توده ها آزمایش خود را بازپس می دهد.

می کند، اگر امروز مردم می دانند که دست خونبار آمریکا در پشت همه توطئه ها و دسیسه هاست، اگر از نظر مردم سازش با آمریکا مستوجب بزرگترین مجازاتها و پیگیردهاست تا حدود زیادی نتیجه روز خجسته ای است که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سنگر سرکرده ضدانقلاب جهانی را در تهران فتح کردند و اسناد خیانت و سازش دولتمردان کابینه بازرگان و من جمله عباس امیرانتظام را در برابر دیدگان مردم گرفتند. محاکمه امیرانتظام باید این اقدام و ثمرات درخشان آن را چون مردمک چشم پاس دارد. این دادگاه باید بداند که تیرکه امیرانتظام از اتهاماتی که در عمل به ثبوت رسیده است چیزی جز عقبگرد و بازپس گرفتن دستاوردهای اشغال سفارت نیست. اسناد ومدارک به دست آمده در سفارت آمریکا با تاریخ مبارزات مردم ما پیوند خورده و قانونیت و اعتبار مردمی یافته است.

وقتی با امریکای جنایتکاری که همه خرابی هاودر بدری های دیروز و امروز مردم ایران را سبب شده است همانگونه برخورد می شود که با یک کشور کوچک تک افتاده پراهمیت تر محاکمه سیاست و

جنبه های قضایی و حقوقی اش و به غیر از جزایی که می بایستی کف دست امیر انتظام به عنوان یک فرد بگذارد، از جهتی به مراتب پراهمیت تر محاکمه سیاست و

می گویند عباس امیرانتظام معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت موقت مجرم نیست! می گویند او کاری جز رد و بدل و "مبادله اطلاعات" نکرده است! می گویند تماس های او با سفارت آمریکا و مقامات آن در چهارچوب عرف دیپلماتیک رایج بین مقامات دو کشور بوده است! می گویند اسناد به دست آمده در جاسوسخانه جعلی و کار "فاسقین" است و هیچگونه ارزش قانونی ندارد و بالاخره می گویند عباس امیر انتظام هدفی جز خدمت به انقلاب و ملت نداشته است!

تنها بر بستر سیاست عفونت زده و جاسوس خیز لیبرالی است که قارچ هایی چون امیرانتظام ها رشد می کنند و اگر دست انقلاب آنها را نروید، زهر سازش و تسلیم را به گام انقلاب می ریزند.

افریقائی، وقتی با دشمن اصلی انقلاب همان رفتاری را می کنند که گوئی این آمریکا نبود که شاه و رژیم سفاکش را سالها بر مقدرات مردم آب و خاک مسلط کرده بود آن وقت طبیعی خواهد بود که "بهبود روابط با آمریکا" در دستور کار قرار گیرد و در این راه از بدل هرگونه کوششی فروگذار نشود.

منطق دولت موقت است. این لیبرالیسم و سازشکاری است که باید به پشت میز دادگاه کشیده شود و دوستی و مامشات با امریکاست که باید مجازات شود. شرح تلاش های ضدانقلابی و سازش های پشت پرده دولت موقت و زبان هایی که عملکرد کابینه لیبرالها به انقلاب و مردم ایران وارد کرده است برگسی پوشیده نیست. دولتی که دست اندرکارانش چهره های "درخشانی" چون امیرانتظام، نژی و ایزدی بوده اند، سیاستی که عناصری این چنین مشعشع را در دامن خود می پرورد و سکان رهبری انقلابی به دست آنها می سپارد از نظر خلقی که انقلاب کرده است جایی جز پای میز محاکمه و بازپرسی ندارد. امیرانتظام پرورنده این سیاست و این مشی سازشکارانه است. او کسی است که به گفته خودش حدود ۳۵ سال است بسا شخصیت های موثر نهضت آزادی در تماس بوده و با آنها رفت و آمد داشته است. بهبوده نیست که بازرگان اعتراف می کند که "اگر جرم یا خیانتی است بنده باید به دادگاه بیایم نه امیرانتظام"

حقیقت این است که مدهشتر و رسواتر از این نمی توان دروغ گفت. دولتی که به همت فداکاری ها و جان فشانی های طولانی و خونین خلقی رنج دیده به قدرت می رسد و مسئول و موظف می شود که به اعتبار نفس موجودیتش با دشمن مردم دشمنی که همان خلق و مردم بر علیه آن شوریده اند، بستیزد، عناصری را در راس امور می نشاند که نه تنها به مأموریت خود گردن نمی نهند بلکه برعکس وارد روابط گسترده، مبادله اطلاعات و تبادل نظرهای آن چنانی با همان دشمن می شوند و وقتی به همت همان مردم مشتشان باز می شود، از همان مردم طلبکار هم می شوند و به آنها می گویند ما برای خیر و سعادت شما با دشمن شما طرح دوستی ریخته ایم!! این است منطق خیانت پیشگی لیبرالها. داستان محاکمه امیرانتظام اینگونه است و اهمیت این محاکمه نیز دقیقا به علت آن است که محکمه ای که این فرد را به پرسش در برابر مردم کشانده است می بایستی تکلیف این دورویی ها و خیانتها را تعیین کند. محاکمه امیرانتظام به جز



صحنه ای از اجتماع پرشکوه زحمتکشان و هواداران سازمان در گرنده غرب. این اجتماع مربوط به سومین سالگرد انقلاب است.

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان مالاله گون است

۴ رفیق فدائی در جبهه جنوب به شهادت رسیدند

★ سنگرهای خونین جنوب و جنوب غربی کشورمان همچنان شاهد مقاومت شورانگیز و قهرمانانه مردان و زنانی است که مصمم هستند با بذل جان و مال خود حافظ استقلال میهن باشند و رفقای ما در دفاع از آرمان انقلابی طبقه کارگر ایران پیشتازان این راه پرشکوه هستند.

آذین بند این شماره گار یادنامه رفقای شهید افراسیاب (ژوبین) سلیمانی، سیدرضا طالب موسوی، عباس دبه دار و حسین دبه دار می باشد.

گرسنگی، بی خوابی و سایر رنجها و محرومیت هایی که جامعه سرمایه داری برای او و خانواده اش به ارمغان آورده بود، شخصیت جوان او را جلا داد و از او مردی برای مبارزه و استقامت و کوشش برای تغییر ساخت. رفیق در مدت کار در کارخانه بارها با کارفرمایان به مبارزه برخاست که به همین دلیل از کارخانه اخراج گردید و پس از مدتی بیکاری به دلیل اینکه در مدت اشتغال به کار توانسته بود تحصیلات متوسطه را به پایان برساند به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در سمت معلمی نیز به انجام وظایف انقلابی خود از طریق آموزش به دانش آموزان پرداخت که به این دلیل نیز دو بار از طرف مسئولین انحصارطلب و قشری اخراج گردید و هربار به دنبال اعتراض دانش آموزانش به سر کار برگردانده شد.

رفیق رضا به همراه رفقا

فدائیان شهید رفقا سید رضا طالب موسوی، عباس دبه دار و حسین دبه دار مردانی از تبار رنج و کار که استواری و استقامت را از زندگی سخت و رنج بار خود و سایر زحمتکشان آموختند و چراغ فروزان مارکسیسم را فراره خود افروختند و با عزمی راسخ در راه آرمان انقلابی طبقه کارگر به مبارزه برخاستند.

رفیق سیدرضا موسوی در شهر شوش در خانواده ای زحمتکش و محروم دیده بر جهانی گشود که یک وجه آن استعمار وحشیانه سرمایه داران و امپریالیستها

و وجه دیگر آن مبارزه پرشکوه و بی امان زحمتکشان و خلقهای جهان بود.

رفیق تازه تحصیلات ابتدائی را به پایان برده بود که به علت فقر و وضعیت مشقت بار خانواده، فضای شاد و پرهیله مدرسه را با محیط کارخانه عوض کرد و به صورت کارگر روزمزد در کارخانه هفت تپه مشغول کار شد و بار سنگین بهره کشی را بر شانه های کوچکش احساس کرد.

علاقه زیادی که به تحصیل داشت، او را واداشت که در کلاس های شبانه به تحصیل ادامه دهد. خستگی،

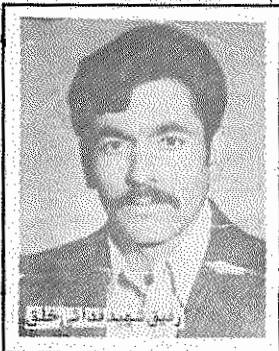
در این زمانه بسا کس که سر بخشد ولی نه چون تو که سر به رنج بر بخشد
قسم به خون تو گاندر زمین آزادی
شهادت تو بود دانه و ثمر بخشد
در انقلاب جهان مرگ پرشهادت تو
به فوج کارگر و رنجبر ظفر بخشد
"لاهوتی"

حسین دبه دار و عباس دبه دار فعالیت وسیعی در جهت آگاه کردن و سازمان دادن جوانان محله داشتند و در برپایی نمایشگاه های افشاگرانه از طرف هواداران سازمان در شوش شرکت فعال می نمودند.

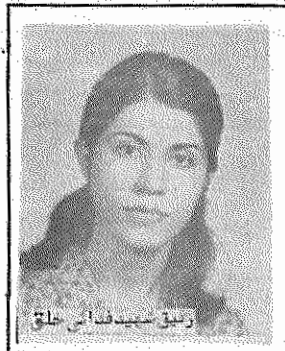
با آغاز جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه رژیم ضد مردمی صدام، رفقا سیدرضا طالب موسوی و عباس دبه دار و حسین دبه دار وسیعا به انجام کارهای پشت جبهه و افشای جنایات صدام و توطئه های امپریالیسم امریکا و سازماندهی مردم برای کمک رسانی به جبهه و جنگ زدگان پرداختند تا سرانجام در حمله هوایی ارتش مزدور عراق به شوشتر و بمباران تاسیسات صنعتی - نظامی و مناطق مسکونی هر سه رفیق در حالی که مشغول پاری رسانی به مصدومین بودند به شهادت رسیدند.

ما ضمن گرامی داشت خاطره رفقای شهید سیدرضا طالب موسوی، عباس دبه دار و حسین دبه دار و سایر شهدای راه استقلال و آزادی میهن به عموم رزمندگان و خانواده شهدا درود می فرستیم. بیوگرافی کامل و عکس رفقای شهید به علت وضعیت خاص منطقه به دست ما نرسیده است.

در هر رگ برگ، خون یاران رفته است



★ حسین جهانی



★ پروین رانه نام

به دنبال درخواست کار از اعضا و هواداران سازمان و خانواده شهدا مبنی بر ارسال زندگینامه و عکس رفقای شهیدی که نامشان در لوح تنظیمی مندرج در کار ۹۷ نیامده بود، نامه های متعددی از خانواده ها و رفقا به دست ما رسیده است. در این شماره به لوح شهدای سازمان اسامی رفقای زیر اضافه می شود:

- ✓ فدائی خلق رفیق پروین رانه نام
- ✓ فدائی خلق رفیق بهنام موحد
- ✓ فدائی خلق رفیق کارگر پیشرو حسین جهانی
- ✓ فدائی خلق رفیق پیروز پیراندخ

وظایف انقلابیون را گوشزد می نمود و در تقویت روحیه سایر رزمندگان کوشید.

رفیق در شرایط سخت و طاقت فرسای جبهه با رفتار و روحیه انقلابی خود مبلغ فداکاری و عشق به خلق بود سرانجام در حالیکه با عده ای از همزمانش اقدام به شکستن حلقه محاصره ای که نیروهای خودی در آن قرار گرفته بود، نموده بودند، شهید شد.

زندگی و مرگ رفیق افراسیاب سلیمانی و سایر رفقا و رزمندگان راه استقلال و آزادی میهن نوید فردای روشنی برای زحمتکشان و نسل های آینده کشورمان است که در آن از ستم و ستمگری خبری نیست و آنچه هست صلح و سوسیالیسم، دموکراسی و استقلال ملی است. ما ضمن گرامی داشت خاطره پرشکوه رفیق شهید افراسیاب سلیمانی به خانواده رفیق درود می فرستیم.

آزار و تعقیب قرار گرفت و بازداشت گردید.

رفیق پس از سربازی در کارخانه شیرپاستوریزه تهران ورشت مشغول به کار شد و از نزدیک با دردها و آلام کارگران میهنمان آشنا گشته و شور مبارزاتی نوینی پیدا کرد با شروع تجاوز رژیم ضد مردمی صدام که خود بخشی از توطئه های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب مردم ماست و با فراخوانده شدن افراد منقضی خدمت سال ۵۶ رفیق جزو اولین کسانی بود که آمادگی خود را اعلام نمود و به جبهه اعزام گردید.

در جبهه نیز بدون آنسی غفلت به وظایف انقلابی خود عمل کرد. با خشم و کین با تجاوزگران جنگید و چون یار و یاوری مهربان با همزمانش همدردی کرد و دلایل تجاوز ضد بشری رژیم جنایتکار صدام را افشاء و

★ فدائی شهید رفیق افراسیاب (ژوبین) سلیمانی

رفیق افراسیاب سلیمانی در بهمن ۱۳۳۵ در چالوس به دنیا آمد و پس از مدتی به همراه خانواده اش به تهران رفت. رفیق پس از طی دوره های ابتدائی و دبیرستان وارد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد و بسیار زود در زمره دانشجویان مبارزی که فعالانه برای سرنگونی دیکتاتوری امریکائی شاه می کوشیدند، قرار گرفت پس از اتمام دوره دانشکده به خدمت سربازی رفت و طی پیگیری در مبارزه علیه رژیم ضد خلقی شاه مورد ادیت و

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

برگزاری مراسم بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب

ودهمین سالگرد حماسه سیاهکل در دهلی

فضای نمایشگاه را از نفرت به امپریالیسم امریکا و عشق به مبارزات خلقهای سراسر جهان به ویژه خلق قهرمان ایران سرشار ساختند. مردم دهلی نیز که در نمایشگاه حضور داشتند، با هواداران همکاری می‌کردند و نمایشگاه با پخش سرود "ما پیروز خواهیم شد" پایان یافت. فعالیت هواداران سازمان و تظاهرات ضد امپریالیستی و برگزاری نمایشگاه در تشریات هندوستان به اطلاع مردم صلح‌دوست هندوستان رسید.

همزمان با برگزاری جشن دومین سالگرد انقلاب و نمایشگاه عکس در هندوستان هواداران سازمان در اکثر شهرهای اروپا و امریکا مراسمی برپا کرده و در سطح وسیعی به افشای علیه امپریالیسم و دشمنان انقلاب ایران و همچنین گروه‌های ضد انقلابی که در زیر سایه و حمایت امپریالیسم در کشورهای اروپائی و در امریکا به فعالیت برای سرنگونی حکومت ملی ایران مشغولند پرداختند و توانستند چهره واقعی آنان را به نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه کشورهای اروپائی و امریکائی بهتر بشناسانند. همچنین آنها با کوشش و جدیت مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان و تحولات درونی سازمان را در سطح وسیعی تبلیغ نمودند.

همچنین نشان‌دهنده جنایات امپریالیسم امریکا و جنایات رژیم صدام، گشتار وحشیانه توده‌های زحمتکش میهن ما به دست مزدوران ارتش حکومت بعث بود.

هواداران با نوشتن شعارهای ضد امپریالیستی، نمایشگاه عکس را تزئین کرده بودند. این نمایشگاه مورد استقبال نیروهای صلح‌دوست و ترقیخواه واقع شد.

برگزاری این نمایشگاه به مردم زحمتکش دهلی کمک کرد تا چهره‌گریبه حکومت ضد مردمی صدام و همینطور چهره پلید امپریالیسم را بشناسند.

برگزاری جشن به مناسبت دومین سالگرد انقلاب و برگزاری نمایشگاه عکس از سوی هواداران پرشور و مبارز سازمان نشان‌دهنده این امر است که هواداران سازمان در هر کجا که باشند لحظه‌ای از مبارزه علیه امپریالیسم و افشای چهره جنایتکاران جهانی غافل نیستند و از این طریق دشمنان خلقهای ایران و جهان را به دیگر خلقها نشان می‌دهند.

در پایان نمایشگاه، هواداران در مقابل کتابخانه اجتماع کرده و با شعارهای "مرگ بر امریکا"، "مرگ بر رژیم صدام"، "صلح، صلح" در منطقه، "مرگ بر امریکا" و "اتحاد مبارزه پیروزی"



ادامه مبارزه با امپریالیسم و وحدت تمام نیروهای ضد امپریالیست تاکید کرد. سخنران، پشتیبانی تمام دانشجویان ترقیخواه و صلح‌دوست و ضد امپریالیست را از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران اعلام داشت.

در فاصله سخنرانی‌ها، شعارهای ضد امپریالیستی و پخش سرودهای میهن پرستانه و همبستگی بین‌المللی خلقها و زحمتکشان جهان فضای میتینگ را آکنده از صلح و دوستی می‌نمود.

در طول برنامه هواداران سعی می‌کردند برای حضار دستاوردهای انقلاب ایران و همچنین مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان و تحولاتی که در دو سال انقلاب در ایران و سازمان روی داده است توضیح دهند که برای شرکت‌کنندگان و علاقمندان به انقلاب ایران بسیار مسرتبخش بود که سازمان استوار و متین در اردوگاه انقلاب جهانی گام برمی‌دارد. این جشن با پخش سرود انترناسیونال پایان یافت.

یکروز بعد (۲۸ بهمن ۵۹) نمایشگاه عکسی از جانب هواداران در مقابل مرکز کتابخانه امریکا در یکی از نقاط پررفت و آمد شهر دهلی برگزار گردید. این نمایشگاه نشان‌دهنده مبارزات مردم ایران در دوران نکت‌بار، رژیم سلطنتی محمدرضا شاه معدوم، بیانگر قهرمانی‌ها و جان‌فشانی‌های مردم در روزهای قیام بهمن‌ماه

گفت: "بعد از سقوط شاه، امپریالیسم امریکا بطور سیستماتیک به تقویت مواضع بورژوازی لیبرال پرداخت تا اینکه بتواند "گام به گام" در آینده با تکیه بر این دوستان خود منافع خود را تامین کند."

نماینده هواداران سازمان در هند در پایان سخن خود از همه نیروهای ترقیخواه، صلح‌دوست و ضد امپریالیست جهان خواست که از مبارزات خلقهای ایران علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا پشتیبانی نمایند.

پس از سخنرانی نماینده هواداران سازمان در هند، نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) پشت‌تربییون قرار گرفت. نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین طی سخنان خود ضمن حمایت همه‌جانبه از انقلاب ایران، خواستار وحدت و همکاری همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست شد.

پس از آن نماینده حزب کمونیست هند (CPI(M) سخنرانی خود را آغاز کرد. و در ادامه سخنان خود همبستگی حزب و مردم صلح‌دوست و ضد امپریالیست هند را با انقلاب مردم ایران اعلام داشت.

آخرین سخنران مراسم، نماینده سازمان دانشجویان هند (SFM) بود. نماینده دانشجویان هندوستان ضمن یادآوری خاطرات مبارزات دانشجویان ایرانی به‌ویژه هواداران سازمان را در هند زمان رژیم منفور پهلوی، روی

بیست و هشتم بهمن ماه ۱۳۵۹ برابر با شانزدهم فوریه ۱۹۸۱ به مناسبت دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران و یازدهمین سالگرد تولد سازمان و سالروز حماسه سیاهکل مراسمی از جانب هواداران سازمان فدائیان خلق (اکثریت) در شهردهلی پایتخت هندوستان برگزار گردید.

برگزاری این مراسم همراه بود با برگزاری کنفرانس کشورهای غیرمتحد و به همین خاطر سفرای برخی از کشورهای انقلابی از جمله ویتنام، کوبا، چکاسلواکی رومانی، یمن دمکراتیک، سوریه و لیبی که قبلاً حضور خود را در این مراسم و پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام کرده بودند، نتوانستند شرکت کنند.

اما نمایندگان کشورهای مغولستان، کامپوچیا، فلسطین، حزب کمونیست هند (CPI(M) دانشجویان هند (S.F.I) و بسیاری از نمایندگان نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست در این مراسم شرکت کرده بودند. هواداران سازمان از شهرهای لودیانا، چندیگر، علیگر، بویال، جیلپور و دهلی این مراسم را برگزار کرده بودند.

در ابتدا یکی از هواداران سازمان ضمن خوشامدگویی که تجلی روح انترناسیونالیستی بود، برنامه مراسم را اعلام نمود و به دنبال آن یکی دیگر از رفقای هوادار حضار را در جریان دستاوردهای انقلاب مردم ایران قرار داد. رفیق هوادار در خلال صحبت‌های خود از جمله گفت:

"در حالیکه خلقهای قهرمان ایران سالگرد انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خود را جشن می‌گیرند، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا به سیاست تجاوزکارانه و توطئه‌آمیز خود علیه انقلاب ما ادامه می‌دهد."

"با پیروزی انقلاب شکوهمند خلقهای قهرمان ایران و سرنگونی رژیم ارتجاعی و افساد مردم منطقه یعنی رژیم منفور محمدرضا شاه، تعادل نیروهای وابسته به امپریالیسم و نیروهای انقلابی ضد امپریالیست بطور بنیادی دگرگون شد."

رفیق هوادار در پی سخنان پرشور که تحسین همگان را رانگیخته بود درباره حمایت امریکا از لیبرالهای ایران

۱۱ اردیبهشت اول ماهنامه روز جهانی کارگر

راه‌چرخه باشکوه‌تر برگزار کنیم



شصتمین سالگرد قیام مردم خراسان و آذربایجان گرامی باد

برای پیروزی بر امپریالیسم باید متحد شد

☆ **دستان خون آلود لیبرال خائنی چون حاج مخبرالسلطنه هدایت و مرتجع سلطنت طلبی چون قوام السلطنه در سرکوب دو جنبش ملی و مردمی آذربایجان خراسان اسناد زنده جنایت و خیانت عوامل رنگارنگ امپریالیسم برای به شکست گشتادن مبارزات استقلال طلبانه مردم به شمار می‌روند.**

مقابله با سیاست سلطه جویان امپریالیسم انگلستان بود، به روشی دفاعی متوسل شده و هیچ کوششی در جهت گسترش مبارزه به سایر نقاط ایران به عمل نیاوردند. رهبران قیام‌های فوق به جای آنکه به تعرض انقلابی علیه امپریالیسم انگلستان و دربار قاجاریه بپردازند و در جهت یکپارچه کردن قیام ها و مبارزات پراکنده برآیند به دفاع از خود پرداختند و این بمثابة مرگ این حرکات پراکنده بود. در میان تجارب گرانبهای قیام‌های آذربایجان و خراسان باید به ویژه به همین ضعف بزرگ آنها یعنی تفرق و پراکندگی نیروها تاکید کرد. امپریالیسم از این ضعف حداکثر استفاده را برده و مبارزات پراکنده مردم را در خون، خفه ساخت. این تجربه تلخ نه تنها منحصر به قیام‌های فوق بلکه درس بزرگ نزدیک به یک قرن مبارزه رها تخیل و استقلال طلبانه مردم ایران می‌باشد.

امروز نیز انقلاب ایران علیرغم درس آموزی‌های موقبت آمیزی که از خطاهای گذشته در تاریخ مبارزات استقلال طلبانه خود گرفت، هنوز هم با پاره‌های ضعف‌های مشابه در طول تاریخ خود رنج می‌برد. و از همین رو هر آنکس که قلبش به خاطر استقلال و آزادی میهن می‌تپد، موظف است با همه نیروی خود در جهت غلبه بر این ضعف‌های خطرناک انقلاب و تأمین وحدت صفوف خلق بکوشد. وحدت سلاح اساسی توده‌های مردم در مقابله با انواع توطئه‌های امپریالیسم و ضامن ادامه پیروزمندانه هر انقلابی است.

سازمان ما در آستانه شصتمین سالگرد قیام مردم آذربایجان و خراسان ضمن گرامی داشت یاد شیخ محمد خیابانی، کلنل محمدتقی خان پسیان و همزمان قهرمانان این فرزندان راستین خلق، و همچنین یاد هزاران شهیدی که در راه محور و مبارزه با امپریالیسم و برپائی ایرانی آزاد و دمکراتیک جان باخته‌اند، برای پاسداری از خون و آرمان این شهیدان باردیگر همه مردم و نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست را به همکاری و وحدت عمل به خاطر حراست از نتیجه نزدیک به یک قرن مبارزه مردم میهنمان که در انقلاب شکوهمند بهمین تبلور یافته است، دعوت می‌کند.

و اضطراب مردم را برانگیخت. در مشهورترین میتینگ‌های اعتراضی برپا شد و یکی از نزدیک‌ترین یاران وی یعنی سرگرد اسماعیل خان بهادر اعلام کرد که قیام را ادامه خواهد داد. ولی افسران طرفدار انگلیس او را دستگیر کرده و به تهران فرستادند. به دنبال آن ارتش دولتی وارد مشهد شد و قیام‌کنندگان را به طرز وحشیانه سرکوب کرد.

قیام‌های یادشده با هدف‌های مشترکی آغاز شد و مسیر همانندی را پیمود. این قیام‌ها خصلتی ضد امپریالیستی و ضد استبدادی داشتند و به منظور مقابله با سلطه جویی امپریالیسم و افشار و طبقات وابسته بدان صورت گرفتند اما جنبش‌های فوق نتوانستند به هدف‌های خود دست یابند. علل واقعی شکست این جنبش‌ها را در واقع باید در همان عواملی جست که موجب شکست انقلاب مشروطه را فراهم آورد. ضعف رهبری قیام‌های آذربایجان و خراسان که ریشه در موقعیت عینی و طبقاتی آنان داشت عامل اصلی شکست این جنبش‌ها بود. همچنین باید از عدم مبارزه قاطع علیه ارتجاع فئودالی و بی‌توجهی به نقش عظیم مردم و اهمیت قاطع آنها در مبارزه، بی‌توجهی به امر مسلح ساختن توده‌ها، کم‌توجهی به مسئله ارضی نام برد.

علاوه بر این ضعف‌ها و نقایص در انجام اصلاحات عمیق اقتصادی و اجتماعی به نفع توده‌های وسیع زحمتکش یکی دیگر از عوامل مهم شکست مبارزات مردم خراسان و آذربایجان را باید در پراکندگی جغرافیائی و تفرق سیاسی و عدم پیوند این جنبش‌ها با یکدیگر و با جنبش جنگل و خصلت تدافعی آنان جستجو کرد. هر دو قیام در شرایطی که سراسر ایران آماده خیزش و

انقلاب مشروطیت علیرغم جانپازی‌های بی‌شمار مردم ایران به سازش بورژوازی با امپریالیسم و دربار فئودالی وابسته بسند انجامید و در نیمه راه متوقف شد. علیرغم این سازش قشرهای وسیع مردم و نیروهای دمکرات و انقلابی یعنی توده اصلی شرکت کننده در انقلاب مشروطیت که تمایلات و اهداف ترقیخواهانه‌شان توسط امپریالیسم و ارتجاع وابسته بدان سرکوب شده و به اکثر خواستهای خود دست نیافته بودند به مبارزه علیه سلطه دشمنان استقلال و آزادی میهن ادامه دادند. قرارداد خفت‌بار و ننگین ایران و انگلستان که در سال ۱۹۱۹ منعقد گشت و سند اسارت مردم ایران بود به این مبارزات شتاب بیشتری بخشید.

وضعیت داخلی در کنار پیروزی تاریخی مردم روسیه و وقوع انقلاب کبیر اکثر که به برقراری نخستین دولت سوسیالیستی جهان انجامیده و تأثیرات شگرفی بر رشد جنبش‌های استقلال طلبانه مردم سراسر جهان برجای نهاد، به یک رشته قیام‌های مردمی در گوشه و کنار ایران منجر گردید. جنبش جنگل به رهبری کوچک‌خان و قیام‌های کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان و شیخ محمد خیابانی در آذربایجان از مشهورترین و بزرگترین قیام‌های دوره فوق بود. قیام‌های مردم آذربایجان و خراسان به فاصله یک روز در پانزدهم و شانزدهم فروردین ماه ۱۲۹۹ اتفاق افتاد.

در آذربایجان قیام به رهبری شیخ محمد خیابانی در تبریز آغاز شد. مردم قیام کننده تمام موسسات و سازمان‌های دولتی را تصرف کردند. حکومت شهر به "کمیسیون اجتماعی" که به وسیله حزب دمکرات برای رهبری قیام انتخاب شده بود، سپرده شد و پس از جندی به حکومت ملی تبدیل گردیده و سایر شهرهای آذربایجان را نیز دربرگرفت. این حکومت به یک سری اصلاحات به نفع مردم دست زد اما به دلیل وجود ضعف‌های اساسی پس از مدت کوتاهی سرنگون شد. نیروهای مسلح به دستور مخبر - السلطنه لیبرال استنادار دست‌نشانده شاه، شهر را اشغال کردند و همه‌جا به کشتار انقلابیون پرداختند. شیخ محمد خیابانی نیز دستگیر شد و به طرز فجیعی به قتل رسید.

قیام خراسان نیز سرنوستی همانند قیام مردم آذربایجان داشت. این قیام تحت رهبری کلنل محمدتقی خان پسیان به وقوع پیوست. در مشهد "کمیته ملی" تشکیل گردید و از تابعیت حکومت مرکزی سر باز زد. پس از جندی به تحریک قوام - السلطنه خان‌های بزرگ خراسان به همراهی ارتش دولت دست‌نشانده علیه "کمیته ملی" وارد عمل شدند. در زد و خورد هائی که در گرفت کلنل محمدتقی خان کشته شد. خبر شهادت او نگرانی

سه از صفحه ۶

کارگران سیمان:

برای راه اندازی...

در جهان کشورهای دوست از همه ارگان‌های انقلابی نداریم که بتوانند برای به دست آوردن استقلال اقتصادی به ما کمک کنند؟ تا کی باید دور خودمان دیوار بکشیم و دوست و دشمن را با یک چوب برانیم؟ ما تاکنون ضربات زیادی از این سیاست خورده‌ایم و ادامه‌اش جز به خطر افتادن انقلاب و تشدید نابسامانی‌های اقتصادی ثمری ندارد. لذا در این موقعیت نیست.

خواننده است سرود اینگونه ترا
وز به عشر نبوی اینگونه ترا
موجز کن ز لوح خطه تو سگفت
اینگونه ترا سرود اینگونه ترا

بقیه از صفحه ۳

با انقلاب یا...

میتینگ توسط دانشجویان انقلابی با ایدئولوژیهای مختلف خود، در زیر فشار شدید پلیس فرانسه افشاء می شود.

اما آنچه که در گزارش رسالی جالب توجه است همزبانی بی نظیر گردانندگان این میتینگ با لیبرالهای وطنی و گروهکهای مائوئیستی نظیر گروهک زنجبران در ضدیت با خط امام و جمهوری اسلامی ("ارتجاع سیاه") و انقلابیون کمونیست و کشورهای سوسیالیستی ("امپریالیسم سرخ") و وحشت این جبهه از اتحاد این دو نیروی انقلابی علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکاست. اگرچه الحق باید اذعان داشت که در این جبهه متحد علیه انقلاب، شاپور بختیار از صراحت و شهامت بیشتری در مقایسه با متحدینش برخوردار است. او آنچه را که دوستان لیبرال و مائوئیستش در لفافه‌ای از هوو و جنجال و در پوشش‌های عوام‌فریبانه می‌گویند، صریح و بدون پرده اعلام می‌دارد. به عنوان نمونه‌ای دیگر، ایشان در پیامی به گروهان‌های امریکائی و پس از عذرخواهی از آنان در چند حکم حرف دل لیبرالها و مائوئیست‌ها را - که بعد از سیاه کردن خوراها کاغذ آخر هم نتوانستند آن را بگویند - این چنین بیان داشته است:

"همانطور که به پرزیدنت کارتر گفتم، کشور ما ۳ سال است که اسیر است!!"

اقدام انقلابی و مبتکرانه سیمای جمهوری اسلامی

در جریان تعطیلات ۳ روزه هفته گذشته، سیمای جمهوری اسلامی ایران اقدام به بخش چند

نمایشنامه کوتاه ضدامپریالیستی کرد که با استقبال کم نظیر مردم انقلابی ایران مواجه شد. در دوتا از نمایشنامه‌های فوق، کارگردانان به بررسی تأثیرات انقلاب ایران بر طبقات مرفه و فرادست جامعه پرداخته و عجز، ناتوانی و خشم جنون‌آمیز اقشار مرفه‌الحال را نسبت به انقلاب، انقلابیون و اقدامات انقلابی و نیز شیفتگی آنان به امپریالیسم امریکا را بر صفحه تلویزیون تصویر کردند. در نمایشنامه دیگری که مضمون آن برگزاری یک مسابقه بکس بین ایران و امریکا بود، کارگردان به افشای روابط صمیمانه لیبرالها با امپریالیسم امریکا پرداخته و ضربات ناشی از تسخیر انقلابی سفارت امریکا بر پیکر امپریالیسم خونخوار را به صورت "ضربه فنی" شدن دولت امریکا توسط یک دانشجوی خط‌امام نشان داد.

بخش نمایشنامه‌های فوق، اقدامی جالب و مبتکرانه در برنامه‌های تلویزیونی بود. ادامه چنین برنامه‌هایی با توجه به نقش تبلیغاتی عظیم سیمای جمهوری اسلامی در افکار عمومی می‌تواند گام موثری در جهت شناسایی دوستان و دشمنان انقلاب ایران و جلب حمایت وسیع‌تر و فعال‌تر توده‌های زحمتکش به طرف انقلاب را در پی داشته باشد و بخوبی با تبلیغات مخرب رادیوهای امپریالیستی مقابله کند.

نحوه ارزیابی و حل مشکلی از مشکلات

در رهنه جاری خبرنگاران مطبوعات از زندان اوین دیدار کردند. آنها پس از شرکت در یک مصاحبه مطبوعاتی با سرپرست زندان اوین خواهان گفتگو با نمایندگان زندانیان شدند. نماینده صنفی زندانیان وابسته به جریان‌های مجاهدین خلق، کومله، پیکار، دمکرات و اقلیت منشعب از سازمان از گفتگو با خبرنگاران امتناع کردند. رفیق کریمی‌حصاری نماینده صنفی زندانیان وابسته به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در گفتگو با خبرنگاران شرکت

کرد. کریمی‌حصاری در پاسخ به این سؤال که زندانیان وابسته به گروه‌های مجاهدین خلق و... از وضعیت غذائی و بهداشتی زندان شکایت دارند، نظر شما چیست؟ گفت:

"طرح این مسائل از جانب اینها از دیدگاهشان در مورد حاکمیت سرچشمه می‌گیرد. ما کمبود غذا و بهداشت و مسائل دیگر را تأیید نمی‌کنیم. ما حاکمیت را ضدامپریالیست می‌دانیم و چه در زندان و چه در بیرون سعی بر این داریم که در مبارزات ضدامپریالیستی با یک جبهه متحدی که تشکیل می‌دهیم این انقلاب را به آخر برسانیم. در اینجا هم هیچ لزومی نمی‌بینیم که مسئولین زندان را محکوم کنیم. هرچند که بعضی نارسائی‌ها از قبیل ندادن کتاب‌های مارکسیست وجود دارد که ما خواهان این هستیم که این کمبودها برطرف شود ولی ما هیچ لزومی نمی‌بینیم که در جهت تضعیف این‌ها حرکت کنیم. ما در کل مسائل را مورد بررسی قرار می‌دهیم..."

نماینده زندانیان وابسته به سازمان در پایان گفت:

"ما پاسداران را زندانبانان خود نمی‌دانیم اینها برادران ما هستند هرچند که من و دوستانم بناحق زندانی گشته‌ایم."

(خبر از روزنامه جمهوری اسلامی)

این نحوه ارزیابی اصولی و منطقی است از یکی از صدها مشکل اساسی و فرعی جامعه ما یعنی زندان‌ها که در روزهای گذشته به تبع جو متشنج موجود در جامعه فضائی بحرانی داشت. اکنون که پس از پیام امام تشنج و درگیری‌های اخیر تا حدود زیادی کاهش یافته و حرکت‌هایی در جهت حاکمیت قانون دیده می‌شود، انتظار این است که بر زندان‌های جمهوری اسلامی نیز حاکمیت قانون انقلاب هرچه بیشتر برقرار شود و همانطور که نماینده زندانیان وابسته به سازمان اشاره کرده است، نارسائی‌های زندان در محیطی آرام و به دور از تشنج حل گردد.

بقیه از صفحه ۴

خنده بچه‌ها...

بایم از نم درد گرفت، دیگر نتوانستیم کار کنیم. حالا هم که جنگ شده، ساموسه می‌فروشم. بالاخره باید خرج زن و بچه‌ام را در بیاورم. زن و بچه‌ات اینجا هستند؟! - آره، سیب‌زمینی می‌خرم، زخم تو خانه ساموسه درست می‌کند. من هم می‌آورم تو خیابان می‌فروشم. روزی ۳۰-۲۰ تومان گیر می‌آید. مرد ساموسه‌فروش می‌گوید: - جنگ کثیف است، صدام هم نامرد، خیلی هم نامرد. توی بازار یک آرایشگاه کوچک و محقر هم باز بود. آرایشگر مرد ۵۰ - ۴۰ ساله‌ای بود. چند نفر دیگر هم توی دکانش نشسته بودند. آرایشگر می‌گفت: - از اول جنگ تا حالا دکانم باز بوده. صدام

بخت برگشته‌هی خمپاره زد هی خانه‌های کفیشه را به خاک کشید. اما من دکانم را نیستم. گفتم اگر این بخت - برگشته زورش به این مردم بی‌دفاع و به من پیرمرد رسیده است. پس بگذار بزند - بابا، بچه‌هایت هم هستند، یا خودت تنها هستی؟ - والله بچه‌ها رفته بودند من با زخم تنها مانده بودیم اما بچه‌ها پیغام داده‌اند که همین روزها می‌خواهند بیایند در خیابان مجاور بازار، صف درازی جلوی قصابی تشکیل شده است. این روزها گوشت را کیلویی ۸۰۰-۷۰۰ ریال می‌فروشند. قصاب کاغذی روی در زده و نوشته است: گوشت کیلویی ۴۰۰ ریال. این قیمت در این مدت جنگ سابقه نداشته است. مشتری‌ها هم خوشحال هستند. با مرد قصاب

صحبت می‌کنم، می‌گوید: - ده تا گوسفند داشتم، دیدم که گوسفندها چیزی ندارند بخورند. این مردم بیچاره فقیر مثل خودم هم مدت‌هاست که گوشت نخورده‌اند. گفتم گوسفندها را می‌کشم و طوریکه ضرر نکنند به مردم می‌فروشم. زحمتکشانی که در صف ایستاده بودند از قیمت گوشت خیلی راضی بودند هر نفر تا یک کیلو گوشت می‌توانست بخرد. زن میانسالی که در صف ایستاده بود، می‌گفت:

- یکی دو ماه بود که بچه‌ها گوشت نخورده بودند. حالا با این یک کیلو گوشت می‌توانم دو سه وعده غذای خوب برایشان درست کنم.

به طرف خانه حرکت می‌کنم جلوتر از من یک وانت‌بار حرکت می‌کند. قسمت باربندش چند مسافر روی چمدان‌هایشان نشسته‌اند. وانت‌بار هر لحظه از من دورتر می‌شود. بی‌اختیار به دنبال آن شروع به دویدن

می‌کنم. مسافرها از هم - محلی‌های خودمان هستند. از خوشحالی می‌خواهم پرواز کنم. کلاهم را برایشان تکان می‌دهم و داد می‌زنم: - سلام، شما هم آمدید؟ مسافرها از جایشان بلند می‌شوند و برایم دست تکان می‌دهند. یکی از مسافرها در جوابم داد می‌زند: - آره، آمدیم، آمدیم بمانیم!

چندتا از همسایه‌های ما هم آمده‌اند. آنها هم در باغچه خانه‌شان یا جلوی در

یا سر کوچه سنگر کنده‌اند و در آن پناه گرفته‌اند. مردم شهر دارند می‌آیند. مردم دارند مقاومت را بیش از پیش یاد می‌گیرند. کفیشه باز شلوغ خواهد شد و خنده بچه‌ها بر سر در خانه‌ها، بر سر کوچه‌ها، بر سر کفیشه و بر سر شهر شکوفه خواهد زد. شکوفه‌های سپید صلح و شکوفه‌های سرخ پیروزی.

از یادداشت‌های یک سرباز فدائی از آبادان

گلخند زمانه از تو آموخته است

لنجد جوانه از تو آموخته است

هر خطه، در این کرانه، هر سکر عشق

بسیار ترانه از تو آموخته است

ضدانقلاب را افشاء کنیم

(۳)

۸- ضد انقلاب در آذربایجان غربی مشغول توطئه چینی است

به دنبال زنجیره توطئه‌های گسترده‌ای که علیه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و تثبیت انقلاب می‌شود، مدتی است که یک گروه ضدانقلابی به نام ارتش رهاثیبخش ایران در شمال آذربایجان غربی تشکیل شده‌است. گروه مزبور که مرکب از افسران فراری و پرسنل طرفدار رژیم شاه سابق، اخراجی از ارتش است، اخیراً فعالیت خود را در منطقه گسترش داده‌است. مزدورانی که تحت عنوان ارتش رهاثیبخش ایران فعالیت می‌کنند، حدود ۵۰۰ نفرند که با بعضی از سران عشایر مناطق کوهستانی خوی، ماکو و سلماس در ارتباط هستند. اعلامیه‌های این گروه ضدانقلابی در مناطق شمالی آذربایجان غربی دیده شده‌است و دلیلی در دست است که این مزدوران کوشش‌هایی در جهت نفوذ و پیدا کردن طرفدار در لشکر ۶۴ ارومیه و پادگان‌های جلدیان، پسه مه‌باد و ژاندارمری نقده و اشنویه کرده‌اند. بعضی از اعلامیه‌های این گروه که انباشته از کینه و نفرت نسبت به نیروهای انقلابی و جمهوری اسلامی است مزین به تصویر رضا پهلوی است. این گروه از طریق مرز ایران - ترکیه با خارج ارتباط می‌گیرند - آنها با رضا پهلوی در ارتباط می‌باشند. - و در مناطقی مثل سرو که در مرز ایران و ترکیه قرار دارد، بطور نیمه علنی فعالیت می‌کنند. همچنین از طریق این باند جنایتکار اسلحه به مناطق دیگر ایران و از جمله کردستان، کرمانشاهان، آذربایجان شرقی و شمال خراسان صادر می‌شود. جهانگیرخان دری یکی از فتوادل‌های کرد، برای این گروه کار اطلاعاتی انجام داده و نقش رابط این گروه با بعضی از عناصر خودفروخته درون ارتش ایران را دارد. برطبق گزارش رسیده رابط این گروه با خارج ضدانقلابیون فراری و سران کشورهای مخالف جمهوری اسلامی ایران سرلشکرصیادیان رئیس ساواک آذربایجان غربی و هماهنگ کننده عملیات این باند در داخل سرتیپ‌پزشکپور فرمانده سابق تیپ مه‌باد هستند. محل آموزش و تعلیم این مزدوران در مکانی واقع در شرق ترکیه است و افسران این کشور آنان را آموزش می‌دهند. نهادها و ارگان‌های انتظامی جمهوری اسلامی ایران بایستی هرچه زودتر این مزدوران را شناسائی کرده و شبکه سیاه ضدانقلابیون را درهم شکنند.

۹- کمک مالی برادران عشایر

به حزب امریکائی رنجبران

کرمانشاه:

در تاریخ ۱۰ اسفند ۵۹ خبرنگار حزب امریکائی رنجبران در منزل خسروخان رضائی با سران فتوادل بسیج عشایری مذاکره و مصاحبه‌های خصوصی انجام می‌دهد. پس از این مذاکرات قرار می‌شود که خبرنگار مزبور به اتفاق خسروخان رضائی و فرخ‌خان سنجایی به جبهه‌های غرب بروند. در پایان جلسه عده‌ای از زمینداران

بقیه از صفحه ۹

چگونه...

با مبارزات ضدامپریالیستی - دموکراتیک توده‌های محروم و رزمنده ایران دشمنی و خصومت ورزیده‌اند و هرچه در توان داشته‌اند کرده‌اند تا انقلاب مردم میهن ما را به شکست کشانند. چرا که خواسته‌آنها و منافع آنها در تحکیم مجدد زنجیرهای انقیاد و وابستگی بر کارگران و زحمتکشان میهن است. این انقیاد و وابستگی است که منافع انحصارات امپریالیستی را تامین می‌کند، سود سرشار برای آنها بیار می‌آورد و سلطه آنها را بر اقتصادهای وابسته تحکیم می‌کند. از سوی دیگر، مردم میهن ما در دو سال اخیر آشکارا دریافته‌اند که کشورهای سوسیالیستی و مترقی حامی و پشتیبان مبارزات خونین کارگران و زحمتکشان میهن ما بر علیه امپریالیسم جهانی و سرمایه‌داری وابسته ایران بوده‌اند و همواره آمادگی خود را برای کمک در جهت پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی - دموکراتیک مردم ایران اعلام داشته‌اند.

طرفداران تثبیت و تحکیم روابط امپریالیستی با امپریالیسم آمریکا، اروپا و ژاپن ایجاد هرگونه رابطه اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و مترقی را تحت عنوان دروغین "وابستگی به شرق" مورد حمله قرار می‌دهند. سرمایه‌داران لیبرال و مبلغان سرمایه‌داری وابسته ایران (مانند

بقیه از صفحه ۲۴

باندهای سیاه...

۷ - حمله به عده‌ای از مادران و دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه "طلعت دولتشاهی" خرم‌آباد و شهادت دانش‌آموز پیشگام "مژگان اسدیان" با شلیک گلوله یکی از همین جنایتکاران به نام "مجید جزایری".

۸ - ترور یکی از دانش‌آموزان هوادار مجاهدین به نام "بهرام کردستانی" که به دست جنایتکاری به نام "عظیم مرادی" صورت گرفت.

۹ - حمله به مراسم هفتم بهرام کردستانی که در این تهاجم دونفر دیگر نیز به قتل رسیدند

۱۰ - تشکیل تیم تعقیب و بازداشت آنان مکرراً و بدون مجوز به خانه‌های افراد مورد نظر خود داخل شده و به تفتیش پرداخته‌اند. و اگر موفق به کشف "مدارک جرمی" نشده‌اند بلافاصله به سپاه اطلاع داده و در غیر این صورت از محل دور شده‌اند. این خود به اثبات می‌رساند که آنان بی‌ارتباط با سپاه و ارگان‌های قضایی نیستند.

۱۱ - در کنار این اعمال می‌بایستی به حملات مداوم این باندها به نیروها و افراد مترقی و ضرب و شتم هواداران سازمان‌های مترقی و زنان و دختران نام برد.

بزرگ سنجایی و خسروخان رضائی و قدرت داودیان مبلغ زیادی پول به خبرنگار تحویل می‌دهند تا در اختیار حزب امریکائی رنجبران قرار دهد. این خبرنگار که مهرداد نام دارد، اخیراً کتابی درباره بسیج عشایری نوشته و در آن مصاحبه‌ای نیز با دکتر کریم سنجایی انجام داده است.

روزنامه میزان) به این امید باطل دل بسته‌اند که سرانجام اقتصاد وابسته ایران، تحت فشار امپریالیسم و اخلاگری سرمایه‌داران وابسته به چنان عمقی از بحران می‌رسد که مردم و حاکمیت گریزی جز پذیرش روابط اقتصادی گسترده با کشورهای امپریالیستی نداشته باشند. اینان به این امید دل بسته‌اند که اگر امروز گسترش روابط اقتصادی با امپریالیسم آمریکا مقدور نیست رابطه گسترده با امپریالیسم اروپا (فرانسه، انگلیس، آلمان و...) و امپریالیسم ژاپن برقرار گردد، چرا که ماهیتاً تفاوتی میان رابطه با انحصارات امپریالیستی آمریکایی و با انحصارات امپریالیستی اروپایی و ژاپنی نیست. بگذریم از این که بسیاری از این انحصارات در پیوندهای نزدیک با انحصارات امریکایی هستند. دولت تاکنون با تزلزل، تردید و دودلی، با دنبال کردن نوعی سیاست کجدار و مریز، کوشیده است از یک سوی با فشار لیبرال‌ها برای گسترش روابط اقتصادی با امپریالیسم آمریکا، اروپا و ژاپن مقابله کند و از سوی دیگر، در مقابل قیل و قال لیبرال‌ها و روزنامه انقلاب اسلامی روابط با کشورهای سوسیالیستی را در حدود بسیار محدودی نگاه دارد. انگار دولت کنونی از برچسب "القای ایدئولوژی" که اینان مودیانه به دولت چسبانده‌اند سخت نگران است، و علیرغم ضرورت‌های پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی، در ایجاد روابط گسترده با کشورهای سوسیالیستی تردیدی جبران‌ناپذیر از خود نشان می‌دهد. ادامه این سیاست نه می‌تواند در جهت مقابله با وابستگی باشد و نه امکان مقابله با شرایط بحرانی اقتصادی کنونی را فراهم میسازد.

وضعیت کنونی

علیرغم تضعیف مواضع دارودسته "قاضی" و افشای جنایات آنان و علیرغم نفرت و انزجار مردم از اعمال جنایتکاران همچنان دسته‌های اوپاش در اداره امور شهر نیز دخالت‌هایی دارند آنان اکنون به نیروی مستقلی مبدل شده و برای بازگشت به وضعیت قبلی خود سخت در تلاش هستند و چه بسا که تبهکاری‌های خود را تشدید کنند. طی دو سال گذشته اکثریت عناصری که با انگیزه‌های تعصب مذهبی و به خاطر پیشداوری‌های نادرست نسبت به کمونیست‌ها با آنان همکاری داشته‌اند، پی به ماهیت آنها برده و از آنها جدا شده‌اند.

در حال حاضر بطور قطع می‌توان گفت که کوچکترین اعمال آنان بر علیه نیروهای مترقی و کمونیست که از مدافعین سرسخت انقلابند، نه به خاطر سوء تفاهم و یا پیشداوری‌های غلط، بلکه ناشی از ماهیت ضدانقلابی آنان است. از این رو باید با این انگل‌های اجتماعی به شدت مبارزه کرد و به افشای آنان پرداخت. اکنون باید با دستگیری و مجازات رهبران و جنایتکاران شناخته‌شده باندهای سیاه لرستان، تکلیف مردم را که به شدت از اعمال جنایتکارانه آنان به‌تنگ آمده‌اند، روشن ساخت.

خبرنگار مذکور ارتباط بسیار نزدیکی با فرخ‌خان و ایرج‌خان سنجایی (مشاوران رئیس جمهور) و خسروخان رضائی دارد. لازم به یادآوری است که عناصر سه‌جهانی در دفتر ریاست جمهوری نفوذ زیادی دارند و مرتب با سران عشایر در تماس می‌باشند.

شورا، ...

بقیه از صفحه ۱۰

می تواند نامدتها تحقق مادی این ضرورت را به تعویق اندازد و کارگران را همچنان برای مدتی بازم بیشتر از دستیابی به شکل مستقل طبقاتی شان محروم سازد. دیرباوری و پیشداوری کارگران نسبت به سندیکا که در برخی موارد حتی از بدبینی نسبت به شکل و قالب آن گذشته و به نفعی محتوی، ضرورت و اصولیت آن رسیده است نهنها نباید مانع از ترویج و تبلیغ آموزشهای اتحادیه‌ای شود بلکه بالعکس برای زدودن اینگونه تلقیات واژگونه و مخدوش، باید دامنه چنین ترویج و تبلیغی را گسترش داده و بر پیگیری و جدیت خود در این امر بیافزاییم. تدارک شرایط لازم برای ارتقاء هسته‌های صنفی - طبقاتی درون شوراها تا سطح یک شکل سندیکائی و متمایز نمودن آن از شورا (شورای مدیریت) و همچنین تقویت وظایف صنفی - طبقاتی کمیته‌های فابریک و تفکیک تدریجی این کمیته‌ها از شوراهای مدیریت و رویاندن آن به سندیکاهای انقلابی امری است که به مرور و هم‌روند با آشکارتر شدن عینی تمایزات طبقاتی کارگران با اقشار و طبقات غیرپرولتری درون شوراها باید انجام گیرد بدون آنکه ضرورت هماهنگی فزاینده میان این سندیکاها و شوراها را خدشه‌دار نماید.

تکوین تدریجی سندیکاهای انقلابی و تحکیم پایه‌های آن در واحدهای مختلف در چشم‌انداز تحول و گسترش خود باید به تشکیل اتحادیه‌های عمودی (رشته‌ای) و افقی (منطقه‌ای) بیانجامد و شکل سراسری این اتحادیه‌ها به تشکیل اتحادیه ملی (فدراسیون ملی) منجر می‌شود که سرانجام این اتحادیه ملی می‌تواند به عضوی فعال از خانواده فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری بدل شود. چنین است دورنمای کلی شکل سندیکائی در جنبش کارگری ما.

۲- زمینه‌های عینی و چشم‌انداز مشارکت انقلابی طبقه کارگر در اداره واحدهای تولیدی و خدماتی اینک پس از گذشت دو سال از عمر شوراها، تفکرات التقاطی در خصوص شوراها و مشارکت شورائی کارگران در اداره امور واحدهای تولیدی، به تدریج از سطح جنبش کارگری - کمونیستی میهنمان رنگ می‌بازد و جای خود را به نگرش‌های اصولی می‌دهد. بنیشت مفسوشی که منادی "کنترل کارگری" (در واقع حکومت کارگری) بر واحدهای تولیدی توسط شوراها بود و در واقع خودانگیختگی حاکم بر عمل مستقیم کارگران را در خود متبلور و منعکس می‌ساخت، بیش از پیش خود را با بن‌بست مواجه می‌بیند زیرا تجربه دوساله شوراها بی‌پایگی شعار حکومت کارگری در کارخانجات را به اثبات رسانده و به روشنی نشان داده است که نهنتها کارگران بلکه تمامی توده مزدبگیران یک واحد تولیدی و خدماتی نیز قادر نیستند امر تولید و خدمات را در آن واحد بر اساس وضعیت، امکانات و نیازهای خاص آن واحد و تنها به اعتبار شور انقلابی، کاردانی و تخصص خود سازمان دهند. برنامه‌ریزی اقتصادی، سازماندهی عمومی تولید و تدوین خط مشی‌های مربوط که باید در راستای پی‌ریزی اقتصادی مستقل و شکوفا انجام گیرد، امری نیست که در حیطه توانائی‌ها و امکانات عینی و ذهنی یک یا چند واحد تولیدی و خدماتی بگنجد. چنین درکی از کنترل تولید که هنوز نیز کمابیش وجود دارد پنداری

غیرواقعی و غیر اصولی است اما اگر کنترل تولید به مفهوم نظارت کارکنان بر طرح‌ریزی برنامه‌ها، تعیین خط مشی‌ها و سازماندهی اجرائی امر تهیه و تدارک مواد اولیه، تولید، توزیع، حسابرسی مالی و بازرگانی واحد باشد، امری است منطقی و در عین حال ضروری. کنترل تولید با هر درکی جز آنچه که گفته شد عملاً به شعاری موهوم بدل خواهد شد و تلاش برای تحقق بخشیدن بدان نیز تنها به هرج و مرج در واحدها دامن خواهد زد. اما ارگان تأمین مشارکت و نظارت کارکنان در اداره امور واحدهای تولیدی و خدماتی چیزی جز شورای مدیریت نخواهد بود. اقشار و طبقات خلقی در واحدهای تولیدی و خدماتی می‌توانند و باید با گسیل نمایندگان انتخابی خود به این شوراها بر چگونگی برنامه‌ریزی، تعیین خط مشی‌ها و پیشبرد اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت و بطورکلی سازماندهی امر تولید نظارت فعال داشته و کنترل دمکراتیک خود را به نحوی اصولی بر این امور اعمال نمایند. شوراهای مدیریت به‌جز نمایندگان کارگران و کارمندان شامل مدیران نیز خواهد بود.

تشکیل و تثبیت شوراهای مدیریتی در واحدهای تولیدی و خدماتی که اصل ۱۰۴ قانون اساسی نیز بر آن تصریح دارد، عاملی ضروری جهت تحکیم دستاوردهای انقلاب و تعمیق روند آن است. زیرا نظارت شورائی می‌تواند مشارکت فعالانه توده کارکنان را در راه‌اندازی واحدهای تعطیل شده، تضمین ادامه‌کاری آنها، افزایش تولید و بهبود کیفیت آن و بالا بردن بهره‌وری کار تأمین نموده و نقشی اساسی و قاطع در صادره و ملی کردن موسسات تولیدی وابسته و بزرگ، خنثی کردن دسائس سرمایه‌داران و مدیران لیبرال و عقیم گذاردن تلاش‌های اخلاک‌گراانه عناصر ضدانقلابی و همچنین مشارکت در طرح‌ریزی برنامه‌های تولیدی که منطبق بر سرشت مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب باشد، ایفا نماید. شوراهای مدیریت با بسیج توده کارکنان از طریق نظارت دمکراتیک آنان بر اداره واحدهای تولیدی و خدماتی وثیقه اساسی دفاع از دستاوردهای انقلاب و تحکیم مبانی استقلال ملی و پی‌ریزی استقلال اقتصادی می‌گردند.

برای آنکه اهداف و سیاست‌های پرولتاریا به مطلوب‌ترین شکل ممکن در شوراهای مدیریت انعکاس و تبلور یابد حضور نمایندگان شکل‌های صنفی - طبقاتی کارگران (سندیکاها) در این شوراها ضروری است. وجود نمایندگان سندیکائی کارگران در شوراهای مدیریت موقعیت کارگران را در این ارگان‌ها تحکیم بخشیده و شورا را تقویت می‌کند زیرا تنها چنین نمایندگان می‌توانند بیانگر سیاست و اراده طبقاتی واحد و هدفمند کارگران در نظارت و اداره انقلابی واحدهای تولیدی و خدماتی باشند. لیکن باید تأکید کرد که شرکت نمایندگان سندیکائی در شوراهای مدیریت تنها شکل حضور سیاست کارگری در شوراها نبوده بلکه مطلوب‌ترین و موثرترین شکل حضور سیاست‌های طبقه کارگر در مدیریت واحدها است. لذا نمی‌توان و نباید حضور و شرکت ضرور نمایندگان کارگران در این شوراها را محدود به این شکل مطلوب نمود. اگر سازمان‌های سندیکائی طبقه کارگر تا زمان تشکیل شوراهای مدیریت هنوز پانگرفته باشند (مانند تجربه دو ساله اخیر ایران) ولی کمیته‌های فابریک تکوین یافته و عملاً به صورت شکل‌های مستقل کارگری از شوراها بطور نسبی قابل تمایز باشند

نمایندگان این کمیته‌ها می‌توانند و باید در شوراهای مدیریت حضور یابند و از موضع منافع طبقه کارگر در نظارت بر اداره امور، شرکت جویند. در صورتی که کمیته‌های فابریک نیز هنوز شکل نگرفته باشند طبعاً و به‌ناچار به‌جای

نمایندگان تشکل سندیکائی کارگران نمایندگان افراد کارگر (حتی اگر یک نماینده باشد) باید در شوراهای مدیریت شرکت کنند.

بدون شک حضور و مشارکت دمکراتیک نمایندگان تشکل‌های مستقل کارگری در شوراهای مدیریت تنها در صورتی در خدمت منافع تاریخی طبقاتی پرولتاریا و منطبق بر اهداف مردمی و استقلال‌طلبانه انقلاب خواهد بود که بر عمل مستقیم و طبقاتی کارگران و نیازهای عینی مرحله انقلاب و مقتضیات بسط و تعمیق آن مبتنی باشد. حضور متشکل طبقه کارگر در شوراهای مدیریت می‌تواند تناسب قوای طبقاتی در این شوراها را به سود طبقه کارگر و اهداف و سیاست‌های آن تغییر دهد لذا عاملی موثر در افشاء پیگیرانه و تصفیه مدیران لیبرال از صفوف شوراها و همچنین غلبه بر ناپیگیری‌ها و تزلزل‌های نمایندگان اقشار غیر پرولتری و وثیقه‌های مطمئن در مبارزه با ضعف‌ها و نارسائی‌های مدیریت در اتحاد و بوروکراسی و اقدامات ضد دمکراتیک آن می‌باشد. همچنین مشارکت فعالانه تشکل‌های صنفی - طبقاتی کارگران در شوراهای مدیریت و از این طریق در تدوین برنامه‌ها، تعیین خط مشی‌ها و سازماندهی تولید، مساعدترین و مطلوب‌ترین شرایط را برای آگاهی کارگران از مکانیسم‌های نظم تولیدی موجود سیستم بفرنج آن، مدیریت و نحوه اداره امور واحدها فراهم آورده و از این نظر بهترین نمایندگان کارگران را برای سازماندهی انقلابی تولید و مدیریت نظم‌نویس تولیدی تربیت و آماده می‌نماید. هم‌اینک در شرایطی که بحران در مدیریت واحدهای بزرگ تشدید شده و گریبانگیر دولت جمهوری اسلامی است، و اداره صحیح و موثر امور آنها در برخی از موارد با بن‌بست و در مواردی نیز با مشکلات بفرنجی مواجه شده است، در شرایطی که توطئه‌های اخلاک‌گراانه سرمایه‌داران و مدیران لیبرال و تشبثات عناصر ضدانقلابی برای ایجاد وقفه و رکود در واحدهای تولیدی و خدماتی بیش از پیش فزونی گرفته است بیش از هر زمان دیگری ضرورت تحکیم شوراهای مدیریت و مبارزه نیروهای انقلابی برای تثبیت قانونی آن بمتأبه ضرورتی می‌رسد احساس می‌شود، از یکسو دولت که خود را در سازماندهی و مدیریت تولید ضعیف می‌یابد و دسائس ضد انقلاب و لیبرالها در به تعطیل کشاندن واحدهای تولیدی و خدماتی رو به افزایش می‌نهد، ناگزیر است امر بهره‌گیری از توان انقلابی و ابتکار توده کارکنان در اداره امور واحدها را (از طریق برقراری نظارت شورائی بر آنها) جدی بگیرد. و از سوی دیگر کارگران و دیگر کارکنان انقلابی واحدهای تولیدی و خدماتی نیز بنا به احساس مسئولیت انقلابی خود در قبال دستاوردهای انقلاب و برای رفع نارسائی‌های موجود در مدیریت دولتی واحدها و نیز خنثی کردن توطئه‌های ضدانقلاب و لیبرالها بیش از پیش آمادگی خود را برای مشارکت و نظارت بر اداره امور واحدها ابراز می‌دارند.

مشارکت مسئولانه نمایندگان کارگران، کارمندان و مدیریت دولتی در شوراهای مدیریت واحدها باید شوراها را به عرصه مبارزه انقلابی (ضدامپریالیستی) و افشاء و طرد مدیران لیبرال بدل نماید تا شوراها بیش از پیش بمتأبه یک سنگر ضدامپریالیستی در خدمت اهداف انقلاب ایران تحکیم و تقویت شوند. کارگران ایران اکنون در پرتو رهنمودهای انقلابی پیشروان خود و به اعتبار تجارب مبارزاتی روزمره خویش به تدریج درمی‌یابند که باید به اتکای منطقی و حقانیت انقلابی‌شان در تعیین سرنوشت خویش و تعمیق روند انقلاب ایران دوشادوش دیگر زحمتکشان،

«دیکتاتوری و چغندر»

کشف جدید اقتصادی اجتماعی روزنامه انقلاب اسلامی

بقيه از صفحه ۲۸

در ایران در طول رژیم شاه افزایش داشته است. بطور کلی در این مقاله انقلاب اسلامی، مانند تمام مقالات این روزنامه، کشفهای اقتصادی و جامعه شناسانه فراوانی دیده می شود در جایی در این مقاله اشاره می شود که چون یوگسلاوی در میان کشورهای کمونیستی نسبتاً آزادتر است دارای بالاترین مقدار تولید چغندر در بین اینگونه کشورها می باشد و در بخش نخست مقاله نیز می خوانیم "در ایران بطور متوسط از هر هکتار زمین ۲۲ تن چغندر قند بدست می آید در حالی که این رقم در ترکیه ۳۰/۵ تن می باشد" خواننده باید از این مقاله به نتایجی مشخص دست یابد این جملات، مقایسه تصادفی نیست، بلکه هدفهای خاصی را دنبال می کند و مقاله روش دستیابی به هدف را نیز به خوبی نشان می دهد. اساس استدلال همان رابطه دموکراسی و چغندر قند است از این رو با بکار گرفتن منطق انقلاب اسلامی روشن می شود که ایران از نظر دموکراسی ۸/۵ تن چغندر قند در هکتار از ترکیه عقب تر است. راستی این کدام دموکراسی است که انقلاب اسلامی از آن سخن می گوید. به نظر ما این نوع دموکراسی ها را که در ردیف دموکراسی های از نوع پاکستان و ترکیه و یونان است بهتر است که با برگ چغندرآرزیابی نمود.

اگر با همین نوع استدلال، خواننده به سراغ بخش نخست مقاله برود دچار شگفتی فراوان خواهد شد. در بخش نخست آمار و ارقام ارائه شده نشان می دهد که تولید کل چغندر قند نیز متوسط عملکرد آن در ایران از سال ۵۵ به بعد یعنی در سالهای ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ کاهش داشته است و از طرف دیگر بر طبق آمار موجود تولید کل چغندر قند و عملکرد متوسط آن در سالهای رژیم شاه دارای افزایش بوده است بطوری که عملکرد متوسط چغندر قند در سال ۴۱ برابر با ۱۶/۸ تن در هکتار و در سال ۵۰ بیست و سه تن در هکتار و در سال ۵۵، ۲۶/۲۵ تن در هکتار بوده است حال بنا بر استدلال انقلاب اسلامی نتایج زیر باید برای خواننده معلوم شود.

- ۱- رژیم کنونی ایران رژیم دیکتاتوری تر از رژیم ساهنشاهی است
- عملکرد متوسط چغندر قند در هکتار کاهش یافته است.
- ۲- رژیم شاه روز به روز به طرف دموکراسی پیش می رفت زیرا تولید کل و عملکرد متوسط چغندر قند

می خواهد جنایت زمینداران بزرگ و آسیب هایی را که آنها به تولید کشاورزی وارد آورده اند، پرده پوشی نماید.

مسئله دیگری که در این مقاله به آن اشاره شده است مسئله رابطه دیکتاتوری و کشت و برداشت چغندر قند است. منطقی که در این بخش از مقاله بکار گرفته شده جای هیچگونه شک و شبهه ای برای خواننده باقی نمی گذارد که انقلاب اسلامی از رابطه دیکتاتوری و کشت و برداشت چغندر به چه چیز اشاره دارد. مقاله در حالی که نمودار عملکرد متوسط در هکتار چغندر قند در سال ۸۰ - ۷۹ را در چند کشور نشان می دهد، چنین بیان می دارد:

"دیکتاتوری در هر قالبی در تمام شئون یک کشور حتی کشت و برداشت چغندر قند اثر دارد" و اضافه می کند:

"در یونان در سالهای ۷۱ - ۶۷ که رژیم سرهنگها بر سر کار بوده است تولید چغندر قند ۵۱ تن در هر هکتار بوده است در حالی که پس از سقوط رژیم در حال حاضر به ۶۲ تن رسیده است." حال

مسئله به روشنی روز است که هیئت های هفت نفره در اواخر خرداد سال ۵۹ تشکیل شده است پس طبیعی است هیئت های هفت نفره نه تنها تاثیری بر روی کاهش تولید چغندر قند سال ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ نمی تواند داشته باشد بلکه بر روی کشت سال ۵۹ نیز که عملیات آن در زمان تشکیل هیئت های هفت نفره به پایان رسیده بود نیز بی تاثیر است از این رو این مسئله به یک شوخی و یا یک ادعای موهوم بیشتر شباهت دارد تا یک مقاله مثلاً اقتصادی. به نظر می رسد انقلاب اسلامی درصدد حمله به لایحه واگذاری اراضی به ویژه بند "ج" بوده است که بنا بر دلایلی حمله مستقیم را به صلاح خود ندیده است. لذا هیئت های هفت نفره را که تشکیل آنها بر اساس "لایحه واگذاری اراضی" صورت گرفته است، به زیر سؤال می کشاند. اما به هر صورت انقلاب اسلامی نقش دوستان و موکلین خود یعنی زمینداران بزرگ را در کاهش تولید نادیده می گیرد و حتی با ذکر "روشن نبودن مالکیت" فریبکارانه

زده است. در مجموع این مقاله چیزی جز دلایل و استدلالات زمینداران بزرگ نیست.

انقلاب اسلامی در بخشی از این مقاله که به علل پایین آمدن کشت چغندر قند می پردازد هفت دلیل را جهت کاهش تولید چغندر قند از سال ۵۵ به بعد ارائه می دهد. از جمله این دلایل روشن نبودن وضع مالکیت (چه در قسمت کشت و چه در قسمت صنعت) است.

انقلاب اسلامی اضافه می کند "عملکرد هیئت های هفت نفره در این مورد باید بررسی شود". مقاله اگرچه با صراحت کامل هیئت های هفت نفره را مسئول کاهش تولید چغندر قند معرفی نمی کند ولی با توجه به محتوای کل مقاله و جهت گیری خاص آن هیئت های هفت نفره را در مظان اتهام قرار می دهد. گویی دوستی با زمینداران بزرگ (فرض ما بر این است که نویسنده خود از زمینداران بزرگ نیست) انقلاب اسلامی را آنچنان زیر تاثیر قرار داده است که یکسره توانایی تطابق زمانی را از او بر گرفته است. این

بقيه از صفحه ۲۶

شورا، سندیکا و اتحادیه های...

دیگر باید به موازات تلاش های خود جهت تدارک و بی ریزی تشکلهای سندیکائی طبقه کارگر در جهت ایجاد شوراهای مدیریت و تامین مشارکت فعالانه تشکلهای مستقل کارگری در آنها اهتمام ورزند. به ویژه در این روزها که قانون کار و تامین اجتماعی جدیدی که در شرف تدوین است، تشکلهای موجود کارگری و خصوصاً پیشروان مبارز و آگاه آن باید در رابطه با مسئله تشکلهای کارگری بر دو خواست اساسی و مبرم زیر تاکید نمایند:

- ۱- تثبیت حقوق سندیکائی کارگران در قانون کار جدید.
- ۲- تحکیم قانونی حقوق شورائی همه کارکنان در قانون جدید شوراها.

بدون تردید، نهجی به تشکلهای سندیکائی و مشارکت در شوراهای مدیریت دو جزء مکمل وظایف مبرم طبقه کارگر و به ویژه پیشروان مبارز و آگاه آن در شرایط کنونی است.

نمی توانند همچنان "هم شورا هم سندیکا" باقی بمانند در حالیکه توان پاسخگویی به هیچ یک از این دو وظیفه اساسی را ندارند بلکه شوراها باید مجدانه در خدمت پایبندی و ایجاد سندیکاهای انقلابی و شوراهای مدیریت بکوشند. بنابراین شوراهای موجود باید هم روند با رشد و تحول هسته های صنفی - طبقاتی درون خود و تحول آنها به تشکلهای سندیکائی در جهت ایجاد و تحکیم شوراهای مدیریت نیز سمت گیری نمایند و با دربرگرفتن نمایندگان کارگران، کارمندان و مدیریت دولتی بمثابة تشکل متمایز از سندیکا و در عین حال هماهنگ با آن به اداره انقلابی واحدهای تولیدی و خدماتی بپردازد. بدیهی است که پیشروان پرولتاریا بیش از هر نیروی

در همه سنگرها و عرصه های کار و مبارزه فعالانه شرکت کنند و با اعمال نظارت شورائی و دمکراتیک خود بر مدیریت واحدهای تولیدی و خدماتی سنگر ضدامپریالیستی شورا را تحکیم نمایند. کارگران ایران با سمت گیری در جهت تشکیل سندیکاهای انقلابی نه تنها سنگر شوراها را ترک نمی کنند بلکه هم روند با شکل گیری سندیکاها و به انکای مضمون صنفی - طبقاتی مستقل آن و با منطقی که از صراحت طبقاتی بیشتری برخوردار است در تصمیم گیری های شورا حضور می یابند و هیچگاه این سنگر (شورا) را برای مدیران لیبرال و یا منززل باقی نخواهند گذارد. در چنین چشم اندازی است که می بینیم شوراهای موجود با مضمون متفاوت و دوگانه خود

پایان

از یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌های جنگ

خنده بچه‌ها باز بر سر شهر شکوفه خواهد زد

در صفحه ۴



سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران

از خون رفیقان ما لاله‌گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال مبین و در راه آرمان پر افتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در برصهای از پیکار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب نثار می‌کنند. خون پاک رفقا، دانشمندان و درمهای مبین را گلگون می‌سازد و شادابی می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دیمکراتیک فردای جمهوری زحمتکشان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- | | | | |
|----------------|---------------------|--------------------|--------------------------|
| اکبر بدلی | غلام عباس بغدادی | اکبر فخور | غایت‌الله زینبی |
| امیر امانی | محمد رضا آذربایجان | علی معصاف | سهبلا سفهان زاده |
| جوادی تاجی | حسب‌الله فرحجس | آلبرز یوسفی | ابراهیم نکرجی |
| فریم رشی | عبدالحسن شاه سر | رحیم معینی | محمود اسراف آبادی |
| محمد کوسس | فریدون برضی زاده | بهرام وریایی | محمد فاضل فلاح بکی |
| محمود اجوی | محمد مهدی نیک‌اندام | حسرو کریمی | محمد اسدالله برادرودینه |
| حسن برصی | محمد حسن صدرا باچی | عبدالله مرادی | رحمت‌الله (اسراف) یارپور |
| محمد سازدار | نوری نساخان | علی اسکویی | محمد (عباس) آقاپور |
| حسن ضایحی | علیرضا خلیلی | عباس ده‌دار | افراساب (زویین) سلیمانی |
| کامبخت عدلی | علیرضا کاظمی | علی حاتم زاده | ابرج حسن‌نیا |
| لطیف علیزاده | برور کریمیان | اسحاق بابازاده | برضی داری |
| رهبر موسویون | وحید نکند سر | سپهریار باقرزاده | کورس پاک‌س |
| محمد رضا جعفری | محمود رضا صفر نژاد | سید رضا طالب موسوی | حسن ده‌دار |

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

به یاری آوارگان جنگ بشتابیم

گزارشی کوتاه از فعالیت هواداران سازمان

• یک بررسی کوتاه و اجمالی نشان می‌دهد که به‌ویژه در لحظات حساس کنونی تا چه‌پایه انقلاب خونبار مردم ما نیازمند تحکیم وحدت همه نیروهائی است که در حفظ دستاوردهای انقلاب و تداوم و تعمیق آن ذینفع‌اند.

یک انقلاب هرگاه نتواند تمامی نیروهائی را که از آن دفاع می‌کنند، گرد آورد و خود را از نیرو و توان آنان در مسیر تعمیق و پیشرفت انقلاب برخوردار سازد، بدون تردید با شکست و تباهی روبرو خواهد شد.

انقلاب ایران از همان آغاز با یک انحراف بزرگ دمساز بوده‌است. انحرافی که علیرغم آشکار شدن نقش مخرب و حتی خیانت‌بار آن متأسفانه هنوز پابرجاست. این انحراف بزرگ درک نادرست نسبت به دوستان و دشمنان انقلاب در نزد پارهای از رهبران و مقامات طراز اول جمهوری بوده‌است که ابتدائی‌ترین نتیجه آن به‌وجود آوردن موانع جدی در راه برخوردار کردن انقلاب مردم ایران از نیرو و توان پیگیرترین مدافعان آن بوده‌است. امری که ضربات مهلکی تاکنون بر پیکر انقلاب وارد آورده‌است.

آنچه که در این مقاله می‌خوانید، نمونه کوچکی است که نشان می‌دهد چنانچه به انقلاب و نیروهای انقلاب عمیقاً باور داشته باشیم چگونه قادر خواهیم بود با مشکلات و مصائبی که امپریالیسم و ارتجاع منطقه بر مردم ما تحمیل می‌کنند تا انقلاب را به شکست کشانند، با استواری و توانائی بیشتری مقابله کنیم و از بوته آزمایش تاریخ سرفراز بیرون آئیم.

در صفحه ۱۳

«دیکناتوری و چغندر»

کشف جدید اقتصادی اجتماعی روزنامه
انقلاب اسلامی

روزنامه انقلاب اسلامی سازی در ایران " به چاپ شنبه ۹ اسفندماه ۵۹ مقاله‌ای رسانده است که در آن به با عنوان "پیشنهاداتی نتیجه‌گیری‌های مغلوب و در برای بهبود وضع صنعت قند عین حال مضحکی

بقیه در صفحه ۲۷

ششمین سالگرد قیام مردم خراسان و آذربایجان گرانی باد

برای پیروزی بر امپریالیسم

باید متحد شد

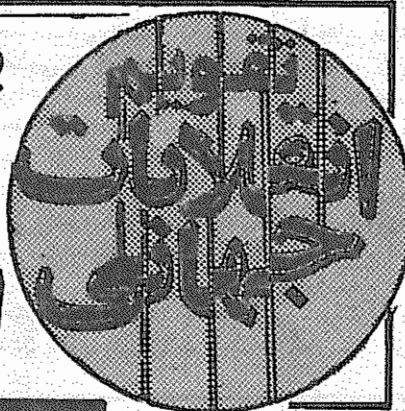
در صفحه ۲۲

★ از تجارب گرانبهای قیام‌های آذربایجان و خراسان که امروز بیش از هرزمانی باید آن را درک کرد و به کار بست، این است که دامن‌زدن به تفرقه و پراکندگی در صفوف مردم و نیروهای انقلاب، سلاح امپریالیسم و دشمنان داخلی استقلال و آزادی در به شکست کشاندن نهضت‌ها و انقلابات رهائی بخش بوده‌است. تنها زمانی که همه مردم متحد باشند امپریالیسم و ارتجاع منطقه هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. درس بزرگ نزدیک به یک قرن مبارزه رهائی بخش و استقلال طلبانه مردم ایران و مردم سراسر جهان این است: برای پیروزی بر امپریالیسم اولین شرط این است که متحد شویم.

برنامه

دولت انقلابی دمکراتیک
السالوادور

در صفحه ۸



پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر